

مکتبہ المدینہ، لاہور

کتابنامہ

احادیث، انٹرنیٹ، توصیہ نامہ علمی

تالیف:

حادی بنجینی

ترجمہ:

علی اصغر حبیبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی

نویسنده:

هادی نجفی

ناشر چاپی:

کانون پژوهش

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	اشاره
۱۹	پیشگفتار
۲۵	کنز الوحید: هو الله تعالى
۳۳	الکنز الثانی: محمد رسول الله صلى الله عليه و آله
۳۵	الکنز الثالث: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام
۳۵	اشاره
۳۹	فاطمه الزهراء سلام الله عليها
۴۳	الإمام الحسن المجتبی عليه السلام
۴۵	الإمام الحسين الشهيد عليه السلام
۴۹	الإمام علي بن الحسين السجاد عليه السلام
۴۹	الإمام محمد بن علي باقر العلوم عليه السلام
۵۱	الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام
۵۱	الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام
۵۱	الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام
۵۳	الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام
۵۵	الإمام علي بن محمد الهادي عليه السلام
۵۵	الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام
۵۷	الإمام الحجة بن الحسن صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۷	کتابه سطور في مدينه النبي صلى الله عليه و آله
۵۹	أنفق و لا تخف من ذي العرش إقلالاً

٦١	الشفاعة عامه تجرى في العوالم الثلاثة
٦١	نحن ببركتهم عليهم السلام في الجنة دائماً
٦٥	النجاه غداً قطعاً إن شاء الله تعالى
٦٥	كتابه سطور في حال الإحرام قبل الذهاب إلى عرفات
٦٧	أباؤك من العلماء و الفقهاء
٦٩	العلم الكنز
٦٩	كيفية دراسته العلوم الحوزويه
٧١	الكنوز التي أنت تملكها
٧١	اشاره
٧٣	الإيمان بالله تعالى و بنبيه صلى الله عليه و آله و بوصيه عليه السلام و الأئمه من ولده عليهم السلام
٧٣	الطاعة لله تعالى
٧٣	الصلاه
٧٣	التوكل على الله
٧٥	أشعار أبي المجد في التوكل
٧٥	حبك لأمير المؤمنين عليه السلام
٧٧	التوسل
٧٧	الدعاء
٧٧	التهجد
٧٧	التوبه
٧٩	قرأه القرآن
٧٩	الصدقه
٧٩	الإنفاق
٧٩	الوالده
٨١	الإعتبار و ماء الوجه
٨١	الرزق على الله تعالى
٨١	القناعه

٨٣ الخلق الحسن
٨٣ الصبر
٨٣ الأيام
٨٣ لا تظهر الشيء قبل أن يستحكم
٨٣ لاتثق قبل الاختبار
٨٥ الصمت
٨٥ الانتظار للصلاه
٨٥ سوره الحمد
٨٥ آيه الكرسي
٨٧ سوره القدر
٨٧ سوره المؤمنين
٨٧ الصلاه على محمد و آله
٨٩ كلمه التوحيد
٨٩ المعروف
٨٩ محبه القلوب إليك
٨٩ إياك و معاده الرجال
٩١ العمل
٩١ التقوى
٩١ الصلاه فى أول يوم من رجب
٩١ دعاء لأبى عبدالله عليه السلام
٩١ الجوشن الكبير
٩٣ كلمات من كنوز العرش
٩٣ الوسائل إلى المسائل
٩٥ الكنز فى الروايات يطلق على أشياء و امور
٩٥ اشاره
٩٥ كان تحته كنز لهما

٩٥	لا حول و لا قوة إلا بالله
٩٩	العجب لمن فرع من أربع كيف لا يفرع إلى أربع
١٠١	أربعة من كنوز البر
١٠١	أربعة من كنوز الجنة
١٠١	الكوفة كنز الإيمان
١٠١	كنوز الله في الطالقان
١٠٣	الكنز لا بد أن يودع عند الأمين
١٠٣	إن هدى الله بك أحداً فهو كنزك
١٠٥	خاتمه:
١٠٥	إشاره
١٠٥	منها: دعاء الإمام الصادق عليه السلام في مجلس المنصور للنجاه منه
١٠٩	و منها: وصيه الإمام الصادق عليه السلام لولده الإمام الكاظم عليه السلام
١١١	وصيه رسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام
١١١	وصيه أمير المؤمنين لولده الإمام الحسن عليه السلام
١١١	وصيه أمير المؤمنين عليه السلام لولده محمد بن الحنفية
١١١	وصيه اخرى لرسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام
١١٣	وصايا لقمان لابنه
١١٣	وصايا العلامه الحلى لولده قدس سرهما
١١٥	لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة
١١٥	سر تفوق الوحيد البهبهاني قدس سره
١١٧	الزراعة
١١٧	الروايات كلها كنوز
١١٧	الإجازة للولد
١١٩	إن تريد المال و الثروه
١٢٢	ضمائم
١٢٧	مصادر الكتاب

مشخصات کتاب

سرشناسه: نجفی، هادی، ۱۳۴۲ -

عنوان قراردادی: الکنز الجلی لولدی علی. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی / تألیف هادی نجفی؛ ترجمه علی اصغر حبیبی.

مشخصات نشر: اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۷-۰۷-۳

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: فارسی - عربی .

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۱۸] - ۱۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام -- مسائل متفرقه

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: حبیبی، علی اصغر، ۱۳۵۰ -، مترجم

رده بندی کنگره: BP۱۱/ن۲۶ک ۹۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۹۴۴۸

ص: ۱

اشاره

علیّی قد قفا لِخُطیِ اَبیه اَقْرَ اللّٰه عین اَبیه فیہ

تورث مجده و علاه طرا لآباء فقیهه عن فقیهه (۱)

(همانا علی پیرو خط و مشی پدرش می باشد، خداوند او را مایه چشم روشنی و افتخار پدرش قرار دهد.

او وارث بزرگی و عظمت مقام پدران فقیهش یکی پس از دیگری می باشد.)

ص: ۹

۱- ۱. قد شارک فی إنشاء البیتین العلماتان السید محمد رضا الجلالی و السید عبدالستار الحسنی البغدادی، و هو فی صبیحه یوم الجمعه الحادی و العشرین من ثانی الجمادین عام ۱۴۲۸ فی بیتنا بإصبهان صانها اللّٰه تعالی عن الحدّثان. (در سرودن این دو بیت دو علامه بزرگوار: آقایان سید محمد رضا جلالی و سید عبدالستار حسنی بغدادی در صبح روز جمعه بیست و یکم جمادی الثانی سال ۱۴۲۸ در منزل ما در شهر اصفهان مشارکت کردند. خداوند این شهر را از حوادث نگه دارد.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين.

گنج از واژه هایی است که در فکر و ذهن مردم جایگاه ویژه ای داشته و دارد بطوری که حتی اگر کسی در خواب ببیند گنجی پیدا کرده است شاد می شود، چه رسد به اینکه در بیداری گنجی پیدا کند و در ضرب المثل ها و مطالب و حقایق بزرگ از این واژه استفاده می کنند. در تعالیم حیاتبخش اسلام، اولیاء ارجمند دین ما برای روشنگری و هدایت مردم از همین لغات و اصطلاحاتی که مورد توجه خاص مردم می باشد، جهت تفهیم مطالب و مفاهیم بلند اعتقادی، اخلاقی، عرفانی و غیره استفاده نموده اند و در کلمات نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام از اموری تعبیر به گنج شده است، لکن فهم این جواهر کلمات بلکه شناخت معادن آن کار هر کس نیست و به عبارت روشن تر این مهم از عهده عالمان وارسته دین و فقهای مکتب اهل بیت علیهم السلام بر می آید که سالها در تحصیل علوم و فنون دین و دانش هایی که مقدمه فهم آن است با تلاش و جدیت شبانه روزی قدم برداشته اند، استاد بزرگوار ما و یادگار عالمان فرهیخته از دودمان رفیع نجفی یعنی حضرت آیت الله حاج شیخ هادی نجفی (حفظه الله تعالی) در زمره این فقها و عالمان ارزشمند است.

از آثار وجودی ایشان همین رساله ایست که در پیش رو دارید که با شیوه بسیار جالبی جمع آوری و تدوین شده است و در این کتاب به خوانندگان گنجهایی معرفی شده است که دارای ویژگیهای ذیل است:

۱- گنجی که بهتر از دنیا و آنچه که در دنیا است.

۲- گنجهایی از عرش الهی

۳- گنجهایی از بهشت

۴- گنجی از قرآن

۵- گنجی که از بین نمی رود.

۶- گنجی که انسان را از نابودی و ذلت و خواری و از حوادث تلخی مثل سوختن و غرق شدن و... حفظ می کند.

۷- گنجی که بهترین و سودمندترین و بالاترین گنجهاست.

۸- گنجی که نه مورد دستبرد دزدی قرار می گیرد و نه آفتی آن را تهدید می کند و خلاصه گنجی و گنجهایی که اگر کسی واجد آنها شد سعادت دنیا و آخرت او تضمین است.

نکته قابل توجه در این نوشتار این است که استاد معظم در مرحله اول این گنجها را به فرزند عزیزش می سپارد و او را توصیه به بهره برداری از چنین گنجهایی می کند برخلاف روشی که در بین مردم عادی جاری است که بر مبنای همان علاقه خدادادی که به فرزندان خود دارند خانه یا زمین و یا سرمایه های مادی دیگر را برای آنها به یادگار می گذارند لکن باتوجه به اینکه این موارد نیز تا اندازه ای مورد نیاز انسان است ولی همه آنچه که رنگ و تعلق مادی داشته باشد، روزی از بین می رود ولیکن این گنجهایی که حضرت استاد به فرزندش می دهد گنج خدایی است که هرگز در آن زوال و نابودی راه ندارد و در واقع گنجهای حقیقی همین گنجهاست که در این رساله آمده است.

و از آنجا که متن رساله به زبان عربی نوشته شده است و همه اقشار جامعه نیاز به خواندن و عمل نمودن به آن دارند خداوند به این کمترین توفیق ترجمه آن را به زبان فارسی عنایت فرمود. امیدوارم این قدم ناچیز در پیشگاه و منظر کریمانه خداوند مورد پذیرش واقع شود و طالبان این گنجها از آن بهره مند شوند، و متذکر می گردم که مصادر و منابع احادیث شریفه در ذیل صفحات متن عربی کتاب آمده است.

از صاحبان قلم و اندیشه و اساتید و دوستان تقاضامندم چنانچه نقضی در ترجمه این رساله مشاهده فرمودند با دیده اغماض به آن نظر کرده و بزرگوارانه به حقیر انتقال دهند.

و همچنین از محقق گرانمایه آیت الله زاده محترم استاد آقای علی زاهدپور -حفظه الله تعالی- به خاطر تصحیحاتشان بر متن و ترجمه تشکر و قدردانی می کنم.

علی اصغر حبیبی

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على رسول الله محمد المصطفى و آله الأئمه الهداه و لا سيما على الحجه الثاني عشر بقيه الله الأعظم صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف).

كلّ انسان يورث لولده من مال أو عقار أو ماء أو شىء من حطام الدنيا قليلاً كان أو كثيراً، و لكن لم تكن هذه الأمور وجهه نظرى و غايه همّتى و مدار عملى و رأس أملى فأنا أرتحل من هذه الدنيا الدنيه إلى جوار موالىّ عليهم السلام و ليس عندى ما يعتنى بها منها و أفوض أمرهم إلى الله تعالى. فهو خليفتى عليهم و هو نعم المولى و نعم النصير.

هذا و قد أرى أنّ عندى كنزاً بل كنوزاً لا بدّ من أن أكتب لهم عناوينها حتّى يصلوا إليها إن شاء الله تعالى.

و هذه الرساله هى خريطه الكنوز. فقد استخرتُ الله تعالى فى تدوينها و أنا كنتُ من وفده فى العمره المفرده عام ١٤٢٦ بمكه المكرمه فجاءت آيه «بسم الله الرحمن الرحيم» فى أوّل سوره لقمان، من ثمّ عزمت على ترسميها، و لكن لم يتيسر لى

ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی و خاندانش، امامانی که راهنمایان انسانها بویژه بر دوازدهمین حجت خدا حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان، که خدای متعال در ظهور آن حضرت تعجیل فرماید.

هر انسانی برای فرزندان خود چیزی به ارث می گذارد از اموال دنیا، زمین یا ملکی و یا آب و غیره، کم باشد یا زیاد. ولی این موارد مورد نظر و توجه من و وجهه همت من و معیار عمل من و سرلوحه آرزوی من نیست. بنابراین از این دنیای پست به سوی پیشوایانم که درود خدا بر آنان باد کوچ می کنم. در حالی که در نزد من هیچکدام از این اموری که ذکر شد نیست، و من کار فرزندانم را به خدای متعال واگذار می کنم و سرپرستی آنان را به او می سپارم و او بهترین سرپرست و یاور است.

ولی با این حال که دست من از دنیا و متاع آن خالی است لکن در نزد من گنجی بلکه گنجهایی است که ناچارم عناوین و فهرست آنها را بنویسم تا به دست فرزندانم برسد. (إن شاء الله تعالی)

و این رساله نمودار و نقشه گنجها است، و من از خداوند متعال در این باره طلب خیر نمودم به کلام نورانیش در سفر عمره مفرده در سال ۱۴۲۶ هجری قمری در مکه مکرمه و آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمد که در اول سوره مبارکه لقمان واقع شده است، لذا تصمیم گرفتم بر این کار، ولی فرصت مناسب برای این کار پیدا نمی کردم.

مجال و فرصه، حتّى منّ الله تعالى عليّ و وفّقنى لزياره مولاي و سيّدى و إمامى الحجه الثامن، ضامن الجنّه، الإمام الرّؤوف عليّ بن موسى الرضا -عليه آلاف التحيه و الثناء- فى آخر يوم من رجب المرجّب عام ١٤٢٧ و بركه وجوده الشريف ابتدأت بتأليف هذه الرساله فى جوار مضجعه الطاهر بمدينه المشهد المقدس فى الأسبوع الذى كنت بجواره، و قد وفّقنى الله تعالى إتمامها و كتابه ما يلىق أن يسطر فيها بركه وجوده الشريف و بحقّه سلام الله عليه.

و قد خاطبت فيها ولدى «محمد على» و لكن ليس هو المخاطب الوحيد، بل يتوجه خطابى إلى جميع وُلدى و نسلى و كلّ من يريد أن يستفيد منها و لا سيّما أولادى الروحانيين الذين قضيت شطرا من عمرى فيما بينهم تعليما و تعلّما فى مجالى الفقه و الأصول و غيرهما.

و كلّ أملى أن يقرأ و يقرؤوا الخريطه، و يسعى و يسعوا فيها حتّى يصل و يصلوا إلى الكنز بل الكنوز إن شاء الله تعالى.

و المرجوّ عنه و عنهم أن لا ينسونى من صالح دعواتهم و طلب المغفره و الرّحمه لى فى حياتى و مماتى. إنّه هو الغفور الرّحيم و الموقّق المعين.

غزه شعبان المعظم ١٤٢٧

هادى النّجفى

ص: ١٤

تا اینکه خداوند متعال بر من مَنّت نهاد و توفیق زیارت مولا و آقا‌یم امام هشتم ضمانت کننده بهشت، امام مهربان حضرت علی بن موسی الرضا (که بر او هزاران درود و تحیت باد) به من ارزانی فرمود در آخرین روز ماه رجب سال ۱۴۲۷ هجری قمری، و به برکت وجود ارزشمند امام رضا علیه السلام این رساله را شروع به نوشتن کردم، در کنار مرقد پاک آن امام در شهر مقدّس مشهد در یک هفته ای که در جوار امام رضا علیه السلام بودم، و آرزومندم که خدای متعال توفیق تمام کردن این رساله و نوشتن آن چه که سزاوار است در این رساله درج شود را به برکت وجود شریف آن حضرت و به حق آن امام که سلام خدا بر او باد به من عنایت کند.

در این نوشتار من طرف خطابم را فرزندم محمّد علی قرار دادم ولی او تنها مخاطب من نیست بلکه طرف خطاب من تمام فرزندانم و نسلم و هرکسی که اراده استفاده از این رساله را دارد مخصوصاً فرزندان روحانیم که بخشی از عمرم را به خاطر تعلیم و تعلّم در دو درس فقه و اصول و غیر آن دو در خدمت آنان بوده ام، می باشند.

و تمام آرزوی من این است که فرزندم و همه مخاطبان من در این رساله این مجموعه را بخوانند و سعی و تلاش کنند تا به آن گنجها دست یابند، إن شاء الله تعالی.

و از فرزندم و همه خوانندگان این کتاب درخواست دارم که مرا از دعا‌های خیر خود و طلب آمرزش و رحمت از درگاه خدا در زمان حیات و بعد از آن فراموش نکنند، همانا اوست آمرزنده، مهربان و توفیق دهنده و یاور.

اول شعبان المعظم ۱۴۲۷هـ.ق

هادی نجفی

ص: ۱۵

كنز الوحيد: هو الله تعالى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا بنى: كنزى الوحيد الذى منه تنشأ بقيه الكنوز هو الله تعالى رب العالمين و خالق السموات و الأرضين و القادر المطلق الذى أنت فى حضرته دائما و هو يراك.

و نُسِبَ إليه، أنه قال سبحانه: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا. فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ وَ بَسَطْتُ». (١)

و قد ورد فى دعاء المشلول بالنسبه إليه تعالى: «يا كنز من لا كنز له». (٢)

و نقل الكفعمى فى البلد الأمين (٣) دعاءً عن أمير المؤمنين عليه السلام و فيه: «يا كنز من لا كنز له» و فيه أيضا: «يا كنز الفقراء».

ص: ١٦

١- ١. مشارق أنوار اليقين / ٣٩، رسائل المحقق الكركى ٣/١٥٩ و ١٦٢، شرح نهج البلاغه ٥/١٦٣ لابن أبى الحديد المعتزلى، شرح أصول الكافى ١/٩٢ للمولى صالح المازندراني، بحار الأنوار، ٨٤/١٩٩ و ٣٤٤ من طبع بيروت و إحقاق الحق، ١/٤٣١، للشهيد السيد نورالله التستري مع اختلاف فى اللفظ.

٢- ٢. المصباح / ٢٦٢ للكفعمى - دعاء المشلول.

٣- ٣. البلد الأمين / ٣٣٢ و نقل عنه فى مفاتيح الجنان بعد دعاء آخر للتوسل و قبل ذكر «حرز الصديقه الطاهره (عليها السلام)».

ای فرزندم: یگانه گنج من که تمام گنجها از او سرچشمه می گیرد همانا خداوند متعال است که پروردگار جهانیان و آفریننده آسمان ها و زمین و آن یگانه قدرتمند واقعی است که تو همیشه در معرض دید او هستی و او تو را می بیند.

به خداوند سبحان نسبت داده شده که فرمود: «من گنج پنهانی بودم، دوست داشتم که شناخته شوم. پس آفرینش را آفریدم که بدان شناخته شوم و هستی را به همین منظور توسعه دادم».

و در دعای مشلول نسبت به خدای متعال این عبارت آمده است «ای گنج کسی که گنجی ندارد».

و شیخ کفعمی در بلدالأمین دعایی را نقل نموده است که در آن دعا می خوانیم: «ای گنج کسی که گنجی ندارد»؛ و همچنین در این دعا نسبت به خداوند می گویی: «ای گنج مستمندان».

و كذا ورد «يا كنز من لا- كنز له» فى دعاء أوّل يوم من المحرّم فى الإقبال ٣/٤٢ و عنه فى بحار الأنوار ٩٥/٣٣٤ و فى موسوعتى الحديثيه ١/٢٦٩، و مهج الدعوات /١١٥ و نقل عنه فى بحار الأنوار ٩٢/٢٨٢.

و قد ورد فى دعاء الجوشن الكبير بالنسبه إلى الله تعالى: «يا كنز الفقراء».(١)

و قد ورد فى المناجاة الرابعه عشره المسماه بمناجاة المعتصمين الملحقه بالصحيحه المباركه السجديه: «يا كنز المفتقرين».(٢)

فاعلم بأنّ الله تعالى خالقك و خالق كلّ شىء، و هو ربك و ربّ كلّ شىء، و هو عالمٌ بمصلحتك. ففوّض أمورك إليه تعالى و اعلم بأنّه لا يقدر لعبده المؤمن إلّا خيراً له فى الدنيا و العقبى.

و كن أنت عبده تطيعه و لا تعصيه فى أمر. فاعمل بواجباته تماماً من الأوّل إلى الآخر، و اترك معاصيه و نواهيه تماماً من الصدر إلى الذيل. فإن شئت أكثر من ذلك، فاعمل بالمستحبات بقدر طاقتك و ما تريد، و هذا هو جميع سيرى و سلوكى. فإن شئت فاعمل عليه و لا- يغرنك الوسواسون الخناسون بغير هذه المشى و السير؛ فإنهم قطع الطريق و ليس عندهم غير الضلاله و الظلمات.

فإذا أنت عملت بواجباته و تركت معاصيه، فتصير عبده «و العبوديه جوهره كنهها الربويه».(٣). بمعنى: أنت تصير خليفته فى أرضه.(٤)

ص: ١٨

١- ١. دعاء الجوشن الكبير/ الفقره ٩٢.

٢- ٢. الصحيحه السجديه.

٣- ٣. مصباح الشريعه /٧ طبع الأعلمى.

٤- ٤. و قد ذكر العلامه محمّد اسماعيل الخواجوى الإصفهانى المتوفى عام ١١٧٣ معنى آخر فى ذيل الحديث؛ فراجع كتابه جامع الشتات /١٣٢ إن شئت.

و جمله اول در دعای روز اوّل محرم در کتاب اقبال، ج ۳، ص ۴۲ و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۳۴ و در کتاب موسوعه حدیثی من، ج ۱، ص ۲۶۹ و در کتاب مهج الدعوات، ص ۱۱۵ و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۸۲ نیز آمده است.

و در دعای جوشن کبیر درباره خداوند متعال آمده است: «ای گنج تهیدستان».

و در مناجات چهاردهم که مناجات معتصمین نامیده شده است که ملحق به صحیفه مبارکه سجادیّه شده این عبارت درباره خداوند آمده است: «ای گنج نیازمندان».

پس بدان که خداوند متعال آفریننده تو و هر موجودی است و او پروردگار تو و هر شیئی است؛ و اوست که به مصلحت تو داناست. پس امور خود را به او واگذار کن و بدان که آنچه را او برای بنده مؤمنش مقدر می کند به خیر او و به صلاح دنیا و آخرت اوست.

و بنده او باش که همواره از او اطاعت می کند و در هیچ کاری معصیت او نکن؛ از این رو به تمام واجبات شرعیّه از اوّل تا به آخر آن عمل کن و آنچه را که خدا نهی کرده از ابتدا تا انتهایش ترک کن، بلکه اگر خواستی قدم از این هم فراتر بگذار و به مستحبات هم به اندازه توانائیت عمل کن؛ و از کارهای مکروه هم به مقدار توانت پرهیز کن. این تمام برنامه سیر و سلوک من است. اگر خواستی به این شیوه عمل کن و مواظب باش که شیطان صفت های وسوسه گر تو را فریب ندهند و به روش دیگری رهنمون نشوند؛ چرا که آنها دزدهای راه هدایت مردمند و در نزد آنان جز تاریکی و گمراهی چیز دیگری یافت نشود.

پس زمانی که تو به واجبات الهی عمل نمودی و معاصی او را ترک کردی، بنده او می شوی که «بندگی گوهری است که انسان را به مقام ربوبی می رساند». به این معنی که تو جانشین خدا در روی زمین خواهی شد.

وقد ورد في الحديث القدسي: يا ابن آدم، أنا غنيّ لا- أفترق، أتعني فيما أمرتك، أجعلك غنيّاً لا تفتقر. يا ابن آدم، أنا حيّ لأموت، أتعني فيما أمرتك، أجعلك حيّاً لا تموت. يا ابن آدم، أنا أقول للشيء كن فيكون. أتعني فيما أمرتك، أجعلك تقول للشيء كن فيكون. (١)

و عن أبي حمزه قال: إنّ الله أوحى إلى داود عليه السلام: يا داود، إنّك ليس عبد من عبادي يطيعني فيما أمره إلّا أعطيته قبل أن يسألني، و أستجيب له قبل أن يدعوني. (٢)

و عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنّ الله تعالى أوحى إلى داود عليه السلام أن أبلغ قومك أنّه ليس من عبد منهم أمره بطاعتي فيطيعني إلّا كان حقّاً على أن أطيعه و أعينه على طاعتي، و إن سألني أعطيته و إن دعاني أجبته و إن اعتصم بي عصمته و إن استكفاني كفيته و إن توكل على حفظته من وراء عورته، و إن كاده جميع خلقي كنت دونه. (٣)

وقد ورد في صحيحه أبان بن تغلب عن أبي جعفر عليه السلام قال: لَمَّا أُسْرِيَ بالنبي صلى الله عليه و آله قال: يا ربّ، ما حال المؤمن عندك؟ قال: يا محمّد، مَنْ أهان لي ولياً فقد بارزني بالمحاربه و أنا أسرع شيء إلى نصره أوليائي، و ما تردّدت عن شيء أنا فاعله كترددى عن وفاه المؤمن، يكره الموت و أكره مساءته. و إنّ من عبادي المؤمنين من

ص: ٢٠

-
- ١- ١. بحار الأنوار، ٩٠/٣٧٦ (٣٧/٥٠٣ و ٥٠٢) كلاهما من طبع بيروت.
 - ٢- ٢. بحار الأنوار، ٩٠/٣٧٦ (٣٧/٥٠٣ و ٥٠٢) كلاهما من طبع بيروت.
 - ٣- ٣. بحار الأنوار، ٩٠/٣٧٦ (٣٧/٥٠٣ و ٥٠٢) كلاهما من طبع بيروت.

لذا در حدیث قدسی آمده است که: «ای پسر آدم من (خدای) بی نیاز هستم که هرگز نیازمند نمی شوم اطاعت کن مرا در آن چه به تو دستور داده ام تا تو را هم به چنین مرتبه ای برسانم که بی نیاز شوی و هرگز فقیر نگردی، ای پسر آدم من زنده ای هستم که نمی میرم اطاعت کن مرا در آنچه به تو امر کرده ام تا تو را هم به جایی برسانم که زنده باشی و هرگز نمیری، ای پسر آدم من اگر به چیزی بگویم باش موجود می شود تو هم به دستوراتی که من به تو داده ام عمل کن و مطیع من باش تا تو را به مرتبه ای برسانم که به محض این که به چیزی بگویی باش موجود گردد.»

و از ابو حمزه نقل شده است که خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی نمود: ای داوود بنده ای از بندگان من نیست که مرا اطاعت کند در آنچه به او امر کرده ام مگر این که به او عطا کنم قبل از این که از من بخواهد و در حق او اجابت کنم قبل از این که مرا به دعا بخواند.

و از ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام روایت شده است که فرموده: خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی نمود که به قوم خود این مطلب را برسان: بنده ای از بندگان من نیست که او را بر انجام فرمانی دستور داده باشم و او مرا اطاعت کند مگر این که بر من لازم است که مطیع او باشم و او را بر انجام اطاعتم یاری کنم و اگر از من درخواستی کرد به او ببخشم و اگر دعایی نمود اجابتش کنم و اگر به من پناهنده شد او را حفظ می کنم و اگر کفایت امور مهم خود را از من خواست من او را کفایت می کنم و اگر به من توکل کند پشتیبان او می گردم و اگر تمام خلق من در حق او مکر و حيله کنند من با او هستم.

و در روایت صحیحه ابان بن تغلب از امام ابی جعفر (باقرالعلوم) علیه السلام روایت شده است که: آن حضرت فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفت به خدا عرضه داشت: خدایا جایگاه مؤمن در نزد تو چگونه است؟ خدا فرمود: هر کس به یکی از اولیای من اهانت کند در واقع آشکارا به جنگ من آمده است و من کسی هستم که از همه زودتر به یاری دوستانم می شتابم، و در هر کاری که می کنم تردید به خود راه نمی دهم جز تردیدی که در قبض روح و میراندن بنده مؤمن خود دارم. [چرا که] او مرگ را ناخوشایند می پندارد و من از ناراحتی او ناراحتم و همانا بعضی از بندگان باایمان

لا يصلحه إلّا الغنى و لو صرفته إلى غير ذلك لهلك، و إنّ من عبادى المؤمنين من لا يصلحه إلّا الفقر و لو صرفته إلى غير ذلك لهلك، و ما يتقرّب إلى عبد من عبادى بشيء أحبّ إلىّ ممّا افترضت عليه، و إنّّه ليتقرّب إلىّ بالنافله حتّى أحبّه. فإذا أحبته كنت إذا سمعه الذى يسمع به و بصره الذى يبصر به و لسانه الذى ينطق به و يده الذى يبطش بها، إن دعانى أحبته و إن سألتنى أعطيته. (١)

و قد ورد ذيلها أيضا فى خبر حماد بن بشير عن أبى عبد الله عليه السلام المروى فى الكافى الشريف. (٢) فراجعه إن شئت.

و قد روى ابن فهد الحلّى مرفوعه عن النبى صلى الله عليه و آله أنّه قال: أوحى الله إلىّ: أن يا أخا المرسلين و يا أخا المنذرين، أنذر قومك لا يدخلوا بيتا من بيوتى و لأحد من عبادى عند أحد منهم مظلّمه؛ فإنّى ألغنه مادام قائما يصلّى بين يديّ حتّى يردّ تلك المظلّمه، فأكون سمعه الذى يسمع به و أكون بصره الذى يبصر به، و يكون من أوليائى و أصفيائى، و يكون جارى مع النبيين و الصديقين و الشهداء [و الصالحين] فى الجنة. (٣)

و لا تكن فى هذا المجال أقل من أياز الذى كان عبدا للسلطان محمود الغزنوى و له قصه معروفه معه فى شأن الجوهرة الثمينه، و قد تعرّض لها الحاج المولى هادى السبزوارى قدس سره فى منظومته الفقيهه المسماه بـ «النبراس» حيث قال:

ص: ٢٢

١-١. الكافى، ٢/٣٥٢، ح ٨.

٢-٢. الكافى، ٢/٣٥٢، ح ٧.

٣-٣. عدّه الداعى/١٧٣.

من امورشان اصلاح نمی شود، مگر در صورتی که بی نیاز شوند و اگر غیر از این حالت درباره آنان انجام گیرد هلاک می شوند و گروهی دیگر صلاح آنان در فقر و نیازمندی است که اگر غیر از این باشد هلاک می شوند. و هیچ کدام از بندگان من به من نزدیک نمی شود به چیزی در نزد من، بهتر از انجام کارهایی که بر او واجب کرده ام. و همانا او به درگاه من تقرب می جوید به وسیله انجام نافله (نمازهای مستحبی) به طوری که من او را دوست می دارم پس اگر دوستدار او شوم همان گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبانش می شوم که با آن سخن می گوید و دستش می شوم که با آن کارهای مهم انجام می دهد و اگر مرا بخواند او را اجابت می کنم و چنان چه چیزی از من بخواهد به او می بخشم.

و قسمت پایانی این حدیث در روایت حمّاد بن بشیر از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی نقل شده است، اگر خواستی می توانی مراجعه کنی.

ابن فهد حلی رحمه الله حدیث مرفوعه ای را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت نموده که آن حضرت فرمود: خداوند به من وحی کرد: ای برادر پیامبران و ای برادر بیم دهندگان، قوم خود را هشدار ده وارد خانه ای از خانه های من نشوند در حالی که ستمی بر بندگان من بر ذمه آنها باشد. و اگر با این حال به درگاه من به نماز ایستند، تازمانی که در پیشگاه من به نماز ایستاده اند، من آنها را لعنت می کنم مگر وقتی که آن ستم را از صاحبش برطرف کنند. پس اگر کسی این کار را بکند، چنین شخصی را من گوش وی می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و او از دوستان و برگزیدگان من می گردد و در جوار من با پیامبران و صدیقان و شهیدان [و بندگان شایسته من] در بهشت قرار می گیرد.

در این دنیا و در مسیر بندگی خدا از ایاز کمتر نباش. وی غلام سلطان محمود غزنوی بود و داستان معروفی با سلطان محمود درباره یک گوهر گرانبها دارد.* که حاج ملا هادی سبزواری قدس سره در منظومه فقهیش «التبراس» در بیتی بدان اشاره می کند:

كسر الأياض للفريده اشتهر*** و أمر مأمور أمير ما كسر (١)

الكنز الثاني: محمد رسول الله صلى الله عليه وآله

يا بنى، الكنز الثاني: هو صاحب الخلق العظيم و رحمه للعالمين و رسول ربّه خاتم الأنبياء و المرسلين نبينا محمّد رسول الله المصطفى صلى الله عليه وآله (المولود ١٧ ربيع الأول فى عام الفيل و المتوفى مسموما ٢٨ صفر عام ١١)، صاحب رساله ربّه و الداعى إليه. و هو الذى قد جاء بخير الأديان و أحسن الشرايع و «حلاله حلال أبدا إلى يوم القيامة و حرامه حرام أبدا إلى يوم القيامة» (٢). كما أتى بمعجز كثيره لا يمكننى عدّها فى هذه الوجيزه، و عليك بمراجعته الكتب المفصّله فى هذا المجال.

و من معجزه الباقيه هى عمليه المباهله التى لها ترتيب خاص (٣).

و منها: القرآن الكريم و هو المعجزه الخالده على مرّ الدهور و الأيام.

و منها: أمير المؤمنين على بن أبيطالب عليه السلام و أحد عشر من أولاده الأئمه المعصومين عليهم السلام .

بنى، فاعلم أن ماجاء به محمّد رسول الله صلى الله عليه وآله حقّ لا ريب فيه. فإن كان من العقائد فاعتقد بها و اجعل عقد قلبك عليها، و إن كان من واجب الأعمال فاعمل به، و إن كان من المنهى فانته عنه؛ فإنّه رسول ربّ العالمين و لا ينطق عن الهوى إن هو إلّا وحى يوحى.

ص: ٢٤

١-١. النبراس /٧.

٢-٢. كما ورد فى صحيحه زواره المرويه فى الكافى ١/٥٨، ح ١٩.

٣-٣. فراجع لترتيبها: عده الداعى /٢٤٨ لابن فهد الحلّى من طبعه مؤسسه المعارف الإسلاميه عام ١٤٢٠.

شکستن آن گوهر گرانبها به دست ایاز مشهور است، ولی وی مأموری بود که دستور امیر خود را نشکست.

ای فرزندم: دوّمین گنج، صاحب اخلاق بزرگ و رحمت برای جهانیان و فرستاده پروردگارش آخرین پیامبر الهی پیامبر ما حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که در سال واقعه اصحاب فیل در ۱۷ ربیع الاوّل به دنیا آمد. و در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری در حالی که آن حضرت را مسموم نموده بودند از دنیا رحلت فرمود. آن حضرت دارای رسالت از جانب پروردگارش و دعوت کننده مردم به سوی خدا بود که با بهترین شریعت و دین به سوی مردم آمد و حلال آن حضرت تا روز قیامت حلال و حرامش نیز تا روز قیامت حرام می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله با معجزات فراوانی به رسالت برانگیخته شد که مرا توانایی شمارش آنها در این رساله مختصر نیست و تو می توانی به کتاب های مفصّلی که در این باره نوشته شده است مراجعه کنی.

از معجزات باقی آن حضرت همان مباحثه ایست که با ترتیب و کیفیت خاصی انجام می گیرد.

و از دیگر معجزاتش قرآن کریم است که در واقع معجزه همیشگی و جاویدان پیامبر اسلام می باشد که با گذشت روزگاران و مرور ایام همچنان باقی است.

و از دیگر معجزات آن حضرت وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده نفر از فرزندان معصوم وی علیهم السلام می باشند.

فرزندم: بدان که آن چه حضرت محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است مطابق با واقع می باشد بدون ذره ای تردید و شک، پس آنچه از معارف آن حضرت مربوط به اعتقادات می باشد به آن معتقد باش و ایمان قلبیت را بر آن قرار بده، و آنچه از واجبات و احکام عملی است آنها را انجام ده و از آنچه آن حضرت نهی نموده است پرهیز نما، و بدان که آن حضرت فرستاده خداوند است و از روی هوی و هوس سخنی نمی گوید بلکه آنچه بر زبان می راند در واقع به جز وحی الهی چیز دیگری نیست.

يابنّي، الكنز الثالث: هو أمير المؤمنين على بن أبي طالب -عليه الصلاة والسلام- (المولود ١٣ رجب ثلاثون عاما بعد عام الفيل و المتوفى شهيدا ٢١ شهر رمضان عام ٤٠) و هو الخليفة (١) -بلا فصل- بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وأخيه وصيته و صهره لبنته فاطمه الزهراء سيده نساء العالمين عليها السلام ، و له الولاية في التكوين و التشريع و هو نفس رسول الله صلى الله عليه وآله بدلاله آيه المباهله، إلا أن رسول الله صلى الله عليه وآله آخر الأنبياء و خاتمهم و هو أول الأئمة و مبتدئهم و أبيهم.

و قد ورد في الروايه عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال عند قرب وفاته: «أيها الناس، هذا عليّ بن أبي طالب كنز الله اليوم و ما بعد اليوم، من أحبّه و تولّاه اليوم و ما بعد اليوم فقد أوفى بما عاهد عليه الله و أدى ما وجب عليه، و من عاداه اليوم و ما بعد اليوم، جاء يوم القيامة أعمى و أصمّ لا حجّه له عند الله». (٢)

و قد ذكر الصدوق بإسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال له: «يا عليّ، إنّ لك كنزا في الجنة و أنت ذو قرنيها» الحديث. (٣)

و زاد في أماليه: «و شيعتك تُعرفُ بحزب الله عزوجل» (٤)

ثم قال الصدوق في تفسير «الكنز في الجنة» وجهان:

ص: ٢٦

١-١. قد كتبت في سالف الزمان في إثبات خلافته كتابي المطبوع «ولايت و امامت» باللغه الفارسيه.

٢-٢. بحار الأنوار ٢٢/٤٨٦، ح ٣١.

٣-٣. معاني الأخبار ٢٠٥/ و نقل عنه في بحار الأنوار، ٣٩/٤١، ح ١٣.

٤-٤. أمالي الصدوق، المجلس الثالث و الثمانون، ح ٢/٦٥٦، الرقم ٨٩.

ای فرزندم؛ گنج سؤم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) می باشد (که در ۱۳ رجب در حالی که سی سال از واقعه عام الفیل گذشته بود به دنیا آمد و در ۲۱ ماه رمضان سال ۴۰ هجری به شهادت رسید) آن حضرت جانشین بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله و برادر و وصی و داماد وی و شوهر دختر رسول خدا فاطمه زهرا علیهاالسلام سرور زنان عالم می باشد. و دارای ولایت تکوینی و تشریحی است و او به منزله نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله است به دلالت آیه شریفه مباحله با این فرق که حضرت محمد صلی الله علیه و آله آخرین نفر از پیامبران الهی است ولی حضرت علی اولین امام از امامان معصوم و پدر آن بزرگواران می باشد.

و در روایتی آمده است که پیامبر خدا در حالی که نزدیک وفاتشان بود فرمودند: ای مردم این علی بن ابیطالب گنج خدا در این روزگار و آینده است کسی که امروز و آینده او را دوست بدارد و ولایت وی را برگزیند. پس به عهد و پیمانی که از جانب خدا بر عهده اوست وفا نموده است و آنچه را که خدا بر او واجب کرده ادا نموده است و کسی که با او امروز و بعد از این دشمنی نماید روز قیامت در حالی که عذری برای او نیست در نزد پروردگارش محشور می شود در حالی که کور و لال است و در نزد خداوند دلیل و حجتی ندارد.

شیخ صدوق - رحمت و رضوان الهی بر او باد- با سندهای خود از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام روایت نموده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

ای علی برای تو در بهشت گنجی است و تو صاحب دو مهم آن هستی.

در امالی شیخ صدوق اضافه به این جملات عبارت دیگری را در ادامه حدیث آورده است و آن این است: و پیروان تو به عنوان حزب خدای عزوجل شناخته می شوند.

شیخ صدوق در ذیل این حدیث در تفسیر «گنج در بهشت» که در این روایت آمده است دو وجه ذکر می کند:

الأول: إنّه عليه السلام مفتاح نعيمها.

الثانى: قال: وقد سمعت بعض المشايخ يذكر أنّ هذا الكنز هو ولده المحسن عليه السلام و هو السِّقْط الذى ألقته فاطمه عليها السلام لما ضغطت بين البابين.

و قال فى تفسير «ذو قرنيها»: إنّ قرنين هما الحسن و الحسين عليهما السلام ، أو المراد بهما قرنيالدينا؛ أى: شرقها و غربها و أنّك الحجه عليها.

راجع لتفصيل كلامه إلى كتابه معانياالأخبار / ٢٠٦ و ٢٠٧.

و قال على عليه السلام : أنا كنزُ الغنى. (١) و قال أيضا: أنا كنز ملهوف. (٢)

بنى، عليك بالتمسك بجبل ولايته و إمامته، و هو جبل الله المتين و صراطه المستقيم و باب مدينه علم النبي صلى الله عليه و آله ، و هو الحقّ كما قال النبي صلى الله عليه و آله : «الحقّ مع عليّ و عليّ مع الحقّ لا يفترقان حتّى يردا عليّ الحوض». (٣)

و هو الجنة كما قال النبي صلى الله عليه و آله : «عليّ قسيم النار». (٤)

بنى، عليك بحبّ من تولّاه من شيعته و مواليه (٥) و البراءه ممّن عاداه من مخالفيه و غاصبي حقوقه. فاعلم أنّك إن نصرت عليّنا فالله هو ناصرك، و إن خذلتة فالله هو خاذلك -أعيذك بالله من ذلك- . و الوجه فى ذلك هو دعاء النبي المستجاب قطعاً فى

ص: ٢٨

١-١. الفضائل ١/٨٠ لشاذان بن جبرئيل القمى، و نقل عنه فى كتاب «فاطمه الزهراء آيه عظمه الله» / ١٧٠.

٢-٢. نوادر المعجزات / ١١٢ ح ١٢ للطبرى الإمامى، الطبعة الحديثه.

٣-٣. الخصال، ٥٥٩/، المناقب، ٢/٢٦٠، كشف الغمه ١/١٤٤، بحار الأنوار، ٢٩/١٦، ٣١/٣٢٤، ٣٨/٢٨.

٤-٤. المناقب ٢/٩، بحار الأنوار، ٣٩/٢٠٤، ٤٠/١٧٦.

٥-٥. فى هذا المجال راجع كتابياالمطبوع «ألف حديث فى المؤمن».

اول: این که حضرت علی صلی الله علیه و آله کلید نعمت های بهشت است.

دوم: همان طوری که من از بزرگان شنیده ام آن گنج فرزندش محسن می باشد که او همان جنینی بوده که از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سقط شد آن زمان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در فشار بین دو در (در و دیوار) قرار گرفت.

و شیخ صدوق در تفسیر «صاحب دو مهم» گفته است که مراد امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشند و یا این که منظور دو طرف دنیا یعنی مشرق و مغرب می باشد و این که تو حجت بر عالم دنیا می باشی، که مفضل کلام شیخ صدوق را می توانی در کتابش معانی الاخبار ص ۲۰۷ و ص ۲۰۶ ببینی.

در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: من گنج بی نیازی هستم. و همچنین آن حضرت فرموده است: من گنج آن کسَم که فریاد خواهد و او را اندوه رسیده باشد.

فرزندم بر تو باد به ولایت و امامت این بزرگوار چنگ زنی که او ریسمان محکم خدا و راه مستقیم الهی و درب شهر علم و دانش پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ و اوست حقّ همان طوری که پیامبر فرموده است: «حق با علی است و علی با حق است و این دو از هم جدا نمی شوند تا روز رستاخیز در حوض کوثر بر من وارد شوند».

و در حقیقت بهشت خود حضرت علی علیه السلام است؛ همان طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی علیه السلام قسیم (نقطه مقابل) آتش جهنم است».

فرزندم بر تو باد به دوستی کسانی که آن حضرت را دوست دارند که همان شیعیان و پیروان آن حضرت می باشند. و بر تو باد به برائت از دشمنان آن حضرت که همان مخالفان آن امام و غصب کنندگان حقوقش می باشند. پس بدان که اگر یاور حضرت علی علیه السلام باشی همانا خدا یاور توست و اگر آن حضرت را رها کنی در حقیقت خدا ترا رها می کند؛ و دلیل این مطلب دعای مستجاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز

يوم غد يرخم حيث قال بعد نصب أمير المؤمنين عليه السلام بالولاية و الخلفه: «من كنت مولاه فعلى مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله...» إلى آخره.

و اعلم أنّ مذهب أمير المؤمنين عليه السلام هو مذهب الشيعة الإمامية الاثنا عشرية، و هو المذهب الحقّ الوحيد الفريد الذى قامت لحقانيته أدله و حجج و أمارات لا تعدّ و لا تحصى.

و أمّا السند القطعى لمذهبنا مذهب أهل البيت عليهم السلام الذى لا يمكن لأحدٍ أن يناقش فيه و فى دلالتة هى مولاتنا فاطمه الزهراء بنت رسول الله و قره عينه و ثمره فؤاده، سيده نساء العالمين من الأولين و الآخرين سلام الله عليها (المولوده ٢٠ جمادىالثانية خمسه أعوام بعد البعثه - المتوفاه شهيدته فى ١٣ إلى ١٥ جمادىالأولى أو ٣ جمادىالثانية عام ١١)؛ فإنه قال رسول الله صلى الله عليه و آله فى حقّها غير مره: «فاطمه بضعة منى. فمن أغضبها أغضبني».(١)

فاطمه الزهراء سلام الله عليها

و من المعلوم عند الجميع بأنّ فاطمه الزهراء سلام الله عليها استشهدت بعد أبيها رسول الله صلى الله عليه و آله بشهور لأجل مصائب و محن وردت عليها من قبل الخلفه و السلطه الموجوده فى زمانها و التى كانت غاضبه عليها، و لذا وصّت بأن يدفنها أمير المؤمنين عليه السلام سرّاً و لا يحضر أحد من غاصبي حقوقها فى تشييعها و دفنها كما

ص: ٣٠

١- ١. قد ذكرت مصادر هذه الروايه من بعض طرق العامه فى كتابى: موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام ٨/٢٥٤ فراجع ما حررته هناك.

عید غدیر خم است پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود نصب نمودند دعا کردند که هر کس تاکنون من پیشوای او بودم از این به بعد علی پیشوای اوست، خدایا اهل ولایت او را در کنف ولایت خود گیر، و با دشمنان وی دشمن باش. خدایا یاور یارانش باش و به خودشان واگذار کسانی که علی علیه السلام را یاری نکردند... تا آخر حدیث.

و بدان که مذهب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همان مذهب شیعه دوازده امامی است. مذهبی که تنها و یگانه مذهب حق می باشد و برای حقانیتش دلائل و براهین و نشانه های بی شماری اقامه شده است.

و اما سند قطعی مذهب ما که همان مذهب اهل بیت علیهم السلام است و سندی که برای کسی امکان ایراد و اشکال بر آن نیست در واقع یک نفر است و آن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و نور چشم آن حضرت و میوه دلش، سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین می باشد (که آن حضرت در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمد و در ۱۳ الی ۱۵ جمادی الاوّل و یا سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری به شهادت رسید).

پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بارها فرمودند: فاطمه پاره تن من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

و نزد همه معلوم و آشکار است که آن حضرت به شهادت رسید بعد از پدرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاصله چند ماه به دلیل مصیبت ها و آزارهایی که بر آن بزرگوار وارد شد از جانب حکومت وقت و حق آن حضرت غصب شد و به همین خاطر هم وصیت نمود که حضرت علی او را در پنهانی دفن کند و در تشییع جنازه اش و هنگام دفنش یکی از آنهایی که حقوق وی را غصب نمودند حاضر نشوند

حدثنا التاريخ، و لم ترَضْ عنهم، و معلوم أنّ غضبها من غضب الله و رضاها من رضا الله.

و اعلم يا بنى، أنّ لفاطمه سلام الله عليها حرمه عند الله تعالى و جاه عظيم فى الدنيا و الآخرة، و لها حرمه عند أبيها رسول الله صلى الله عليه و آله بحيث يُقبَلُها كلّما دخلت هى عليه كما ورد فى الروايه،^(١) و لها حرمه عند بعلمها أمير المؤمنين عليه السلام و عند أولاده الأئمه المعصومين عليهم السلام فإذا أردت حاجه فاطلبها من الله تعالى و اجعل واسطتك بينك و بين الله عزوجل و بين من له الولايه فاطمه الزهراء سلام الله عليها، و كذلك شفيعتك بينك و بين الله، و واسطتك بينك و بين بعلمها و أولادها؛ فإنهم يبجلونها و يقَدسونها و لها مقام الشفاعة فى الدنيا و الآخرة.

و قد ثبت عندى بطرق مختلفه أنّها مدفونه فى بيتها و هذا من أسرار آل محمد عليهم السلام .

و إن وفقك الله لزيارتها عليها السلام و زياره أبيها صلى الله عليه و آله ، فاقراً زيارتها بعد زياره أبيها صلى الله عليه و آله و أنت قائم فى حضره بيتها المعلوم حالياً أنّه فى خلف قبر رسول الله صلى الله عليه و آله بأقدام. و اسأل الله الرحمه و المغفره لى فى ذاك المكان الذى يعادل الجنه بل هو الجنه حقاً.

ص: ٣٢

١ - ١. سنن الترمذى ٥/٣٦١، مستدرک الصحيحين ٣/١٥٤ و ١٥٩ من الطبعه القديمه، جامع الأصول ٩/١٢٧، ح ٦٦٧٧، ذخائر العقبى ٤١/، الأدب المفرد ١٤١/، للبخارى من الطبعه القديمه، سنن البيهقى ٧/١٠١، بحار الأنوار ٣٧/٧١ (١٥/٦٠٥)، فضائل الخمسه ٣/١٥٨، للفيروز آبادى، التاج الجامع للأصول ٥/٢٥٤.

همانطوری که تاریخ این حقیقت را گزارش کرده است و آن حضرت از آنان راضی نبود. و روشن است که خشم او خشم خدا و رضایتش رضایت خدا است.

و بدان ای فرزندم؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نزد خداوند متعال احترام ویژه و جایگاه بلندی در دنیا و آخرت دارد و در نزد پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله . به طوری که پیامبر هر زمان دخترش بر او وارد می شد او را می بوسید چنانچه در روایت آمده است. و در نزد حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم آن حضرت علیهم السلام هم این احترام و جایگاه مخصوص وجود دارد. پس هرگاه از درگاه خدا حاجتی داشتی آن را از خداوند بخواه و واسطه بین خود و خدای خود و ائمه معصومین علیهم السلام را فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قرار بده و به وی متوسل شو، و او را شفیع بین خود و خدایت و واسطه بین خودت و امیرالمؤمنین علیه السلام همسر گرامیش و فرزندان معصومش علیهم السلام قرار ده. چون ایشان او را گرامی می دارند و بزرگ می شمارند و مقام شفاعت در دنیا و آخرت از آن اوست.

و برای من از راه های گوناگون ثابت شده است که آن حضرت در خانه خودش دفن شده است، و این از اسرار آل محمد علیهم السلام می باشد.

و اگر خدا به تو توفیق زیارت آن حضرت علیها السلام و زیارت پدرش صلی الله علیه و آله را عطا فرمود، زیارت آن حضرت را بعد از زیارت پدرش در حال ایستاده در کنار خانه اش که فعلاً مشخص است و در چند قدمی پشت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده بخوان. و از خدا در آن مکان که معادل بهشت بلکه بهشت واقعی است برای من رحمت و آمرزش بخواه.

ثم اخرج إلى البقيع الغرقد وزر أولادها الأئمة الهداه الأربع المدفونين فيه.

و فى شأن أولادها - هم الأئمة المعصومون من أهل البيت عليهم السلام - قال أمير المؤمنين عليه السلام: فيهم كرائم القرآن و هم كنوز الرحمن. إِنْ نَطَقُوا صَدَقُوا و إِنْ صَمَّتُوا لَمْ يُسَبِّتُوا، الخطبه (١).

الإمام الحسن المجتبى عليه السلام

يا بنى، و اعلم أنّ الإمام بعد أمير المؤمنين عليه السلام هو نجله الإمام الحسن المجتبى عليه السلام السبط الأكبر (المولود فى النصف من شهر رمضان عام ٣ و المستشهد مسموما فى ٧ أو ٢٨ صفر عام ٥٠ هجرى) الذى سمّه معاويه - عليه الهاويه - على يد جَعِيدَه بنت أشعث بن قيس و هى زوجة الإمام مَمِيَا أدى إلى لفظ كبده الشريف فى الطشت، كما أفصحت بذلك الروايات التاريخيه (٢) و استشهد عليه السلام و ذهب إلى جوار ربّه و للإلتحاق بجده و أمّه و أبيه.

و اعلم أنّ والده أمير المؤمنين عليه السلام أول مظلوم ظلم فى الإسلام و ظلامته هى اغتصاب الخلفه منه و من ولده عليه و عليهم السلام التى هى ميراثهم الشرعى الذى يرثه الأئمة عليهم السلام كابرا عن كابر، و قد ورثه الحسن عليه السلام من أبيه؛ و هو أيضا من المظلومين. فعليك بالدفاع عنه و عن والده و التذكير بما وقع عليهما بأى مناسبه

ص: ٣٤

١- ١. نهج البلاغه، الخطبه ١٥٤، و رواها الأمدى فى غررالحكم، ح ١٠٠٦٢.

٢- ٢. راجع فى هذالمجال إلى الرّساله التى كتبها بالفارسيه المحقق الجليل جويا جهانبخش باستدعاء منّى. و قد سماها «حكايه اخگر الماس ريزه ها» و طبعتها عام ١٣٨٤ش دارالنشر «دليل ما» بقم المقدسه. فالمؤلف جمع فيها النصوص الروائيه و التاريخيه و أثبت فيها أنّه عليه السلام رأى كبده فى الطشت.

سپس از مسجد النبی به سوی بقیع نورانی بیرون رو و چهار امام هدایتگر مدفون در آنجا را که فرزندان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هستند زیارت کن.

و در شأن فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) که همان پیشوایان معصوم از اهل بیت پیامبرند، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «درباره آنان آیات ویژه قرآن نازل شده است و آنان گنجهای خداوند رحمان می باشند که اگر سخن بگویند راست بگویند و اگر سکوت کنند کسی در سخن گفتن به آنها پیشی نمی گیرد...»

ای فرزندم، بدان که امام بعد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرزند آن بزرگوار سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد (که آن حضرت در نیمه ماه رمضان سال سوّم هجری در مدینه به دنیا آمد و در هفتم یا ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری مسموم و شهید شد). امام حسن علیه السلام سبط اکبر پیامبر اسلام را معاویه (که جایگاهش دوزخ باد) به دست زن آن حضرت جَعْدَه دختر أشعث بن قیس به شهادت رساند؛ و به حدی سمّ در بدن امام اثر نمود که آن حضرت پاره های جگر خود را داخل طشتی ریخت و مشاهده کرد و این واقعتی است که روایات تاریخی به آن اعتراف دارند. و امام با این حال از دنیا رحلت کرد و به جوار رحمت پروردگارش و زیارت جدّش و مادر و پدرش شتافت.

و بدان که پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام اولین مظلوم در اسلام است؛ و مظلومیت در واقع ارثی است که امامان معصوم علیهم السلام از همدیگر می برند و این موضوع را امام حسن علیه السلام از پدرش علیه السلام به ارث بُرد. آن حضرت در نهایت مظلومیت قرار داشت؛ لذا توصیه می کنم که از مقام و مظلومیت او و پدرش و آن چه برای نوشتن که امام حسن علیه السلام جگرش را در داخل طشت دید در هر مناسبتی یاد کنی و دفاع نمایی.

كانت. و لا سيما التذكر بما كتبت لك من أنه عليه السلام رأى كبده فى الطشت.

و التحق الإمام الحسن المجتبى عليه السلام بالرفيق الأعلى مظلوماً و شهيداً و دفن فى البقيع بعد منعهم من دفنه فى حجره رسول الله صلى الله عليه و آله التى ورثها من أمه فاطمه الزهراء عليها السلام و هى ترثها من أبيها رسول الله صلى الله عليه و آله .

و اعلم أن له كرماً يختص به و هو كريم أهل البيت عليهم السلام . فإن كانت لك حاجه، فاسأل الله تعالى من طريقه و بشفاعته، تصل إليها إن شاء الله تعالى؛ فهو يكافئ و يجازى كل من ذكره و خدمه و عظمه جزاءً سريعاً عاجلاً. و أنا جرّبت ذلك مرارا فى حياتى يا ولدى و حظيت بالمكافئه.

الإمام الحسين الشهيد عليه السلام

يا بنى، و اعلم أن الإمام بعده هو أخوه الإمام الحسين بن على سيد الشهداء عليه السلام (المولود ٣ أو ٥ شعبان عام ٤ و المقتول (١) شهيدا فى اليوم العاشر من محرم الحرام عام ٦١). و له من بين الأئمه خصائص و فضائل:

منها: أن كلهم سفن النجاه و لكن سفينه الحسين مجراها على اللجج الغامره أسرع(٢).

و منها: أن تربته أمان من كل خوف و شفاء من كل داءٍ -و أنا قد جرّبت هذا الأمر مرارا فى حياتى - فلا تشك فيه أبدا.

و منها: أن تحت قبه استجابه الدعاء و قد جربت هذا الأمر أيضا مرارا فى

ص: ٣٦

١- ١. قد كتبت فى مقتله كتابى المطبوع «يوم الطف».

٢- ٢. الخصائص الحسينيه /٥.

و امام حسن مجتبی علیه السلام در این حالت به لقاء الله پیوست و در قبرستان بقیع دفن شد.

و این بعد از آن بود که نگذاشتند آن حضرت را در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و در آن حجره و جایگاهی که از طریق مادرش فاطمه زهرا علیها السلام از پیامبر به او ارث می رسید دفن کنند.

بدان که برای امام حسن علیه السلام کرم و بخشش خاصّی است و آن حضرت کریم اهل بیت پیامبر علیهم السلام می باشد. اگر حاجتی به درگاه خدا داشته باشی، از طریق او و با شفاعتش از خدا بخواه و چنانچه خواست خدا باشد به خواسته ات می رسی؛ که خداوند متعال هرکسی را که به یاد امام حسن علیه السلام باشد و خدمتگزار وی باشد و آن حضرت را بزرگ شمارد، پاداش سریع و اجر جزیل عطا فرماید. فرزندم، این موضوع را من بارها تجربه کرده ام و از آثار و برکاتش بهره مند شده ام.

فرزندم، بدان که امام بعد از آن حضرت برادرش امام حسین علیه السلام فرزند حضرت علی علیه السلام سیدالشهداء می باشد (که در سوّم یا پنجم شعبان سال چهارم هجری متولد شد و در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری به شهادت رسید).

امام حسین علیه السلام در بین امامان معصوم علیهم السلام دارای ویژگی های منحصر به فردی است و همین طور فضائل مخصوصی را داراست که از جمله آنها این است که:

با این که همه آن بزرگواران کشتی های نجات انسان هایند، ولی کشتی امام حسین علیه السلام بر موجهای بلند و خطرناک سریع تر حرکت می کند.

و دیگر این که خاک مرقد آن حضرت ایمنی بخش از هر ترس و شفاء برای هر درد است - و این حقیقت را من بارها در زندگیم تجربه کرده ام - پس هرگز در این باره شک به خود راه مده.

و این که در زیر گنبد حرم آن حضرت دعا مستجاب است، و این موضوع را نیز بارها در زندگیم تجربه کرده ام،

حياتي، فلا تشك فيه أبداً فإن وفقك الله زيارته في مدينه كربلاء المقدسه، فلا تنساني أن تطلب المغفره و الرحمه لى.

و منها: أن الأئمه عليهم السلام من بعده كلهم من ذريته عليه و عليهم السلام.

و اعلم يا بنى، أن الحسين عليه السلام سريع الإجابة. فإن كان لك حاجه إلى الله تعالى فتوسل بالحسين عليه السلام ، يقض الله حاجتك سريعاً عاجلاً قريباً إن شاء الله تعالى.

و أن الله تعالى يحب أن يقيم مجلس عزاء الحسين إلى يوم القيامة. فعليك أن تقيم مجلس عزائه مادمت حياً؛ لأنه تفيدك في الدنيا و الآخره. و اجعل سعيك في هذه الإقامه من أفضل و أعظم ما عبدت الله به.

و اعلم أن زيارته عليه السلام من أفضل العبادات بحيث لم تثبت لدى عباده أفضل منها. فإن شئت أن تزوره في كل يوم فزره، و إن كنت نائياً عن مزاره، فزره بزياره عاشوراء المعروفه، فإنها تكفى لزيارته من قريب و بعيد في كل يوم، كما هو ديدنى.

و اعلم أن من أعظم الكنوز هو البكاء عليه عليه السلام ، و الدمعه التى جرت من أجله تطفى نار الجحيم، و هى عند الله تعادل التوبه المقبوله، و حين جريان الدمعه و بعدها يكون دعائك مستجاباً ببركتها، فلا تغفل عن البكاء عليه.

و إن ترد أفضل من ذلك، فاذا ذكر مصائبه حتى يبكى الناس، و أبك أنت أيضاً معهم؛ فإن ذكر مصائبه كذلك من أفضل الأعمال. فاسع لتسجل اسمك في قائمه الذاكرين لمصائبه عليه السلام ، و اكتب اسمك في قائمه المقيمين لتعزيتة عليه السلام حتى تفيدك في الآجله و العاجله.

لذا در این باره تردید به خود راه مده، پس اگر خداوند توفیق زیارت آن حضرت را در شهر مقدس کربلا به تو عنایت کرد برای من طلب رحمت و آمرزش کن.

از دیگر ویژگی های آن حضرت این است که امامان معصوم علیهم السلام که بعد از او هستند همه از فرزندان و نسل آن امام می باشند.

بدان فرزندم که امام حسین علیه السلام زود اجابت می کند کسانی را که به آن حضرت توسل پیدا کنند. پس اگر حاجتی به درگاه خدای متعال داری، متوسل به آن حضرت شو که خداوند به زودی حاجت تو را برآورده می کند. ان شاء الله تعالی.

و خداوند برپا داشتن مجالس ماتم و عزای امام حسین علیه السلام را دوست دارد که تا روز قیامت اقامه شود؛ لذا بر تو باد به برپائی مجلس عزای آن حضرت تا زمانی که زنده هستی به خاطر این که این موضوع تو را در دنیا و آخرت فایده می بخشد؛ و سعی و تلاش خود را در اقامه عزای آن حضرت از بهترین و بالاترین عبادات محسوب کن.

و بدان که زیارت مرقد امام حسین علیه السلام از بهترین عبادت ها محسوب می شود، به طوری که در نزد من عبادتی بالاتر از آن ثابت نشده است. پس اگر خواستی آن حضرت را هر روز زیارت کنی؛ و اگر از مزار آن امام دور باشی، با زیارت عاشورای معروفه زیارت نما و این زیارت نامه ای است که می توان با آن امام حسین علیه السلام را از دور و نزدیک و در هر روز زیارت نمود، همان طوری که سیره و روش من است.

و بدان که از بزرگ ترین گنجها گریه بر امام حسین علیه السلام است که گریه و اشک جاری بر او می تواند آتش سوزان جهنم را خاموش کند، و اشک برای آن حضرت در نزد خداوند معادل توبه مقبول می باشد، و در زمان جاری شدن اشک و بعد از آن دعایت به برکت اشک و گریه بر آن حضرت مستجاب است. پس از گریه بر آن حضرت غفلت نکن.

و اگر بالاتر و بهتر از این را می خواهی مصائب آن حضرت را برای مردم بخوان تا گریه کنند و تو نیز با آنان گریه کن که ذکر مصائب آن حضرت نیز از بهترین اعمال به شمار می آید. پس سعی کن نام خودت را در زمره ذاکران مصائب آن حضرت ثبت کنی و همین طور در گروه برپا کنندگان عزای آن حضرت قرار دهی، تا در آینده دور و نزدیک به آثار و برکات و فوائد آن برسی.

الإمام علي بن الحسين السجاد عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده علي بن الحسين عليه السلام سيد الساجدين و زين العابدين و تاج البكّائين (المولود ١٥ جمادى الثانيه أو ٩ شعبان عام ٣٨ و المستشهد مسموما في ١٢ أو ٢٥ محرم الحرام عام ٩٥) الذي بكى على أبيه أكثر من ثلاثين عاما و أحبب المذهب بعد استشهاد أبيه عليه السلام .

و قد ورث لنا كنزا خفيّا من كثره ظهوره و اشتهاره و هو أدعيته المجموعه تحت عنوان «الصحيفه السجديه»، و هو زبور آل محمد و أخت القرآن. و فيها أدعيه كثيره قد جرّبتُ بعضها فنجحت و وُفقت. فلا تغفل من هذا الكنز الذي بجوارك و ادع الله به. و اشتهار هذه الصحيفه يغنينا عن أسنادها، و لكن مع ذلك لها أسناد صحاح وصلت إلينا بواسطه أعلام الطائفه الحقه.

كما أنّه قد ورث لنا كنزا آخرًا يسمى بـ «رساله الحقوق»، و فيه أيضا منافع و دررٌ و جواهر جمه. فعليك بمطالعتها و استخراجها.

الإمام محمد بن علي باقر العلوم عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده الإمام محمّد بن علي عليه السلام باقر علم الأولين و الآخرين (المولود في غره رجب أو ٣ صفر عام ٥٧ و المستشهد مسموما في السابع من ذيالحجه عام ١١٤ هجريًا) الذي أسّس لنا هو و ولده الفقه و أصوله و قواعد الإستنباط، و كلنا نعد من تلامذته و نجلس على موائد علومه، و كلٌ يستفيدون منها بقدر وسعهم و طاقتهم، و كلنا عياله و عيال ولده. بل أخذ العامه منه عليه السلام قدرا كبيرا من مسائلهم في باب الحج، كما رووا عنه عليه السلام في أبواب فقهيه أخرى.

و امام بعد از او فرزندش علی بن الحسین علیه السلام سرور سجده کنان و زینت عبادت کنندگان و تاج افتخار گریه کنان است (در ۱۵ جمادی الثانی یا ۹ ماه شعبان سال ۳۸ به دنیا آمد و در ۱۲ یا ۲۵ محرم الحرام سال ۹۵ به زهر جفا مسموم و شهید شد). آن حضرت در عزای پدر گرامیش بیش از سی سال گریه کرد و زنده کننده مذهب بعد از شهادت پدرش بود.

آن امام بزرگوار برای ما گنجی را به ارث گذاشت که از فرط آشکاری و شهرت، پنهان است. آن همان دعا‌های گردآوری شده حضرت است که «صحیفه سجّادیه» نام دارد و زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و خواهر قرآن است. در این کتاب دعا‌های زیادی است و من بعضی از این دعاها را خوانده ام و آثار و برکات آنها را دیده و تجربه کرده ام. پس از این گنجی که در نزد توست غافل مباش و با آن خدا را بخوان. البته شهرت این کتاب ما را از این که به اسناد آن پردازیم بی نیاز می کند، ولی با این حال سندهای صحیحی را که به آن حضرت منتهی می شود و به وسیله علمای شیعه امامیه به دست ما رسیده است در اختیار داریم.

همچنین آن بزرگوار گنج دیگری را برای ما به ارث گذاشته است که «رساله حقوق» نامیده می شود که در این کتاب نیز مروارید و جواهر و گوهرهای گرانبهایی از معارف وجود دارد. از مطالعه این کتاب و استخراج جواهرات آن نیز غافل مشو.

و امام بعد از او فرزندش امام محمد باقر علیه السلام شکافنده دانش اولین و آخرین است. (در اول ماه رجب یا سوم ماه صفر سال ۵۷ هجری به دنیا آمد و در هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ هجری قمری بر اثر مسمومیت به شهادت رسید). این امام بزرگوار و فرزندش برای ما علم فقه و اصول و قوانین استنباط احکام شرعی را بنا نهادند و همه ما از شاگردان آن حضرت به شمار می آییم و بر سر سفره علوم و دانش های آن امام نشسته ایم. و هر کس به اندازه توانایی و ظرفیت خود از علم و دانش آن بزرگوار استفاده می کند و در واقع همه ما جزء خانواده علمی و معنوی او و فرزندش محسوب می شویم.

بلکه اهل سنت نیز بسیاری از مسائل حج و غیر آن از مسائل فقهی را از وی گرفته اند و از او روایت می کنند.

الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام

و الإمام من بعده ولده الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام (المولود ١٧ ربيع الأول عام ٨٣ -و المستشهد مسموما في ٢٥ شوال المكرم عام ١٤٨). رئيس مذهب الإماميه الحقّه، و هو شيخ الأئمه عليهم السلام و قد وصل المذهب إلينا بواسطته و واسطه أبيه الإمام الباقر عليه السلام ، و لهما في حفظ المذهب و تبليغه و ترويجه و تربيته التلاميذ و حفظ الحديث عن طريق الرواه حقّ على الشيعة لا ينكره أحدٌ حتى انتسب المذهب إليه، فعرف أتباعه بالجعفريه نسبة الى الإمام جعفر بن محمد عليه السلام .

الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام (المولود في ٧ صفر ١٢٨ و المستشهد مسموما مسجوناً في ٢٥ رجب ١٨٣). و هو حجه الله و باب الحوائج إليه تعالى. فاسأل حوائجك من طريقه عليه السلام ، فإنّ له صيرر معروفه في حياته يملأها بالدرهم و الدينار و ينفقها على الفقراء و المساكين. و قد بقى كرمه بعد استشهاده بوجوه مختلفه.

الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام

و الإمام من بعده ولده علي بن موسى الرضا عليه آلف التحيه و الثناء (المولود في ١١ ذيقعد الحرام عام ١٤٨ و المستشهد مسموما في آخر صفر عام ٢٠٣) - الذي أكتب هذه الأسطر في مكتبته العامره بمدينة المشهد المقدس في جوار مضجعه الشريف - و هو الإمام الرؤوف، ضامن الجنه، و عالم آل محمد عليهم السلام الذي منه انتشر كثير من علومهم، و رواياته و احتجاجاته على المخالفين و أرباب المذاهب معروفه مذكوره في الكتب. و كذا رسالته الذهبيه و ما كتبه للمأمون من شرايع الدين من ذخائر تراثنا الخالد.

و امام بعد از او فرزندش امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام می باشد (که در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ به دنیا آمد و در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ به وسیله زهر مسموم و به شهادت رسید). امام صادق علیه السلام رئیس مذهب حقه امامیه است و آن حضرت بیشترین عمر را در بین امامان داشت. مذهب شیعه نیز به وسیله آن حضرت و پدرش امام باقر علیه السلام به دست ما رسیده است و این دو بزرگوار در حفظ مذهب شیعه و تبلیغ و ترویج آن و تربیت شاگردان شایسته و نگهداری احادیث به وسیله راویان، حق بزرگی به گردن شیعیان دارند که قابل انکار نیست و آنچنان است که مذهب شیعه به آن حضرت نسبت داده می شود و پیروان آن حضرت به عنوان جعفری شناخته می شوند.

و امام بعد از او فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام می باشد (که در هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ متولد شد و در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ در زندان با مسمومیت به شهادت رسید). آن حضرت حجت خدا و باب الحوائج به درگاه خدای متعال است. از این رو نیازها و خواسته های خود را از طریق آن امام از خدا بخواه که آن حضرت در زمان حیاتش مشهور به داشتن کیسه هایی از درهم و دینار بود که به نیازمندان از آن کیسه ها می بخشید و این رویه پسندیده آن حضرت بعد از شهادت هم به صورتهای گوناگون و از راههای مختلف ادامه داشته و دارد.

و امام بعد از او فرزندش حضرت علی بن موسی الرضاست - که بر او هزاران تحیت و ثنا باد- (آن امام در ۱۱ ذی القعدة الحرام سال ۱۴۸ به دنیا آمد و در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ با حال مسمومیت به شهادت رسید). امام بزرگواری که این سطرهای رساله را در کتابخانه بزرگش در شهر مقدس مشهد و در کنار مرقد شریف آن حضرت واقع شده است می نویسم. آن حضرت امام مهربان، ضمانت کننده بهشت و دانشمند خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که بسیاری از علوم آن بزرگواران از ناحیه وی منتشر شد و روایات و احتجاجات آن حضرت با مخالفین و صاحبان مذاهب، معروف و در کتابها ذکر شده است. و همین طور از آثار وجودی آن حضرت رساله ذهبیه و مطالبی است که درباره قوانین و دستورات دین خطاب به مأمون نوشته از میراث ماندگار ما شیعیان است.

و اشتهر أمره في الآفاق بحيث يعرفون أبنائه الأئمة من بعده بأنهم «أبناء الرضا»، و هذا الاسم يطلق عند الناس في ذاك العصر حتى بالنسبة للإمام الحادي عشر الإمام الحسن العسكري عليه السلام .

و ليس هذا إلا اشتهار أمره و أنه كالشمس -بل هو الشمس- في رائعه النهار، بل أعلى منها هو شمس الشمس في أرض طوس.

و اعلم يا بني، لا يذهب عليك من عمرك عاماً و لا ينقضي عنك حولاً إلا و أنت تزور سيدي و مولاي الإمام الرضا عليه السلام على الأقل في السنه مرّه واحده - كما هو دأبي و ديدني - لأن في زيارته فوائد كثيره في الدنيا و الآخرة. و إن الأدعيه لمستجابه في جوار مضجعه الشريف.

و لا سيما إذا تحلفه عليه السلام بولده جواد الأئمة عليه السلام أو بأمة فاطمه الزهراء عليها السلام أو كليهما عليهما السلام، لا يرد الدعاء قطعاً؛ و جرت هذا مرارا و تكرارا و أخذت ببركته و شفاعته الدنيا و الآخرة بحمد الله تعالى و منه.

الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده محمد بن علي الجواد عليه السلام (المولود ١٥ أو ١٧ شهر رمضان أو ١٠ رجب عام ١٩٥ و المستشهد مسموماً في آخر ذي القعدة الحرام عام ٢٢٠) باب الحوائج إلى الله تعالى، و هو أصغر الأئمة عليهم السلام عمراً في هذه الدنيا الدنيه، و حين استشهاده ليس له من العمر إلا خمس و عشرون عاماً. و الإمام بلغ مرتبه الإمامه بعد والده و عمره أقل من عشر سنين، و هو كوالده إمام رؤوف، يتوسل به الناس في حوائجهم الدنيويه خصوصاً، و لكنك تستطيع أن تأخذ منه عليه السلام الدنيا و

آن حضرت چنان مشهور شد که امامان از نسل او را به عنوان ابن الرضا می شناختند و این تعبیر در نزد مردم درباره اولاد آن حضرت حتی نسبت به امام یازدهم علیه السلام نیز رواج داشت.

و این نیست مگر اشتها نام وی به گونه ای همانند خورشید بلکه خود خورشید در وسط روز، بلکه بالاتر از آن، او خورشید خورشیدها در سرزمین طوس می باشد.

و بدان فرزندم، مبدا سالی از عمرت بگذرد مگر این که سرور و پیشوای من امام رضا علیه السلام را زیارت کنی و این کار را حداقل در هر سال یک مرتبه انجام ده، همانگونه که این برنامه جزء رویه و سیره من نیز می باشد؛ چون در زیارت آن حضرت فایده های زیادی در دنیا و آخرت می باشد و همانا دعا در جوار مرقد شریف آن حضرت مستجاب است.

به ویژه اگر تو آن حضرت را به فرزندش جواد الائمه علیه السلام یا به مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یا هر دو سوگند بدهی دعایت رد نمی شود، و من این حقیقت را بارها تجربه کرده ام و دنیا و آخرت را به برکت آن حضرت و شفاعت آن بزرگوار گرفته ام، و خدا را بر این نعمت بزرگ سپاس و ستایش می کنم.

و امام بعد از او فرزندش امام محمد جواد علیه السلام می باشد (که در ۱۵ یا ۱۷ ماه رمضان یا ۱۰ رجب سال ۱۹۵ به دنیا آمد و در آخر ذی القعدة الحرام سال ۲۲۰ در حال مسمومیت به شهادت رسید). آن حضرت باب الحوائج به درگاه خداست و در بین امامان معصوم علیهم السلام کمترین عمر را در این دنیا داشت؛ چون در موقع شهادتش ۲۵ سال بیشتر نداشت و در کمتر از ۱۰ سالگی بعد از پدر بزرگوارش به امامت رسید. آن امام مثل پدرش مهربان بود و مردم مخصوصا در نیازهای دنیایی خود به آن حضرت متوسل می شوند، ولی تو ای فرزندم می توانی به واسطه آن حضرت حوائج دنیوی و

الآخره بلافرق، لأنه إمام كغيره من الأئمه عليهم السلام .

الإمام على بن محمد الهادي عليه السلام

و الإمام من بعده ولده على بن محمّد الهادي عليه السلام (المولود في ١٥ ذياالحجه أو ٢ رجب عام ٢١٢ و المستشهد مسموما في ٣ رجب عام ٢٥٤)، الذي أبعده طاغيه زمانه المتوكل العباسي من مدينه جدّه النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله إلى مدينه سامراء ليكون تحت نظره. فقد تواترت الأحاديث و تناقل الرواه بأنّ حفيد الإمام الهادي عليه السلام -و هو الحجه الثاني عشر- يقطع دابر الظالمين و يملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما تمتلئ ظلماً و جوراً، و لذا جلبته السلطه الظالمه إلى مدينه سامراء التي فيها عسكر المواليين للخليفه الظالم ليكون تحت نظره و يقبض على قائم آل محمّد و الحجه على أهل الدنيا الإمام المهدي بن الحسن العسكري عجل الله فرجه و سهل مخرجه و جعلنا من أتباعه و شيعته. ولكنهم أرادوا شيئاً و الله أراد شيئاً آخر، و إذا أراد الله شيئاً يكفي أن يقول كن فيكون، و لا يعارض إرادته الله شيءٌ.

الإمام الحسن بن على العسكري عليه السلام

و بعد أن بلغ الإمام الهادي عليه السلام السنه الواحده أو الإثنتين و الأربعين من عمره، سمّوه فاستشهد و دفن في بيته الشريف. و الإمام من بعده ولده الإمام الحسن بن على العسكري عليه السلام (المولود في ٨ ربيع الثاني عام ٢٣٢ و المستشهد مسموما في ٨ ربيع الأوّل عام ٢٦٠). هو والد إمام زماننا صاحب العصر و الزمان -عجل الله تعالى فرجه الشريف-. و قد تعامل الظالمون معه تعاملهم مع والده الإمام الهادي عليه السلام ، و هم يريدون الممانعه من ولاده الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ولكن الله أراد ولادته فولد. سلام الله

اخروی خود را بگیری، به دلیل اینکه آن حضرت با امامان دیگر در مقام والای امامت هیچ تفاوتی ندارد.

و امام بعد از او فرزندش امام علی هادی علیه السلام است. (که در ۱۵ ذی الحجه یا دوّم ماه رجب سال ۲۱۲ هجری به دنیا آمد و در سوّم ماه رجب سال ۲۵۴ هجری با حال مسمومیت به شهادت رسید). آن حضرت توسط خلیفه و طاغوت زمانش متوکل عباسی از شهر جدّش پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی مدینه به شهر سامراء منتقل شد تا زیر نظر باشد؛ چرا که احادیث و روایاتی به تواتر نقل شده و از راویان شنیده بودند که نوه امام هادی علیه السلام که امام دوازدهم است، ریشه ظالمان را می کند و زمین را بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شود پر از عدل و داد می کند. لذا ایشان به صورت ظالمانه و اجبار به شهری که لشکریان حامی خلیفه ظالم در آنجا استقرار داشتند آورده شد تا زیر نظر خلیفه باشد و امکان جستجو و دستیابی و دستگیری قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و حجّت خدا بر اهل دنیا امام مهدی فرزند امام حسن عسکری که خداوند در ظهورش تعجیل فرماید و خروج آن حضرت را آسان گرداند و ما را از پیروان و شیعیان او قرار دهد راحت تر باشد. لکن آنان کاری را اراده کرده بودند و خدا اراده دیگر داشت، خداوند اگر اراده کاری را نماید کافی است امر کند، بدون فاصله آن کار انجام می گیرد و با اراده خدا هیچ چیز نمی تواند معارضه کند.

بعد از این که امام هادی علیه السلام عمر شریفش به چهل و یک یا دو سال رسید، آن حضرت را مسموم کردند که بر اثر آن به شهادت رسید و در خانه خود دفن گردید.

و بعد از او فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام می باشد (که در ۸ ربیع الثانی سال ۲۳۲ متولّد شد و در ۸ ربیع الاوّل سال ۲۶۰ در حالی که مسموم شده بود به شهادت رسید). آن حضرت پدر امام زمان ما صاحب العصر و الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. شیوه برخورد ظالمین با آن حضرت همان شیوه برخورد با پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام بود که می خواستند مانع ولادت امام مهدی علیه السلام شوند. ولی خدا ولادتش را اراده کرد و آن حضرت به دنیا آمد (که سلام خدا

عليه و أرواحنا فداء.

و لذا أراد الظلمه قتل الإمام العسكري عليه السلام و هو فى سنّ الشّباب و لم يمض من عمره إلا ثمانية و عشرين عاماً. فسّمّوه فانتقل إلى رحمه الله شهيدا و دفن فى جوار والده فى بيته بسامراء.

الإمام الحجة بن الحسن صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

و الإمام من بعده ولده محمّد بن الحسن و هو الحجة الثانى عشر صاحب العصر و الزمان -عجل الله تعالى فرجه الشريف- (المولود ١٥ شعبان المعظم عام ٢٥٥) الإمام الحى الغائب عن الأنظار الذى يملأ الأرض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا. (١)

و اعلم يا بنى، إنّنا جالسون على مائده إفضاله و إنعامه و نعدّ أنفسنا من عياله و خَدَمه و جُودِه، و هو يرى أعمالنا. فكن على حذرٍ بحيث لا يراك فى معصية الله و لا يتألم قلبه المبارك من العمل الذى لا ينبغى منك.

و هو كآبائه الطاهرين يرمى أحسن رعايه مواليه و أتباعه و شيعته و محبيه، و لذا إنّنا فى رعايته مسرورين مأمولين.

و اعلم يا بنى، هو لا ينسأك أبدا. فاسع كى لاتنساه، و اعلم فى تحصيل رضاه بتعلم علوم آبائه عليهم السلام و العمل بها و تعليمها لمحصى العلوم و الناس قاطبه.

كتابه سطور فى مدينه النبي صلى الله عليه و آله

و قد كتبتُ هذه الأسطر لك و كنتُ أنا فى مدينته و مدينه أجداده أعنى مدينه

ص: ٤٨

١ - ١. كتبت حوله (عجل الله تعالى فرجه الشريف) كتابى المطبوع «الأربعون حديثا فى من يملأ الأرض قسطا و عدلاً»، و قد ترجم إلى الفارسيه مرّتين و طبع مرّات.

بر او و روح ما فدای آن امام باد).

به همین دلیل ستمگران بر آن شدند که امام عسکری را بکشند در حالی که آن حضرت هنوز جوان بود و از عمرش ۲۸ سال بیشتر نگذشته بود، لذا آن حضرت را مسموم کردند، و وی به شهادت رسید و در جوار رحمت حق آرمید و در کنار پدر بزرگوارش در خانه خود در سامراء دفن شد.

و امام بعد از او فرزندش حضرت محمد بن حسن علیه السلام حجت دوازدهم صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد (که در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ متولد شد). آن حضرت امام زنده و غایب از نظرهاست که زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر بشود پر از عدل و داد می کند.

و بدان پسر، که ما در واقع بر سر سفره نعمت آن حضرت نشسته ایم و خود را جزء خانواده و خادمان و سربازان آن حضرت به حساب می آوریم و او اعمال ما را می بیند؛ لذا مواظب باش که آن حضرت تو را در حال گناه نبیند و قلب مبارک آن حضرت را به درد نیاور به خاطر ارتکاب عملی که از تو شایسته نیست.

و او همانند پدران پاکش به بهترین گونه مراعات و مراقبت از احوال پیروان و شیعیان و دوستدارانش می کند و ما از اینکه تحت سرپرستی و مراقبت وی قرار داریم شاد و مسروریم.

و بدان پسر، که آن حضرت هرگز تو را فراموش نمی کند پس سعی کن تو هم آن بزرگوار را فراموش ننمایی و در راه به دست آوردن خشنودی آن حضرت به وسیله یادگیری علوم پدرانش علیهم السلام و عمل بر طبق آن علوم و یاد دادن آن علوم به طالبان آن و همه مردم قدم برداری.

و من این چند سطر رساله را برای تو در شهر آن حضرت و شهر پدرانش یعنی

النبى فى موسم الحج عام ١٤٢٧ق، و ادعو لك عند مرقد جده رسول الله صلى الله عليه و آله و أمه فاطمه الزهراء عليها السلام و قبور آباءه أئمه الهدى عليهم السلام المدفونين بالبقيع الغرقد بأن جعلك الله من أنصاره و خدمه و جنوده و شيعته الخاصه و فقهاء مذهبه إن شاء الله تعالى. و المرجو منك إن رزقك الله هذه الزيارات أن لا تنسانى من صالح دعواتك و طلب المغفره و الاستغفار لى؛ فأنى محتاج إليه فى حياتى و مماتى.

عزيزى، إذا كنت أنت من أهله و جنوده، فهو يرعاك بأحسن وجه فلا تغتم لأجل دنياك و معاشك و أمورك أبدا. لأنك ضيفه فى الدنيا و الآخرة و هو يرعى و يقرى ضيوفه بأحسن الضيافه و أكمل الكرامه و أفضل الإنعام.

أنفق و لا تخف من ذى العرش إقلالاً

و على هذا فى الدنيا «أنفق و لا- تخف من ذىالعرش إقلالاً» فى أعمال الخير و تلبيه حوائج أهل العلم و الطلبة و رواتبهم و طبع الكتب الدينيه و جميع الخيرات و المبرّات فقد ثبت لدىّ صحه هذا الكلام و قد قرّره رسول الله صلى الله عليه و آله فى حديث(١) بابتسامه، و قد جرّبه فى حياتى مرارا.

بل ورد فى صحيحه البنزطى قال: قرأت فى كتاب أبى الحسن الرضا عليه السلام إلى أبى جعفر عليه السلام: يا أبا جعفر، بلغنى أنّ الموالى إذا ركبت أخرجوك من الباب الصغير، فإنّما ذلك من بُخلٍ منهم لثلاثين منك أحد خيراً، و أسألك بحقّى عليك لا- يكن مدخلك و مخرجك إلّا من الباب الكبير. فإذا ركبت فليكن معك ذهب و فضه. ثم لا يسألك أحد شيئاً إلّا أعطيته، و من سألك من عمومته أن تبرّه فلا تعطه أقل من خمسين

ص: ٥٠

١- ١. موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام ١/١٤٢، ح ٧.

شهر پیامبر صلی الله علیه و آله ، مدینه منوره در موسم حج سال ۱۴۲۷ هجری قمری نوشتم و در کنار مرقد جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادرش فاطمه زهرا(سلام الله علیها) و قبور پدران ارجمندش پیشوایان هدایت علیهم السلام که در قبرستان بقیع دفن شده اند دعاگوی تو هستم که خدا تو را از یاران و خادمان و سربازان و شیعیان خاصش و از فقهای مذهبش قرار بدهد. ان شاء الله تعالی. و امیدوارم که خداوند توفیق این زیارت ها را روزی تو نماید و در این صورت مرا از دعاها ی خیر خود و طلب آموزش فراموش نکن که من هم در زمان حیات و پس از مرگم نیازمند آنم.

عزیزم، اگر تو از اهل و سپاهیان آن حضرت قرار گرفتی، آن بزرگوار به نیکوترین وجه رعایت حال تو را خواهد نمود، پس نگران دنیا و معاش و کارهای نباش. چرا که تو در دنیا و آخرت مهمان امام زمان علیه السلام هستی و او از مهمانان خود به بهترین صورت پذیرایی می کند و در اکرام و اعطای نعمت به آنها چیزی را دریغ نمی کند.

بنابراین در دنیا نسبت به کارهای خیر و برطرف کردن نیازهای اهل علم و طلب علم دین و پرداخت شهریه آنان و چاپ کتاب های دینی و انجام تمام خیرات و میزات با جدیت قدم بردار و انفاق کن و از خدایی که صاحب عرش است ترس که تنگدست شوی، که این موضوع برای من ثابت شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حقیقت را در حدیثی با لبخند خود تأیید فرموده است و من آن را بارها تجربه کرده ام.

بلکه در صحیح بزنطی وارد شده است که وی می گوید: در نامه امام رضا علیه السلام به فرزندش ابوجعفر امام جواد علیه السلام خواندم که نوشته بود: ای ابوجعفر، به من خبر رسیده است که وقتی تو به قصد خارج شدن از منزل سوار می شوی، غلامان تو را از در کوچک خانه خارج می کنند، و این به خاطر بُخلی است که آنها دارند؛ چراکه نمی خواهند از جانب تو به شخصی خیری برسد. و از تو به خاطر آن حقی که به گردن تو دارم می خواهم که ورود و خروج خود را از در بزرگ خانه قرار بدهی و هرگاه سوار شدی که بیرون بروی، به همراه خود طلا و نقره بردار، و هر کس از آنها از تو درخواست کمک کرد به او ببخش، و اگر عموهایت از تو خواستند که به آنها نیکی کنی کمتر از پنجاه

دينارا، و الكثير إليك، و من سألك من عمّاتك فلا تعطها أقل من خمسة و عشرين دينارا و الكثير إليك، إننى إنّما أريد بذلك أن يرفعك الله، فأنفق و لا تخش من ذيالعرش إقتارا. (١)

و اعلم يا بنى، نحن فى الدنيا تحت رعايه محمد صلى الله عليه و آله و آله الأئمه الهدى عليهم السلام، و فى الآخره - أى البرزخ و القيامه- أيضا كذلك. فببركتهم و شفاعتهم ندخل الجنة آمنين إن شاء الله تعالى.

الشفاعه عامه تجرى فى العوالم الثلاثه

و باعتقادى أنّ الشفاعه كما تجرى فى القيامه كذلك تجرى فى العالم البرزخ - الحدّ الوسط بين الدنيا و القيامه- لأنّ أدلتها عامه و لم يرد المخصّص، و ما ورد من ثبوت الشفاعه فى القيامه لا تنفيها عن البرزخ، و ما ورد (٢) من خوف الأئمه علينا بالنسبه إلى العالم البرزخ، فهو تحريك إلى الاعتقادات الصحيحه و الأعمال الصالحه. و بالجمله لم يثبت المخصّص عندى.

و كذلك تجرى الشفاعه حتّى بالنسبه إلى هذه الدنيا الحاضره، و جميع استجابه الدعوات عند مراقدهم عليهم السلام و تلبيه التوسلات بهم بنظرى القاصر ليست إلّا من الشفاعه المقبوله فى الدنيا.

نحن ببركتهم عليهم السلام فى الجنة دائماً

و اعلم يا بنى، نحن ببركتهم و شفاعتهم و ولايتهم نكون فى الجنّه دائماً، جنّه الدنيا و جنّه البرزخ و جنّه العدن إن شاء الله تعالى. و الله هذا اعتقادى و أرجوه، و

ص: ٥٢

١- ١. الكافى ٤/٤٣ ح ٥ و نقلت عنه موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام : ٩/٣٠١ ح ٨.

٢- ٢. نحو خبر عمرو بن يزيد المروى فى الكافى ٣/٢٤٢ ح ٣.

سکه طلا به آنها نبخش و اگر بیشتر از آن را خواسته باشی که عطا کنی آن دیگر به عهده توست، و اگر چنین خواسته ای را یکی از عمه هایت از تو داشت کمتر از بیست و پنج سکه طلا به او نده و اگر بیشتر می خواهی ببخشی خودت می دانی. و من با این کار می خواهم خدا به تو مقام بلندی مرحمت کند؛ لذا انفاق کن و از خداوند صاحب عرش از تنگدستی هراس نداشته باشد.

و بدان پسر، ما در دنیا و در عالم برزخ و روز قیامت مورد لطف پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک آن حضرت می باشیم که امامان هدایت گرند و ان شاء الله تعالی، به برکت آنان و شفاعتشان در حالی که از عذاب الهی در امان هستیم وارد بهشت خواهیم شد. و به عقیده من شفاعت همان طوری که در روز قیامت وجود دارد در عالم برزخ (عالم بین دنیا و آخرت) هم جریان دارد؛ چون ادله اثبات شفاعت عام است و دلیل خاصی که شفاعت را به روز قیامت منحصر کند، در روایات نیامده است، و روایاتی که شفاعت در عالم قیامت را بیان می کند شفاعت در عالم برزخ را نفی نمی کند. آن احادیثی هم که از ائمه درباره نگرانی آنان از حال شیعیان در عالم برزخ وارد شده، در واقع برای تشویق مردم به اعتقادات صحیح و اعمال صالح است. به هر حال، تخصیص شفاعت آن هم فقط به عالم قیامت، در نزد من ثابت نیست.

همچنین شفاعت در عالم دنیا هم جریان دارد و دعاهایی که در کنار مراقبت آنها (پیامبر اکرم و خاندان پاکش) مستجاب می شود و توسلات به آن بزرگواران که به ثمر می رسد، به نظر قاصر من جز از طریق شفاعت قبول شده آن عزیزان به درگاه خدا نیست.

و بدان پسر، ما به برکت آنها و شفاعت و ولایتشان به طور دائمی در بهشت خواهیم بود. هم در بهشت دنیا و هم در بهشت عالم برزخ و بهشت جاودان ان شاء الله تعالی. و به خدا قسم این اعتقاد من است و امیدوارم همان طوری که

قد وصلت إلى بعضه و أصل إلى الباقي منه إن شاء الله تعالى.

كما ورد في روايه الصدوق بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال لشيئته: «دياركم لكم جنة، وقبوركم لكم جنة، للجنة خلقتُم و إلى الجنة تصيرون» (١).

و كما ورد في خبر موسى بن بكر قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام فقال رجل في المجلس: أسأل الله الجنة، فقال أبو عبد الله عليه السلام: أنتم في الجنة، فاسألوا الله أن لا يخرجكم منها، فقالوا: جعلنا الله فداك! نحن في الدنيا؟ فقال: أستم تقرّون بإمامتنا؟ قالوا: نعم، فقال: هذا معنى الجنة الذي من أقرّ به كان في الجنة فاسألوا الله أن لا يسلبكم (٢).

و لعل إلى ما ذكرنا أشار قوله تعالى في سورة الرحمن «و لِمَن خافَ مقامَ ربِّه جَنّاتٌ» (٣). فالقدر المتيقن منهما جنة البرزخ و جنة الآخرة. و إن يمكن حملهما على جنة الدنيا و جنة الآخرة بدخول الجنة البرزخية في جنة الآخرة.

و يمكن حمل الجنّتين على المرتبتين و الدرجتين في الآخرة جنة السابقين و جنة أصحاب اليمين، و يمكن حملهما على جنة أهلها و جنة أهل النار التي هم يورثونها منهم كما ورد في بعض الروايات (٤).

و حمل الآية الأخرى من سورة الرحمن «و مِن دونهما جَنّاتٌ» (٥) على الجنة

ص: ٥٤

١- ١. فضائل الشيعة / ٧٢، ح ٣٤ و نقل عنه في بحار الأنوار ٨/٣٦٠، ح ٢٦ (٣/٦١٥).

٢- ٢. المحاسن ١/٢٦٢، ح ١٠٧.

٣- ٣. سورة الرحمن / ٤٦.

٤- ٤. نحو موثقه أبي بصير المرويه في تفسير القمي ٢/٦٤٤ و مرسله عثمان بن عيسى المرويه في عقاب الأعمال / ٣٠٥ و قد

رواهما المجلسي في بحار الأنوار ٨/١٢٥.

٥- ٥. سورة الرحمن / ٦٢.

به بعضی از این اعتقادات رسیده ام به مابقی هم برسم ان شاءالله تعالی.

چنانچه در روایت شیخ صدوق (رحمه الله علیه) با سندهایش از امام صادق علیه السلام وارد شده است که آن حضرت به شیعیانش فرمود: خانه های شما برای شما بهشت است و قبرهایتان برای شما بهشت است و شما برای بهشت آفریده شده اید و به سوی بهشت می روید.

و همان طوری که در خبر موسی بن بکر این موضوع وارد شده است که وی می گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مردی در آن مجلس گفت: از خداوند بهشت را خواستارم. امام صادق علیه السلام فرمود: شما در بهشتید. از خداوند بخواهید شما را از آن خارج نسازد. گفتیم: جان ما به فدای شما! ما که در دنیا هستیم. (چگونه می فرمایید که شما در بهشتید؟) حضرت فرمود: مگر شما اقرار به امامت ما نمی کنید؟ پاسخ گفتند: آری. حضرت فرمود: این معنای بهشتی است که هر کس به آن اقرار نماید او در بهشت است. پس از خدا بخواهید که شما را از آن محروم ننماید.

و شاید آیه مبارکه سوره الرحمن (و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت وجود دارد) اشاره ای باشد بر آنچه ذکر کردیم. قدر متیقن از آیه شریفه این است که مُراد از بهشت، بهشت برزخی و بهشت آخرت است، اگر چه امکان دارد که این دو بهشت حمل شود به دو بهشت دنیا و آخرت، زیرا بهشت برزخی هم در بهشت آخرت داخل است.

و امکان هم دارد که آیه شریفه حمل شود به دو بهشت در دو مرحله و دو درجه در عالم قیامت، به این صورت که آیه حمل شود به بهشت سابقین و بهشت اصحاب یمین. و ممکن است حمل شود به جایگاه بهشتی که از آن بهشتیان است و جایگاه بهشتی که از کف دوزخیان رفته و به بهشتیان ارث رسیده است؛ چنانچه در برخی از روایات وارد شده است.

و می توان حمل نمود آیه دیگر سوره الرحمن را (و پایین از آن دو بهشت دو بهشت دیگر است) به بهشت

الدنيويه و الجنة البرزخيه، و إن يمكن حمل الجميع على المراتب و الدرجات فى الآخره كما يظهر من بعض الروايات.(1) و من نزل الكتاب فى بيوتهم هم العارفون بكتاب الله تعالى.

و قد ورد أنه قال بعض الأعراب لابن عباس: من يحاسبُ الناس يوم القيامة؟ فقال: يحاسبهم الله تعالى، فقال الأعرابى: نجونا إذا و ربّ الكعبه، فقيل: و كيف؟ قال: إنّ الكريم لا يدقق فى الحساب.(2)

و قيل لأعرابى: إنّ الله محاسبك غدا، فقال: سررتنى يا هذا. إذن إنّ الكريم إذا حاسب تفضّل.(3)

النجاه غداً قطعاً إن شاء الله تعالى

يا بنى و اعلم، بأنّ الأمر فى الواقع هو ما ذكره هذان الأعرابيان الفهيمان. فإذا كان الأمر كله بيد الكريم، فالنجاه ليست من الأمور الظنيه، بل تصير من الأمور القطعيه إن شاء الله تعالى.

كتابه سطور فى حال الإحرام قبل الذهاب إلى عرفات

و قد كتبت هذه الأسطر فى هذه الصفحه و أنا كنت محرماً بإحرام حج التمتع فى مساء يوم الترويه من عام ١٤٢٧، حيث أحرمت خلف مقام ابراهيم عليه السلام فى المسجد الحرام، و الآن أذهب إلى عرفات مقدمه للوقوف الواجب، و الغرض من كتابه هذه الصفحه أنّى كنتُ ذاكراً لك فى هذا المقام، فأنت لا تنسانى إن وصلت إليه، حياً كنتُ

ص: ٥٦

١-١. لأجلها راجع: البرهان فى تفسير القرآن ٥/٢٤٢.

٢-٢. الكشكول ٣/١٢٦ للشيخ بهاء الدين محمّد العاملى، من منشورات لسان الصدق عام ٢٠٠٦م، قم المقدسه.

٣-٣. الكشكول ٢/٢١١.

دنیوی و بهشت برزخی، اگرچه می توان هر دو آیه را به درجات و مراتب بهشت آخرت حمل نمود؛ همانگونه که از برخی روایات ظاهر می شود؛ و کسانی که قرآن در خانه های آنان نازل شده است (محمّد صلی الله علیه و آله و آل محمّد علیهم السلام)، ایشان آگاه به کتاب خدا هستند.

و در روایت وارد شده است که عربی بادیه نشین از ابن عباس سؤال نمود که در روز قیامت حسابرسی مردم بر عهده چه کسی است؟ او در جواب فرمود: خداوند متعال به حساب اعمال مردم رسیدگی می کند. اعرابی گفت: پس در این صورت به خدای کعبه قسم ما نجات پیدا می کنیم. شخصی گفت: چگونه؟ آن اعرابی گفت: چون کریم در حسابرسی دقت عمل به خرج نمی دهد.

در نقل دیگری آمده است به یک عرب بادیه نشین گفته شد فردا خدا به حساب تو می رسد. گفت: مرا خوشحال کردی. چون اگر کریم به حساب رسیدگی کند تفضّل و بخشش می کند.

ای فرزندم بدان که، در واقع مطلب همان است که این دو اعرابی فهمید گفته و بیان کرده اند. چرا که وقتی که تمام امور به دست کریم باشد، در این صورت نجات پیدا کردن نه از امور ظنی که از امور حتمی است. ان شاء الله تعالی.

و من سطرهای این صفحه از رساله را در حالی که مُحَرَم بودم به احرام حجّ تمتّع، در عصر روز ترویبه سال ۱۴۲۷ نوشتم، و در پشت مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد الحرام مُحَرَم شدم و الآن به صحرای عرفات می روم که مقدمه وقوف واجب باشد. و این چند خط را نوشتم که تو بدانی در این جایگاه به یاد تو بوده ام، پس تو نیز اگر به این جایگاه ارزشمند آمدی مرا فراموش نکن؛

أم ميتًا. فاستغفر الله لي، غفر الله لي و لك إن شاء الله تعالى.

آباؤك من العلماء والفقهاء

عزيزي، آباؤك و أجدادك كلهم كانوا من العلماء العاملين و الفقهاء الكبار حَتَّسَبِعَهُ آباءٍ (١)، و قَلَمًا وُجِدَ مِثْلَ هَذَا النِّسْبِ فِي المذهب، و أنتَ إن وفقك الله تعالى فامش في طريقهم و اسلك مسلكهم و اذهب مذهبهم فهو مذهب أهل بيت العصمة و الطهارة عليهم السلام فاسع في تحصيل العلوم الدينيه و البحوث الحوزويه و اشتغل في الحوزات بالدرس و البحث، و اعلم أنه لاكثر أنفع من العلم (٢).

ص: ٥٨

١ - ١. كتبت تراجمهم في كتابي المطبوع «قبيله عالمان دين» باللغه الفارسيه. كما أنت تصل من طريق الأمهات أيضا إلى عدّه من أعلام الطائفة منهم: العلامة الشيخ محمّد باقر المجلسي و الشيخ الأكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء و السيّد صدرالدين الصدر الكبير (جدّ آل الصدر) و السيّد محمّد باقر حجه الإسلام الشفتي و الآخوند الشيخ الملا محمّد باقر الفشاركي، و الآيتان الحجتان الشيخ جمال الدين النجفي الإصفهاني و أخوه الشيخ محمّد إسماعيل النجفي الإصفهاني و السيّد محمّد (محيي آثار القدماء) و الفقيه السيّد محمّد هاشم ابني السيّد زين العابدين الموسوي الخوانساري (والد صاحب روضات الجنات). و أنت بنفسك تصل من طريق الأم إلى الآخوند الشيخ محمّد حسين المظاهري الكزوني المدفون في مقبره البروجردى و المذكور في كتاب «بوستان فضيلت» ٢٠٤/ قدس الله أسرارهم. و قال النظامي: چون شير به خود سپه شکن باش *** فرزند خصال خويشتن باش جايي كه بزرگ بايدت بود *** فرزندي کس نداردت سود [كن مثل الأسد هازم الجيوش / و كن ابن خصالك إذا تريد أن تكون كبير الشأن / لا ينفعك أن تكون ابن أحد] و قد يقال: إنّ الفتى من يقول: ها أناذا *** ليس الفتى من يقول: كان أبي!

٢ - ٢. كثر الفوائد ١/٣١٩ و نقل عنه في بحار الأنوار ١/١٨٣، ح ٨٨.

چه زنده باشم و چه از دنیا رفته باشم. پس برایم طلب آموزش کن از خداوند، امیدوارم خدا من و تو را مورد بخشش خود قرار دهد و بیامزد. ان شاء الله تعالی.

عزیزم، همه پدران و اجداد تو تا هفت پُشت از عالمان با عمل و فقهای بزرگ مذهب بوده اند. (۱) و به نُدرت چنین انتسابی در مذهب پیدا می شود. و تو اگر خداوند متعال توفیقت داد راه آنها را ادامه بده و در سَلَمک و لباس مقدّس آنان قرار بگیر و مذهب آنها را داشته باش که همان مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. پس سعی کن در تحصیل علوم دینی و بحث های حوزوی، و اشتغال پیدا کن در حوزه های علمیه به درس و بحث و بدان که هیچ گنجی مفیدتر از علم نیست.

ص: ۵۹

۱- ۱. شرح حال آنان را در کتاب «قبیله عالمان دین» به زبان پارسی نگاشته ام. همان گونه که تو از طریق مادران نیز به تعدادی از بزرگان علماء می رسی، از آن جمله علامه محمّدباقر مجلسی و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سیّد صدرالدین صدر بزرگ (جد خاندان صدر) و سیّد محمّدباقر حجه الإسلام شفتی و آخوند ملا محمّدباقر فشارکی و آیتین حجتین حاج شیخ جمال الدین و برادرش حاج شیخ محمّد اسماعیل نجفی اصفهانی و سیّد محمّد (که از او به زنده کننده آثار پیشینیان یاد شده است) و فقیه بزرگ سیّد محمّد هاشم که هر دو فرزندان سیّد زین العابدین موسوی خوانساری (پدر صاحب روضات) هستند، و شخص تو از طریق مادر به آخوند شیخ محمّدحسین مظاهری کرونی مدفون در تکیه بروجردی و یاد شده در کتاب «بوستان فضیلت» ۲۰۴/ می رسی، قدّس الله اسرارهم. و چه زیبا به زبان فارسی نظامی سروده است: چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش جایی که بزرگ بایدت بود فرزندی کس نداردت سود و همچنین سروده اند: به راستی جوانمرد کسی است که بگوید من چنین هستم / نه آنکه بگوید پدرم چنین بود.

بل إنّه أفضل الكنوز و أجملها، خفيف المحمل عظيم الجدوى، فى الملاّ جمالاً و فى الوحده أنس^(١) و علم لا ينفع ككنز لا ينفق منه^(٢). و فى روايه أخرى: علمٌ لا يُعمَلُ به ككنز لا ينفق منه^(٣)، و فى روايه ثالثه: العلم كنزٌ^(٤).

فابدأ بالمقدمات من الصرف و النحو و المعانى و البيان و البديع و المنطق و الكلام و العقائد الحقه الجعفرية، ثم بالسطوح الفقيهيه و الأصوليه نحو: شرح اللمعه للشهيدين (متنا و شرحا) و المعالم و أصول الفقه للمرحوم المظفر و فرائد الأصول (الرسائل) و المكاسب للشيخ الأعظم الأنصارى قدس سره و الكفايه للمحقق الآخوند الخراسانى قدس سره .

كيفية دراسته العلوم الحوزويه

و اعلم أنّ هذه الثلاثه الأخيره ليست لها النهايه. ثم احضر البحوث العاليه فى الفقه و الأصول - الخارج - عند الفقهاء العظام و مراجع الأئمه؛ و فى هذه الفتره اشتغل بتحصيل علم الرجال فإنّه و علم الأصول هما رَجُلَا- الفقيه و لا يمكن الاستنباط إلّا مع إعمالهما اجتهادا. فليكن حضورك فى بحوث الخارج لا يقل عن خمس عشر عاما و كذلك شارك دورتين كاملتين فى أصول الفقه و اقرأ كتبا فقيهيه بعضها فى العبادات و بعضها فى المعاملات بالمعنى الأعم أو الأخص^(٥) و بعضها فى

ص: ٦٠

- ١-١. شرح نهج البلاغه ٢٠/٣٣٩ لابن أبى الحديد فى الحكم المنسوبه إلى أمير المؤمنين عليه السلام .
- ٢-٢. الأثنا عشرية فى المواعظ العديده ١٧/، الطبعة عام ١٣٨٤ ش، عن النبي صلى الله عليه و آله .
- ٣-٣. نبذه من كتاب جواهر الكلام/ ٤٥٧ ح ١٢٩ للآمدى المطبوعه ضمن مجله تراثنا، العددان ٩١ و ٩٢.
- ٤-٤. كشف الغمه ٣/٤٩٠.
- ٥-٥. فى هذا المجال يمكنك الرجوع إلى كتابى الآراء الفقيهيه، المطبوعه.

بلکه علم برترین گنجها و زیباترین آنهاست. حمل آن آسان و فایده آن بسیار است. در میان مردم باعث آبرو و در تنهایی باعث اُنس است، و علمی که نافع نباشد مثل گنجی است که از آن انفاق نشود و بهره برداری نکنند. و در روایت دیگری آمده است که علمی که به آن عمل نشود مانند گنجی است که از آن استفاده نشود؛ و در روایت سومی وارد شده است: دانش گنج است.

لذا برای موفقیت در تحصیل علوم دین ابتدا از مقدمات شروع کن که عبارت است از: صرف و نحو و پس از آن به علوم معانی و بیان و بدیع و منطق و کلام و عقاید حقه مذهب جعفری علیه السلام اشتغال داشته باش و پس از آن به تحصیل سطوح فقه و اصول مثل کتاب شرح لمعه دو شهید بزرگوار (که متن لمعه از شهید اول و شرح آن از شهید ثانی است) پرداز و کتاب معالم و اصول فقه مرحوم مظفر و فرائد الاصول (رسائل) و مکاسب شیخ اعظم انصاری و کفایه محقق آخوند خراسانی قدس سرهم را بخوان.

و بدان این سه کتاب آخر که ذکر شد از نظر معنا و محتوا بی انتها هستند. و در نهایت بحث های عالی خارج فقه و اصول را در محضر فقهای بزرگ و مراجع تقلید یاد بگیر. در این مرحله به تحصیل علم رجال نیز مشغول باش؛ چرا که علم رجال و علم اصول برای فقیه همانند دو پا در استنباط احکام شرعی است و کسی نمی تواند احکام شرعی را استنباط کند مگر این که در این دو علم به درجه اجتهاد رسیده باشد. پس حضور تو در بحث های درس خارج حداقل باید پانزده سال باشد. لذا دو دوره کامل در اصول فقه شرکت کن و کتابهایی را نیز در فقه باید طی کنی که بعضی از آنها در عبادات است و بعضی در معاملات به معنی اعم یا به معنای اخص و برخی هم در موضوع پنج کتاب آخر دوره فقهیه است که اصطلاحاً آن را

و فى هذه الفتره فاسع فى أخذ الإجازة الروائيه من مراجع الطائفه و فقهاثنا العظام لأجل اتصال السند بأئمه الهداه المعصومين عليهم السلام .

الكنوز التى أنت تملكها

اشاره

وليكن حضورك فى البحث و الدرس حضور تفهّم و تعمّق و تعلّم، و قبل كلّ درسٍ عليك بمطالعتة ثم الحضور فى الدرس ثم المطالعه بعد الدرس ثم المباحثه و إن تمكنت فعليك بتدريسه و كتابته.

و إيّاك و الغياب عن حلقة الدرس؛ لأنّ الدرس كحبات التسبيح و الغياب بمنزله انقطاع خيطه فتفتلت و تنتثر الحبات و الدرر.

و أنت إذا سعيت كلّ سعيك بعد عشرين سنه أو خمسّه و عشرين عاما تصل بإذن الله تعالى و مشيئته إلى مرتبه الاجتهاد. فإذا وصلت إليه فاحذر من مقام الإفشاء و لاتجعل رقبتهك تحت أقدام الناس، و اعلم أنّ الخير بيد الله تعالى، و ما هو مقسوم لك فى قضائه و قدره يصل إليك إن شاء الله تعالى.

و اترك هذه المرتبه لغيرك مادام هو موجودا. لأنّ حسابه فى الآخره صعبٌ و وقوفك أمام الله يطول، و العزّه فى الدنيا و الآخره بيد الله تعالى و هى لله و لرسوله و للمؤمنين.

ولكن لا-تترك فى عمرك التدريس و التأليف و التحقيق و الكتابه و الطباعه لأنها عملنا و شغلنا و فعلنا و عمل آباثنا الكرام الأبرار و شغلهم و فعلهم.

و اعلم الآن أنت مالكٌ لعدّه من الكنوز إن شاء الله تعالى:

و در این مرحله از تحصیل علم تلاش کن از مراجع طائفه امامیه و فقهای عظام ما، به خاطر اتصال سند به ائمه معصومین علیهم السلام اجازه روایت بگیری.

و حضور تو در درس و بحث از روی دقت و به قصد یادگیری و تعمق باشد. همچنین قبل از حضور در درس پیش مطالعه کن و بعد از درس هم باز مطالعه و پس از آن مباحثه کن. و اگر توانستی بر تو باد به تدریس درس های گذشته و نوشتن آنها.

مبادا در جلسات درس و بحث غیبت داشته باشی؛ چراکه درس مثل دانه های تسبیح است و غیبت در درس مثل پاره شدن نخ تسبیح است که باعث می شود تمام دانه ها از هم جدا و پراکنده شوند.

و چنان چه در تحصیل علوم دینی نهایت سعی و تلاش خود را بکنی، بعد از بیست سال یا بیست و پنج سال به اذن و خواست خداوند متعال به درجه اجتهاد خواهی رسید. پس اگر به این موقعیت نائل شدی، پرهیز از فتوا دادن و گردن خود را در زیر پاهای مردم قرار مده (مسئولیت دیگران را به عهده خودت نگیر) و بدان که خیر دست خداوند متعال است و آن چه در قضا و قدر الهی برای تو در نظر گرفته شده است به تو می رسد ان شاءالله تعالی. و این مسئولیت (فتوا دادن) را ترک کن و واگذار به دیگران، تا مادامی که افرادی هستند که این مسئولیت را بر عهده گیرند. چون در عالم آخرت محاسبه آن مشکل است و باعث طولانی شدن ایستادن تو در مقابل خدا به جهت محاسبه آن می شود و عزت در دنیا و آخرت در دست خدا و از آن خدا و رسول خدا و مؤمنین است.

در طول عمرت تدریس، تألیف و تحقیق و نوشتن و چاپ کتب را ترک نکن؛ به خاطر این که شغل و کار ما و پدران بزرگوار و نیکوکار ما همین بوده و هست.

و بدان که اکنون تو به خواست خداوند مالک گنجهایی هستی:

منها: حياتك و عمرك.

و منها: صحتك و سلامتك و عافيتك.

و منها: موهبتك و غيرها من قواك.

الإيمان بالله تعالى و بنبيه صلى الله عليه و آله و بوصيه عليه السلام و الأئمه من ولده عليهم السلام

و منها: إيمانك و اعتقادك بالله تعالى و بنبيه محمد رسول الله صلى الله عليه و آله و بوصيه علي ابن أبي طالب عليه السلام و أحد عشر من أولاده المعصومين عليهم السلام الذين مرّ ذكرهم في هذه الرساله.

الطاعه لله تعالى

و منها: طاعتك لله تعالى، لأنه قال الرضا عليه السلام: من كان منّا لم يطع الله عزوجلّ فليس منّا، و أنت إذا أطعت الله عزوجل فأنّت منّا أهل البيت. (١)

الصلاه

و منها: صلواتك من الفرائض و النوافل الرواتب و غيرها؛ لأنه ورد في الحديث: الصلاه كنز من كنوز الجنة (٢)، قال في مجمع البحرين: «أى: أجرها مدخّر لفاعلها و المتصف بها كما يدخّر الكنز الذي هو أنفس أموالكم». (٣)

التوكل على الله

و منها: توكلك على الله تعالى؛ فإنه يعطيك القوه و القدره للإتيان بالأعمال الصعبه المشكله كما قال الإمام الجواد عليه السلام: الثقة بالله ثمن لكلّ غالٍ و سلّم إلى كلّ عالٍ. (٤)

ص: ٦٤

١-١. عيون اخبار الرضا عليه السلام ٢/٢٣٢، ح ١.

٢-٢. مجمع البحرين ٣١٨/ من الطبع الحجري - ٤/٧٥ من طبع الحروفى.

٣-٣. المصدر نفسه.

٤-٤. أعلام الدين ٣٠٩/ و نقل عنه فى بحار الأنوار ٧٥/٣٦٤.

از جمله آنها: زندگی و عمر تو.

و سلامتی و عافیت تو.

و استعدادت و دیگر نیروهایی که در اختیار توست

و ایمان و اعتقادی که به خداوند متعال داری و عقیده ای که به پیامبرش حضرت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین او حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام و یازده نفر از اولاد معصومش علیهم السلام داری که قبلاً در این رساله از آنها یاد شد.

و از دیگر گنجها: اطاعت تو از خداوند متعال است که امام رضا علیه السلام می فرماید: کسی که ادعا کند از ما اهل بیت است و از خداوند اطاعت نکند، در حقیقت از ما نیست؛ و تو هر زمانی که از خداوند عزوجل اطاعت کردی از ما اهل بیت می باشی.

و از دیگر گنجها: نمازهای شبانه روزی واجب و مستحب و غیر آنهاست؛ زیرا در حدیثی چنین وارد شده است که نماز گنجی از گنجهای بهشت است. در توضیح این حدیث در کتاب مجمع البحرین چنین آمده است: «یعنی پاداش نماز برای انجام دهنده آن و کسی که آن را برپا دارد ذخیره شده است؛ همان گونه که گنج که از گرانبها ترین اموال شماست اندوخته می گردد».

و از دیگر گنجهایی که در اختیار تو می باشد: توکل به خداوند متعال است و این که خدا به تو نیرو عطا فرموده تا کارهای سخت و مشکل را انجام دهی؛ همان طوری که امام جواد علیه السلام می فرماید: اطمینان به خداوند بهای هر چیز گرانبها و نردبان رسیدن به هر مقام بالایی است.

ص: ۶۵

أشعار أبي المجد فى التوكل

و قد قال جدنا العلامة أبى المجد قدس سره آياتا فى هذا المجال أحب أن أذكرها لك:

بنى اسمع إلى قولى *** تكن منى على خُبرِ

حلبتُ الدهر شطْرَيْه *** فَمِنْ عُسْرٍ و مِنْ يُسْرِ

و ذُقْتُ الدهر طَعْمِيه *** فَمِنْ حُلُو و مِنْ مَرٍّ

وَ عُمَّرْتُ و ذَرَفْتُ *** على الخمسين من عمري

فكم نائبه نابت *** فما ضاق بها صدرى

و حاشا أن يضيق الصد *** رُمْتى و معى صبرى

إذا مشكله عنت *** و أعى حملها فكرى

توكلت على الل *** ه و فَوَضْتُ له أمرى

كَبَّرْتُ فى يد النَّاجِ- *** ر بين الطيِّ و النَّشْرِ

لِعَلْمى أن مَنْ أَب *** دَعَّ خَلْقى كاشفُ ضرى

فكم من فرج عنها *** أتى من حيث لا أدرى (١)

حبك لأمير المؤمنين عليه السلام

و منها: حبك لأمير المؤمنين عليه السلام يكون كنز الله لك؛ لأنه روى القاضى نعمان المصرى مرفوعه عن جابر بن عبد الله أبى إسحاق عن بصيره بن مريم قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلى عليه السلام: يا على أنت أخى و وصيى و خليفتى من بعدى و أبو ولدى تُقاتل على سنتى و تقضى دينى و يُنجز عِداتى. من أحببك فى حياتك فهو كنز الله له، و من أحببك بعد موتك ختم الله (٢) له بالأمن و الأمان و من مات و هو يحبك فقد قضى

ص: ٦٦

١- ١. ديوان أبى المجد ٨٥/.

٢- ٢. ختم الله له، أى: صانه و منحه الأمن و الأمان.

و جدّ علامه ما مرحوم اَبی المجد در این باره اشعاری دارد که دوست دارم برای تو آنها را ذکر کنم. ترجمه اشعار این است:

پسرم، به گفتار من گوش فراده که در این صورت ترا از روی آگاهی باخبر می‌کنم.

من هر دو روی سکه روزگار را دیده‌ام: هم سختی هایش را و هم آسانی هایش را دیده‌ام.

و طعم شیرینی‌ها و تلخی هایش را چشیده‌ام و در طول پنجاه سال که از عمرم گذشته است.

چه بسا سختی‌ها و مصائبی که بر من وارد شد ولی به خاطر آنها دلتنگ نشدم.

و تا زمانی که نعمت صبر را دارم هرگز سینه‌ام از سختی‌ها تنگ نمی‌شود.

و چه بسیار مشکلاتی که بر من وارد می‌شد و در حلّ آن فکر من مشکل گشا نبود.

و به خدا توکل می‌نمودم و کارم را به او واگذار می‌کردم.

مثل تاجری که طاقه‌ای از پارچه در دست اوست و به راحتی آن را باز می‌کند و می‌بپجد (کارم را به خدا واگذار می‌کردم).

چرا که می‌دانستم آن خدایی که مرا در ابتدا آفرید مشکلات و سختی‌های مرا برطرف می‌کند.

چه بسیار اتفاق افتاد که گشایش کارهای مهم من از راه‌هایی انجام می‌گرفت که من هیچ اطلاعی از آن نداشتم.

و از دیگر گنجها: این است که دوستدار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشی که در این صورت این دوستی گنج خداوند برای توست؛ به خاطر این که قاضی نعمان مصری در حدیث مرفوعه‌ای از جابر بن عبدالله ابو اسحاق از بصیره بن مریم چنین روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی، تو برادر من و وصی من و جانشین من بعد از من و پدر فرزندان من هستی و به خاطر دفاع از سنت من جنگ می‌کنی و قرض مرا ادا می‌نمایی و به وعده‌های من وفا می‌کنی. کسی که دوستدار تو در زمان حیات باشد، این دوستی گنج خدا برای اوست؛ و هر کس بعد از مرگ تو دوستدار تو باشد، خداوند سرنوشت او را قرین سلامت و امانت قرار می‌دهد؛ و کسی که با دوستی تو از دنیا برود،

نَحْبِه بَرِيئًا مِنَ الْآثَامِ. وَ مِنْ مَاتَ وَ هُوَ يَبْغُضُكَ مَاتَ مِيتَهُ جَاهِلِيَهُ وَ حُوسِبَ بِمَا عَمِلَ فِي الْإِسْلَامِ. (١)

التوسل

و منها: توسلک بالأئمة المعصومين عليهم السلام؛ فإنه من أعظم طرق النجاه في دنياك و آخرتك.

الدعاء

و منها: دعاؤك لربك الجليل في جميع الأحوال و الأحيان و لكافة الحوائج و الخلات؛ وليكن الأئمة المعصومون عليهم السلام و سائلك إلى ربك و وسائطك بينك و بين ربك و شفعاك بينه و بينك.

التهجد

و منها: تهجدك في آناء الليل و الناس نيام و مناجاتك لربك في الأسحار و اعلم أنّ «القصدي إلى الله تعالى بالقلوب أبلغ من إعتاب الجوارح بالأعمال» كما عن الإمام أبي جعفر عليه السلام. (٢)

التوبه

و منها: توبتك إلى الله تعالى و استغفارك إياه في الليل و النهار و جميع الآتات من الذنوب و الخطايا و الآثام.

روى الكفعمي مرفوعا عن الصادق عليه السلام قال: من قال كل يوم أربعمائه مَرَّة مَدَّة شهرين متتابعين، رُزِقَ كنزا من علم أو كنزا من مال: أستغفر الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم، بديع السموات و الأرض من جميع ظلمي و جرمي و

ص: ٦٨

١- ١. شرح الاخبار في فضائل الأئمة الأطهار ١/١١٣ ح ٣٥.

٢- ٢. الدرر الباهره / ٥٥ و نقل عنه في بحار الأنوار ٧٥/٣٦٤، كشف الغمه ٣/٥٢٥، و أورده الحلواني في نزهة الناظر / ١٣٤ ح ٢.

براستی به عهد خود وفا کرده و در حالی که از گناهان خود پاک شده از دنیا رفته است. و کسی که با بغض تو بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است و طبق آنچه باید در اسلام به آن عمل می کرد به اعمال او رسیدگی می شود و مورد حسابرسی قرار می گیرد.

و از گنجهایی که در اختیار توست: توفیق توّسل به امامان معصوم علیهم السلام می باشد که از بزرگ ترین راه های نجات در دنیا و آخرت توست.

و از جمله گنجهایی که در دست توست: توفیق دعا به درگاه پروردگار جلیل و بزرگ در تمام حالات و زمان ها و برای همه حاجتها و کمبودهایت. و باید امامان معصوم علیهم السلام وسیله و واسطه بین تو و خدا و شفیع تو در نزد خدا باشند.

و از دیگر گنجها: توفیق تهجد و راز و نیاز با خدا در دل شب است، آن هم در حالی که مردم در خوابند و نیز مناجات سحرگهان و بدان که «توجه به درگاه خدای متعال با دل، رساتر و مهم تر از به رنج انداختن اعضا و جوارح در اعمال سخت است»؛ چنان که این مطلب از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

و از گنجهای دیگر: توفیق توبه به درگاه خداوند و طلب آموزش از خدای متعال در شب و روز و در تمام لحظات زندگی از گناهان و خطاها و لغزش هاست.

شیخ کفعمی در حدیثی مرفوع از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: هرکس به مدّت دو ماه هر روز پی در پی چهارصد مرتبه این ذکر استغفار را بگوید، گنجی از علم و یا گنجی از مال روزی او می شود: «از خداوندی که معبودی جز او نیست و بخشنده و مهربان و زنده و پایدار است و پدید آورنده آسمان ها و زمین است آموزش می خواهم برای تمام ستم ها و گناهان و

إسرافى على نفسى و أتوب إليه.(١)

قراءه القرآن

و منها: قراءتك للقرآن الكريم؛ لأنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال: لا يعذب الله قلبا وعى القرآن.(٢)

الصدقه

و منها: تصدّك على الفقراء و أرباب الحاجه؛ كما قال رسول الله صلى الله عليه و آله : نَعَمَ الْكَنْزُ الصَّدَقَةُ.(٣)

الإنفاق

و منها: إنفاقك إلى مستحقيها؛ لأنّ الله تعالى مثّلها بـ «حبّه أنبت سبع سنابل فيكل سنبله مائه حبّه و الله يضاعف لمن يشاء و الله واسع عليم»(٤)، و نقل أبو الفتح الرازى روايه مفصله فى ذيلها و ورد فيها: أخرج جبرئيل لك [أى لأمر المؤمنين عليه السلام بجهه إنفاقه ديناراً على المقداد بن الأسود] كنزاً من كنوز الأرض، الحديث.(٥)

و ورد فى صحيحه صفوان بن يحيى عن أبى الحسن الرضا عليه السلام قال: دخل عليه مولى له فقال له: هل أنفقت اليوم شيئاً؟ قال: لا و الله، فقال أبو الحسن عليه السلام: فمن أين يخلف الله علينا، أنفق ولو درهما واحداً.(٦)

الوالده

و منها: والدتك و أنا أوصيك بها ثم أوصيك بها. فليس لها بعد الله تعالى غيرك. فكن لها ولداً بارّاً و لاتنس ما نقل الله تعالى عن عيسى عليه السلام و أمره به حيث قال:

ص: ٧٠

١-١. المصباح / ٦٣ و نقل عنه فى وسائل الشيعه ٧/٢٢٥ ح ٢١، الباب ٤٨ من أبواب الذكر.

٢-٢. أمالى الشيخ الطوسى، المجلس الاول ح ٨/٧ الرقم ٨.

٣-٣. نبذه من كتاب جواهر الكلام / ٤٦٥ ح ٢٣٩ لآمدى المطبوعه ضمن مجله تراثنا، العدد ٩١ و ٩٢.

٤-٤. سوره البقره / ٢٦١.

٥-٥. راجع تفصيل الروايه فى تفسيره روض الجنان / ٤ (٤٨-٤٣).

٦-٦. الكافى ٤/٤٤ و نقلت عنه فى موسوعه احاديث أهل البيت عليهم السلام ١/٤٧٠ ح ١٤.

زیاده روی در گناه که به ضرر خود انجام داده ام و به درگاه او توبه می کنم».

و از دیگر گنجها: قرائت قرآن کریم است؛ به خاطر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا قلبی را که جایگاه قرآن باشد عذاب نخواهد کرد.

و از دیگر گنجها: صدقه دادن تو به فقیران و نیازمندان است چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه گنجی نیکوست.

و از دیگر گنجها: این است که به مستحقان انفاق کنی؛ زیرا خداوند متعال انفاق را به دانه ای مثال زده است که وقتی در زمین کاشته شود هفت خوشه از آن یک دانه به عمل می آید که در هر خوشه ای صد دانه می باشد. و ابوالفتوح رازی روایتی طولانی را در ذیل این آیه آورده و در ضمن آن روایت این عبارت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جبرئیل برای تو به جهت اینکه یک دینار به مقداد بن اسود بخشیدی گنجی از گنجهای زمین را بیرون آورد.

و در صحیح صنفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام وارد شده است که صفوان می گوید: غلام آن حضرت نزد امام آمد. حضرت فرمود: آیا امروز چیزی را انفاق کرده ای؟ عرض کرد: نه به خدا. امام فرمود: پس از کجا خداوند برای ما جایگزین برساند؟! انفاق کن اگرچه به اندازه یک درهم باشد.

و از دیگر گنجهایی که در اختیار توست مادرت می باشد. و من تو را توصیه می کنم نسبت به او و مجدداً تو را درباره او وصیت و سفارش می کنم؛ چرا که او بعد از خدای متعال کسی غیر از تو را ندارد. پس برای او فرزند نیکوکاری باش و فراموش نکن آن چه را خداوند متعال از حضرت عیسی علیه السلام نقل نموده است: (که در گهواره و هنگام طفولیت این جملات را بر زبان جاری کرد):

«و أوصانى بالصلاه و الزكاه مادمتُ حياً * و بَرّاً بوالدتي و لم يجعلني جباراً شقيّاً».(١)

و اعلم بأنّ رضائي في رضاها و قال رسول اللّٰه صلى الله عليه و آله : رضا اللّٰه مع رضا الوالدين و سخط اللّٰه مع سخط الوالدين.(٢)

و روى: أنّ امرأه أتت إلى النبي صلى الله عليه و آله فقالت: إنّ أُمّي بلغت عندي من الكبر حتّى وليتُ منها مثل الذي وليته منّي، و كنتُ أنظفها ممّا ينظف منه الصّبي، فهل بلغت يا رسول الله أداء ما كان لها؟ قال: لا، لأنّك وليتِ منها مثل الذي ذكرتِ و أنتِ تحبين الراحة منها، و ولّتِ ذلك منكِ و هي تحبّ بقاءكِ.(٣)

الإعتبار و ماء الوجه

و منها: اعتبارك و ماء وجهك.

الرزق على الله تعالى

و منها: تكفّل خالقك بإعطاء رزقك؛ لأنّه تعالى يقول: «ما من دابه في الأرض إلّا على الله رزقها».(٤) «و كأين من دابه لا تحمل رزقها الله يرزقها و إياكم و هو السميع العليم».(٥)

القناعه

و منها: قناعتك في كلّ شىء؛ فإن القناعه كنزٌ لا يفنى.(٦)

و عن أمير المؤمنين عليه السلام أنّه قال: ... و لاكثر أغنى من القناعه(٧)، و عنه عليه السلام قال:

ص: ٧٢

١- ١. سورة مريم / ٣٢ و ٣١.

٢- ٢. موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام ٢/٤١، ح ١٠.

٣- ٣. التعريف بوجوب حق الوالدين / ٣٣ لأبي الفتوح الكراجكي.

٤- ٤. سورة هود / ٦.

٥- ٥. سورة العنكبوت / ٦٠.

٦- ٦. روضه الواعظين / ٤٥٦ و نقل عنه في مستدرک الوسائل ١٥/٢٢٦، ح ١٢.

٧- ٧. نهج البلاغه، الحكمة ٣٧١.

(...و خدا مرا سفارش به نماز و زکات نمود تا زمانی که زنده ام و توصیه کرد که نسبت به مادرم نیکوکار باشم و مرا سرکش و بدبخت قرار نداد).

و بدان که رضایت و خشنودی من از تو در گرو رضایت و خشنودی اوست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است و خشم خدا نیز با خشم پدر و مادر است.

روایت شده است که زنی به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: مادر من در اثر کهولت سنّ به جایی رسیده است که من او را سرپرستی و نگهداری می کنم مثل سرپرستی و نگهداری او از من در کودکیم و حتی من او را تمیز می کنم مثل مادری که بچه اش را تمیز می کند. آیا حقّ مادرم را با این زحمات ادا کرده ام یا نه؟ پیامبر فرمود: خیر، چون تو تمام این کارها را در حالی در حقّ او انجام می دهی که دوست داری از دست او راحت شوی (هرچه زودتر او از دنیا برود)؛ و مادر تو در کودکی تو این کارها را در حالی در حقّ تو انجام می داد که دوست داشت تو زنده بمانی.

و از دیگر گنجها که در نزد توست اعتبارت و در بین مردم و آبروی توست.

و از دیگر گنجها: این است که خدا روزی تو را به عهده گرفته است و به تو می رساند؛ چرا که فرموده است: (هیچ جنبده ای در روی زمین نیست مگر این که روزی او بر عهده خداست.) و در آیه دیگر می فرماید: (و بسا جنبنده ای که روزی خود را حمل نمی کند خداوند روزی او و شما را می دهد و اوست شنوای دانا).

و از دیگر گنجها: قناعت تو در همه چیز است؛ زیرا طبق فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله : قناعت گنجی است که هرگز از بین نمی رود.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: ... و هیچ گنجی به اندازه قناعت انسان را بی نیاز نمی کند. و در روایت دیگری می فرمایند:

كفى بالقناعه مُلكاً. (١)

و سُئِلَ الإمام الرضا عليه السلام عن القناعه، فقال: القناعه تَجْمَعُ إلى صيانه النفس و عزَّ القَدْرِ، طَرَحَ مُؤْنِ الاستكثار و التَّعَبُّدَ لأهل الدنيا. و لا يسلك طريقَ القناعه إلَّا رجلاً: إمَّا مُتَّقِلٌ يريدُ أجزَ الآخِرَه، أو كريمٌ مُتَنَزِّهٌ عن لِنَامِ الناسِ. (٢)

الخلق الحسن

و منها: خُلِقَ الحسَنُ و أدبكَ حِيَالُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى. و قد ورد عن مولانا أمير المؤمنين عليه السلام: في سعه الأخلاق كنوز الأرزاق. (٣)

الصبر

و منها: صبرك في دهرك؛ لأنَّ الصبر كنز من كنوز الجنة كما قاله نبيك محمد المصطفى صلى الله عليه و آله. (٤)

الأيام

و منها: الأيام تهتك لك الأمر عن الأسرار الكامنه كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام. (٥)

لا تظهر الشيء قبل أن يستحکم

و منها: إظهار الشيء قبل أن يستحکم مفسدٌ له؛ كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام. (٦)

لا تتق قبل الاختبار

و منها: من انقاد إلى الطمأنينه قبل الخبره، فقد عرض نفسه للهلكه و العاقبه

ص: ٧٤

١- ١. نهج البلاغه، الحكمة ٢٢٩.

٢- ٢. نثر الدر ١/٣٦١ لمنصور بن الحسين الآبي المتوفى ٤٢١ ق، تحقيق محمد علي قرنه، طبع مصر.

٣- ٣. بحار الأنوار ٧٨/٥٣.

٤- ٤. مسکن الفواد/ ٤٧ و نقل عنه في مستدرک الوسائل ٢/٤٢٥، ح ٢٣.

٥- ٥. أعلام الدين ٣١٠/ و نقل عنه في بحار الأنوار ٧٥/٣٦٥.

٦- ٦. تحف العقول/ ٤٥٧؛ المحاسن ٢/٦٠٣.

قناعت برای پادشاهی کافی است (همانند سلطنت و پادشاهی انسان را بی نیاز می کند).

از امام رضا علیه السلام درباره قناعت سؤال شد، حضرت فرمودند: قناعت برای انسان چهار فایده را جمع می کند: اول، پاک نگه داشتن نفس؛ دوم، بالا بردن قدر و منزلت انسان؛ و سوم، کنار گذاشتن زحمات و هزینه های زیادی؛ و چهارم، دوری جستن از اطاعت مردم دنیا. و دو نفر در واقع راه قناعت را پیش می گیرند: کسی که به مال کم دنیا بسنده می کند به خاطر این که به اجر اخروی نائل شود و انسان کریمی که از انسان های پست خود را دور نگه می دارد.

و از دیگر گنجها: اخلاق نیک و ادب تو نسبت به خلق خداست و از مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی وارد شده است که فرموده اند: گنجهای روزی ها در گشاده رویی و خوش اخلاقی است.

و از دیگر گنجها: صبر تو در روزگارت می باشد؛ چرا که طبق گفتار پیامبر تو محمد مصطفی صلی الله علیه و آله صبر گنجی از گنجهای بهشت است.

و از دیگر گنجها: روزگار است که برای تو بعضی از اسرار و حقایق پنهان را آشکار می کند؛ و این سخن را امام جواد علیه السلام فرموده اند.

و از دیگر گنجها: این سخن است که: «اظهار کردن هر امری قبل از آن که قطعی گردد، از بین بردن آن کار است»؛ که از امام جواد علیه السلام نقل شده است.

و از دیگر گنجها: این حدیث است که: «کسی که به دیگران قبل از آزمودن آنها اعتماد کند، خود را در معرض هلاکت قرار داده و گرفتار عاقبت

المتعبه؛ كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام. (١).

الصمت

و منها: صمتك في محالها؛ لأن الصمت كنز وافر و زين الحليم و ستر الجاهل؛ كما قاله الإمام الصادق عليه السلام. (٢).

الانتظار للصلاه

و منها: انتظارك للصلاه؛ بعد الصلاه؛ فإنه كنز من كنوز الجنه؛ كما قاله نبيك خاتم الأنبياء و المرسلين صلى الله عليه و آله. (٣).

سوره الحمد

و منها: قراءة تك سوره الحمد؛ فإنها من كنز الجنه؛ كما عن رسول الله صلى الله عليه و آله. (٤).

آيه الكرسي

و منها: قراءة تك آيه الكرسي؛ فإنها من كنز تحت العرش كما قال أبو عبدالرحمن القاسم بن عبدالرحمن أخبره عن صدّي أبي أمامه الباهلي: أنه سمع علي بن أبيطالب عليه السلام يقول: ما أرى رجلاً أدرك عقله الإسلام و ولد في الإسلام يبيت ليله سوادها -قلت (٥): و ما سوادها يا أبا أمامه؟ قال: جميعها- حتى يقرأ هذه الآيه: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» فقرأ الآيه إلى قوله: «الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (٦)؛ ثم قال: فلو تعلمون ما هي - أو قال: ما فيها- لما تركتموها على حال، إن رسول الله صلى الله عليه و آله أخبرني قال: أعطيت آيه الكرسي من كنز تحت العرش و لم يؤتها نبي كان قبلي. قال علي عليه السلام: فما بت ليله قط منذ سمعتها من رسول الله صلى الله عليه و آله حتى أقرأها.

ص: ٧٦

١- ١. الدرر الباهره ٥٦/ و نقل عنه في بحار الأنوار ٧٥/٣٦٤.

٢- ٢. الفقيه ٤/٣٩٦، ح ٥٨٤٣.

٣- ٣. التهذيب ٢/٢٣٧.

٤- ٤. بحار الأنوار ٨٣/٢١ من طبع بيروت.

٥- ٥. القائل هو أبو عبدالرحمن القاسم بن عبدالرحمن، يسأل من أبي أمامه.

٦- ٦. سوره البقره ٢/٢٥٥.

پُر از رنج و سختی می شود».

و از دیگر گنجها: این است که ساکت باشی در جای خود؛ زیرا سکوت گنجی بزرگ و زینت انسان بردبار و باعث پوشش شخص نادان است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

و از دیگر گنجها: این است که بعد از انجام هر نماز در انتظار نماز باشی، زیرا این حالت گنجی از گنجهای بهشت است؛ همان گونه که پیامبر تو که آخرین پیامبران است چنین مطلبی را فرموده اند.

و از دیگر گنجها: این است که سوره مبارکه حمد را بخوانی که این سوره از گنجهای بهشت است؛ که این حقیقت را نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است.

و از دیگر گنجها: قرائت آیه الکرسی می باشد که این آیه از گنج زیر عرش الهی است؛ چنان که قاسم بن عبدالرحمن از صَدِّی اَبی اُمَامَه باهلی روایت نموده که از حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام شنیده حضرت فرمود: برای مردی که عقل او اسلام را درک کرده است و در اسلام متولّد شده است شایسته نمی بینم که سیاهی شب را بخوابد (قاسم گوید به اَبی اُمَامَه گفتیم؟ منظور از سیاهی شب چیست؟ گفت: همه شب) مگر اینکه این آیه را «اللَّهُ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» تا «الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» بخواند. سپس فرمود: اگر بدانید که در این کار چه ارزشی است یا فرمود: چه اجر و پاداشی در این قرائت است هرگز آن را در هیچ حالی ترک نمی کردید. همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد که آیه الکرسی گنجی از زیر عرش است که به من عطا شده است و به پیامبری قبل از من داده نشده است. پس حضرت علی علیه السلام فرمود: من از زمانی که این مطلب را از پیامبر شنیدم حتّی یک شب هم نخوابیدم مگر این که این آیه را خواندم.

ثم قال: يا أبا أمامه، إنني أقرأها ثلاثاً مرّات في ثلاثه أحيانٍ (١) من كلّ ليله. فقلت: و كيف تصنع في قرائتك لها يابن عمّ محمّد صلى الله عليه وآله؟ قال: أقرأها قبل الركعتين بعد صلاة عشاء الآخرة. فوالله ما تركتها مذ سمعتُ هذا الخير عن نبيكم صلى الله عليه وآله حتى أخبرتك به. (٢)

سورة القدر

و منها: قرائتك سورة القدر؛ لأنها كنز القرآن؛ كما عن الإمام الصادق عليه السلام. (٣)

سورة المؤمنين

و منها: روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: أولها [أى أول سورة المؤمنين] و آخرها من كنوز الجنة. مَنْ عمّل بثلاث آيات من أولها واتّعظ بأربع من آخرها، فقد نجا و أفلح. (٤)

الصلاة على محمد وآله

و منها: صلاتك على محمّد صلى الله عليه وآله و آل محمّد عليهم السلام؛ كما ورد في صحيحه محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام قال: ما فى الميزان شىء أثقل من الصلاة على محمّد و آل محمّد، و إنّ الرجل لتوضع أعماله فى الميزان، فتميل به فيخرج الصلاة عليه فيميزانه فيرجح [به]. (٥)

و روى معاوية بن عمّار عن جعفر بن محمّد عليه السلام قال: من صلّى على محمّد و آل

ص: ٧٨

١-١. جمع حين.

٢-٢. أمالى الشيخ الطوسى، المجلس الثامن عشر ح ١٩/ ٥٠٨ الرقم ١١١٢.

٣-٣. المصباح للكفعمى ٥٨٨/ و نقل عنه فى مستدرک الوسائل ٤/٣٦٣، ح ١٤٥.

٤-٤. منهج الصادقين ٦/٢٠٣، أنوار التنزيل المعروف بتفسير البيضاوى ٢٩٠/ من الطبع الحجرى، التفسير الكبير للفخر الرازى ٢٣/١٢٨ و فيه: «من كنوز العرش»، خواص الآيات ٩١/ من الطبع الحجرى لعننا آيه الله الشيخ محمّد تقى آقاالنجدى الاصفهانى قدس سره .

٥-٥. الكافى ٢/٤٩٤ ح ١٥.

بعد از آن فرمود: همانا من این آیه را سه مرتبه در سه زمان در هر شب می خوانم. من عرض کردم که ای پسرعموی پیامبر، درباره قرائت این آیه چگونه عمل می کنید؟ فرمودند: من آن را قبل از دو رکعت نافله عشا، بعد از نماز عشا (قبل از نافله عشا و بعد از نماز فریضه عشا) می خوانم. به خدا قسم از زمانی که این خیر را از پیامبر شما شنیدم هرگز آن را ترک نکردم تا به تو خیر دادم.

و از دیگر گنجها: تلاوت سوره مبارکه قدر است؛ چون این سوره به فرموده امام صادق علیه السلام گنج قرآن است.

و از دیگر گنجها: روایتی است از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده است: اول سوره مؤمنون و آخر آن از گنجهای بهشت است. هر که به سه آیه اول آن عمل کند و از چهار آیه آخر آن پند گیرد، نجات یابد و رستگار گردد.

و از دیگر گنجها: صلوات تو بر حضرت محمد و خاندانش است؛ چنان که در صحیححه محمد بن مسلم به نقل از یکی از آن دو بزرگوار (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) آمده است که حضرت فرمود: در میزان هیچ چیزی از صلوات بر حضرت محمد و آل محمد سنگین تر نیست. و همانا اعمال مردی را در میزان قرار می دهند و نزدیک است که طرف کفه اعمال صالحه سبک شود که ثواب صلوات، اعمال صالحه را سنگین می کند و برتری می بخشد.

و معاویه بن عمار از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمود: کسی که صد مرتبه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام

مأه مرّه، قضى الله له مأه حاجه (١).

راجع فى هذا المجال موسوعتى الحديثيه ٦/١٢٨ و جامع أحاديث الشيعة ١٩/٥٣٦.

كلمه التوحيد

و منها: كلمه التوحيد؛ كما ورد فى معتبره بل صحيحه مالك بن أعين عن أبى عبد الله عليه السلام قال: من قال مأه مرّه: «لا إله إلا الله الملك الحقّ المبين»، أعاده الله العزيز الجبار من الفقر، و أنس وحشه قبره، و استجلب الغنى، و استقرع باب الجنّه (٢).

و روى الإربلى نحوها فى كشف الغمه ٣/١٦٩ و لأجل ثواب كلمه التوحيد راجع أول كتاب ثواب الأعمال لشيخنا الصدوق قدس سره .

المعروف

و منها: معروفك إلى الغير؛ فإنه كنز من أفضل الكنوز فلا يزهدنك فى المعروف كفر من كفره و لا جُحود من جحدته كما عن أميرالمؤمنين عليه السلام (٣) و كذا روى الآمدى عنه عليه السلام قال: المعروف كنز (٤) و عنه عليه السلام : المعروف كنز من أفضل الكنوز، و زرّع من أنمى الزروع، و حصن من أحصن الحصون (٥).

محبه القلوب إليك

و منها: محبه القلوب إليك فإنها أنفع الكنوز؛ كما عن أميرالمؤمنين عليه السلام (٦).

إياك و معاده الرجال

و منها: إياك و معاده الرجال؛ لأنّ سيدى و مولاى على بن الحسين عليه السلام قال لابنه: يا بنى، إياك و معاده الرجال؛ فإنه لن يَعدِمَكَ مكرٌ حليم و مفاجأه لئيم (٧).

ص: ٨٠

١- ١. كشف الغمه ٣/١٦٥.

٢- ٢. ثواب الأعمال ٢٢/.

٣- ٣. الجعفریات ٢٣٥/ و نقل عنه فى مستدرک الوسائل ٤/٣٦٣، ح ١٤٥.

٤- ٤. الغرر و الدرر للآمدى، ح ٢١٩.

٥- ٥. تمام نهج البلاغه، ٥/٢٤٤، تأليف السيد صادق الموسوى الشيرازى.

٦- ٦. غررالحكم، ح ٣٣٥.

٧- ٧. نثر الدر ١/٣٣٨؛ كشف الغمه ٣/٦١.

صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را برآورده می کند.

در این باره (آثار و برکات صلوات) به کتاب دائره المعارف حدیثی من ج ۶، ص ۱۲۸ و جامع احادیث شیعه ج ۱۹، ص ۵۳۶ مراجعه کن.

و از دیگر گنجها: کلمه توحید است؛ همان طوری که در حدیث معتبره بلکه صحیحه مالک بن اعین از امام صادق علیه السلام وارد شده است که حضرت فرمود: هر کس صد مرتبه بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، خداوند عزیز جبار او را از فقر در پناه خود قرار می دهد و با او در وحشت قبر اُنس می گیرد و وی را بی نیازش می کند و با این کار در بهشت را کوییده است.

و اربلی شبیه همین حدیث را در کشف الغمّه ج ۳، ص ۱۶۹ روایت نموده است؛ و برای ثواب کلمه توحید به اول کتاب ثواب الأعمال شیخ صدوق قدس سره مراجعه کن.

و از دیگر گنجها: رساندن خیر و نیکی به دیگران است که از بهترین گنجها به شمار می آید و از انجام خیر و نیکی در حق دیگران دریغ نکن. پس مبادا خیر رساندن به دیگران را به جهت ناسپاسی کسی که به او خیر رسانده ای کم کنی، یا به خاطر آنکه آن فرد ناسپاس خیر و خوبی رساندن تو را انکار کرده است؛ و این سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام است. و همین طور آمدی از ایشان علیه السلام روایت نموده است که فرمودند: «انجام کارهای نیک گنج است». و از او علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجام کار شایسته و خیر رساندن به دیگران از بهترین گنجهاست و از زراعتهایی است که بیشترین نتیجه را در پی دارد و دژ محکمی است که از محکمترین دژها شمرده می شود».

و از دیگر گنجها: محبت تو در دل مردم است؛ و در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام این گنج از سودمندترین گنجها شمرده شده است.

و از دیگر گنجها: پرهیز از دشمنی کردن با مردم است؛ زیرا آقا و مولا و پیشوای من علی بن الحسین علیه السلام به فرزندشان فرمودند: ای فرزندم، پرهیز از دشمنی با مردم چون برای تو جز حيله دراز مدت انسان بردبار و برخورد سریع انسان پست چیزی را به دنبال ندارد.

العمل

و منها: عملك كما عن النبي صلى الله عليه و آله في حديث: العمل كنزٌ. (١)

و عن علي عليه السلام أنه قال في حديث: وليكن أحبّ الكنوز إليك و أوثقها عندك نفعاً و عائده الاستكثارُ من صالح الأعمال و اعتقاد صالح الآثار. (٢)

و قال عليه السلام: من كنوز البرِّ إخفاء العمل و الصبر على الرزايا و كتمان المصائب. (٣)

التقوى

و منها: تقواك كما عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: فإنَّ التقوى أفضلُ كنزٍ و أحرزُ حرزٍ و أعزُّ عزٍّ. (٤)

الصلوة في أول يوم من رجب

و منها: صلاتك في أول يوم من رجب عشر ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة و قل هو الله أحد ثلاث مرّات؛ فإنها من غرائب الكنز كما روى عن رسول الله صلى الله عليه و آله. (٥)

دعاء لأبي عبدالله عليه السلام

و منها: دعاؤك بما ورد عن أبي عبدالله عليه السلام؛ فإنه كنزٌ هو خيرٌ من الدنيا و ما فيها و هو سرٌّ من سرّ رسول الله صلى الله عليه و آله . فاحتفظ به و لا تعلمه إلا لمن تثق به. و إنه دعاءٌ لا يسأل الله عزوجل شيئاً إلا أعطاه قائله. (٦)

الجوشن الكبير

و منها: دعاؤك الله تعالى بدعاء الجوشن الكبير المعروف؛ فإنه كنز من كنوز الله تعالى كما عن الإمام الحسين الشهيد عليه السلام. (٧)

ص: ٨٢

١-١. بحار الأنوار ٧٤/١٨٣، ح ٢٨.

٢-٢. دعائم الإسلام ١/٣٤٥ و نقل عنه في مستدرک الوسائل ١٣/١٤٥.

٣-٣. عيون أخبار الرضا عليه السلام ٢/٣٨، ح ١٠٥، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ٦٦/٦٦، ح ١١٩.

٤-٤. بحار الأنوار ٧٤/٣٧٤، ح ٣٦.

٥-٥. إقبال الأعمال ٦٣٧/٦٣٧.

٦-٦. راجع بحار الأنوار ٩٢/٢٠٤، ح ٣٨.

٧-٧. بحار الأنوار ٩١/٤٠٢.

و از دیگر گنجها: کردار توست؛ همان طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند: عمل انسان گنج است.

و از علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: دوست داشتنی ترین گنجها در نزد تو و با اعتمادترین آنها از نظر نفع و سودمندی این است که هرچه بیشتر کارهای شایسته را انجام دهی و به آثار و برکات باارزش چنین اعمالی اعتقاد داشته باشی.

و در حدیث دیگری فرمودند: از گنجهای نیکی پنهان انجام دادن کارهای خیر و بردباری در سختی ها و پنهان نمودن مصیبت ها می باشد.

و از دیگر گنجها: این است که تقوای الهی را پیشه خودسازی؛ همان طوری که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: تقوی برترین گنج و بهترین حرز و عزیزترین عزت است.

و از دیگر گنجها: نمازی است که در اولین روز ماه رجب آن را انجام می دهی و آن ده رکعت می باشد: در هر رکعت یک بار سوره حمد و سه بار سوره توحید را می خوانی که از عجیب ترین گنجهاست؛ همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است.

و از دیگر گنجها: دعایی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده؛ و به راستی آن گنجی است بهتر از دنیا و آن چه در دنیاست. و رازی از رازهای رسول الله صلی الله علیه و آله است. پس این دعا را نگهداری کن و جز به کسی که به او اعتماد داری یاد نده. و این دعایی است که به وسیله آن خواننده دعا از خداوند عزوجل هرچه بخواهد به او عطا می کند.

و از دیگر گنجها: این است که با دعای جوشن کبیر به درگاه خداوند متعال مناجات کنی؛ و این دعا همان گونه که امام حسین علیه السلام فرموده اند از گنجهای خداوند متعال است.

كلمات من كنوز العرش

و منها: إن تُرَدَّ كلماتٍ من كنوز العرش، فاقراً الدعاء الذى نزل به جبرئيل عليه السلام من السماء ضاحكا مستبشرا، و هَدِيَهُ مِنْ اللّٰه تَعَالَى إِلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (١).

الوسائل إلى المسائل

و منها: ما ذكره ابن طاوس قال: بإسنادنا إلى أبي جعفر بن بابويه رحمه الله عن ابراهيم بن محمد بن الحارث النوفلى قال: حدثنى أبى و كان خادما لمحمد بن على بن موسى الجواد عليه السلام لَمَّا زَوَّجَ المأمون أبا جعفر محمّد بن على بن موسى الرضا عليه السلام ابنته كتب إليه إنَّ لكل زوجة صداقا من مال زوجها و قد جعل الله أموالنا فى الآخرة مؤجّله مذخوره هناك كما جعل أموالكم معجّله فى الدنيا و كنزها ههنا و قد أمهت ابنتك الوسائل إلى المسائل و هى مناجات دفعها إلى أبى قال: دفعها إلى أبى جعفر عليه السلام قال: دفعها إلى محمد أبى قال دفعها إلى على بن الحسين عليه السلام أبى قال: دفعها إلى الحسين أبى قال: دفعها إلى الحسن عليه السلام أخى قال: دفعها إلى أمير المؤمنين على بن أبيطالب عليه السلام قال: دفعها إلى رسول الله قال: دفعها إلى جبرئيل عليه السلام قال: يا محمد ربّ العزة يقرئك السلام و يقول لك: هذه مفاتيح كنوز الدنيا و الآخرة فاجعلها وسائلك إلى مسائلك تصل إلى بغيتك فتنجح فى طلبتك فلا تؤثرها فى حوائج الدنيا فتبخس بها الحظ من آخرتك و هى عشر وسائل إلى عشره مسائل تطرق بها أبواب الرغبات فتفتح و تطلب بها الحاجات فتنجح و هذه نسختها ثم ذكر الأدعية... (٢).

ص: ٨٤

١- ١. بحار الأنوار ٩٢/١٩٨، ح ٣٢.

٢- ٢. مهج الدعوات، ٣٠٩/ طبع بيروت، و نقل عنه فى بحار الأنوار، ٥٠/٧٣.

و از دیگر گنجها: اگر خواستی به کلماتی از گنجهای عرشی دست یابی، دعایی را بخوان که جبرئیل خندان و با بشارت برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و آن کلمات و دعا را به عنوان هدیه از جانب خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله رساند.*

و از دیگر گنجها: سید بن طاووس رحمه الله گوید: با سندهای ما به ابوجعفر بن بابویه از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی نقل شده است که گفت: پدرم از خدمتگزاران امام محمد جواد بود مرا حدیث کرد وقتی مأمون دخترش را به ازدواج ایشان درآورد حضرت برای او چنین نوشت: برای هر زنی مهری از شوهرش می باشد و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نموده است همچنان که اموال شما را در دنیا به شما داده و من مهریه دختر ترا دعاهایی قرار می دهم که وسائل برای رسیدن به خواسته ها و حاجتها است و آن ادعیه و مناجاتی است که پدرم به من داده و به او از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام و به آن حضرت هم از طریق پدرش امام جعفر صادق علیه السلام و به او هم از پدرش امام محمد باقر علیه السلام و به او هم از پدرش امام علی بن حسین علیه السلام رسیده و او هم از پدرش امام حسین علیه السلام و او نیز از برادرش امام حسن علیه السلام و آن بزرگوار هم از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و او هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسول خدا هم از جبرئیل دریافت نموده است و جبرئیل به پیامبر گفت: یا محمد! پروردگار عزیز ترا سلام می رساند و می فرماید این کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است آنرا وسیله خود برای درخواستهایت قرار بده تا به مراد خود برسی و این دعاها را برای رسیدن به نیازهای دنیوی قرار نده که از بهره آخرت تو کم می شود، و آن دعاها ده وسیله است که بواسطه آنها درهای امور شگفت آور باز می شود و به سبب آنها تو به حاجات خود می رسی و این است نسخه آن دعاها:....

و أنت تجد نصوص الأذعية في كتاب الباقيات الصالحات للمحدث الجليل الشيخ عباس القمي رحمه الله المطبوعه بهامش مفاتيح الجنان فراجعها.

الكنز في الروايات يطلق على أشياء و امور

إشارة

و اعلم يا بنى، إنَّ الكنز قد يطلق في الروايات على أشياء و أمور:

كان تحته كنز لهما

منها: ما ورد في خبر على بن أسباط قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: كان في الكنز الذي قال الله عزوجل: «و كان تحته كنزٌ لهما» (١) كان فيه: «بسم الله الرحمن الرحيم». عجبْتُ لمن أيقن بالموت كيف يفرح و عجبْتُ لمن أيقن بالقدر كيف يحزن و عجبت لمن رأى الدنيا و تقلبها بأهلها كيف يركن إليها؟! و ينبغي لمن عقل عن الله أن لا يتهم الله في قضائه و لا يستبطئه في رزقه. فقلتُ: جعلت فداك! أريد أن أكتبه. قال: فضرب و الله يده إلى الدواء ليضعها بين يدي فتناولت يده فقبلتها و أخذتُ الدواء فكتبته. (٢)

و روى نحوها الشيخ بسنده المعتبر فيالتهذيب ٩/٢٧٦ و نقل عنه في وسائل الشيعة ٢٦/٩٩، ح ٩.

لا حول و لا قوة إلا بالله

و منها: ما ورد عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تظاهرت عليه النعم فليقل: «الحمد لله رب العالمين»، و من ألح عليه الفقر فليكثر من قول: «لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم». فإنه كنز من كنوز الجنة و فيه شفاء من اثنين و سبعين داءً أدناهم الهم. (٣)

ص: ٨٦

١- ١. سورة الكهف / ٨٢.

٢- ٢. الكافي ٢/٥٩، ح ٩.

٣- ٣. وسائل الشيعة ٧/١٧٥، ح ٧.

و متن این دعاها را در کتاب باقیات الصالحات محدث بزرگوار مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی رحمه الله ، چاپ شده در حاشیه مفاتیح الجنان می یابی، پس به آن کتاب شریف مراجعه کن.

و بدان پسر، که گنج در روایات به اموری اطلاق شده است:

از جمله آنها: طبق آن چه در خبر علی بن اسباط آمده آن است که وی می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: در داخل گنجی که خداوند عزوجل می فرماید: «و در زیر آن دیوار گنجی برای آن دو کودک یتیم بود»، چنین نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه شادمان است، و تعجب می کنم از کسی که قضا و قدر الهی را باور کرده است چرا غمناک می شود، و در تعجبم از کسی که دنیا و دگرگونی آن را نسبت به اهلش می بیند چگونه به آن اعتماد می کند؟! و سزاوار است کسی که تقوای الهی دارد خدا را در تقدیر و روزی رسانیش متهم نکند. علی بن اسباط گوید به امام عرض کردم: جانم فدای شما! می خواهم این مطلب را بنویسم. به خدا قسم حضرت با دست خود مُرگب را برداشت تا آن را در مقابل من بگذارد، که من دست آن حضرت را گرفتم و بوسیدم و مرگب را از دست حضرت گرفتم و این حدیث را نوشتم.

شبه همین خبر را شیخ طوسی رحمه الله با سند معتبر خود در کتاب تهذیب، ج ۹، ص ۲۷۶ روایت کرده و در کتاب وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۹۹، حدیث ۹ هم به نقل از تهذیب آمده است.

و از جمله: آن که امام صادق علیه السلام از پدرش و از پدران بزرگوارش علیهم السلام و آنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: کسی که نعمت های الهی به او روی می آورد بگوید «الحمد لله رب العالمین»؛ و چنان چه کسی از فقر به ستوه آید، بسیار بگوید: «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». که همانا این ذکر گنجی از گنجهای بهشت است و در آن شِفایِ هفتاد و دو درد است که کم ترین آنها غم و اندوه می باشد.

و منها: ما رواها البرقى بإسناده عن الحسن البصرى قال: كنت مع أبى جعفر عليه السلام بمنى و قدمات رجل من قريش. فقال: يا أباسعيد، قُمْ بنا إلى جنازته. فلما دخلنا المقابر، قال: ألا أخبركم بخمس خصال هى من البرّ، و البرّ يدعو إلى الجنة؟ قلت: بلى، قال: إخفاء المصيبة و كتمانها، و الصدقة تعطيتها يمينك لا تعلم بها شمالك، و يرّ الوالدين فإنّ برّهما لله رضى، و الإكثار من قول: «لا حول و لا قوة إلا بالله العلى العظيم» فإنّه من كنوز الجنة، و الحبّ لمحمد و آل محمد (صلّى الله عليه و عليهم أجمعين). (١)

و منها: مارواها البرقى عن يونس عن عمرو بن جميع رفعه قال: قال سلمان الفارسى رضوان الله عليه: أوصانى خليلى بسبعه خصال لا أدعهنّ على كلّ حال: أوصانى أن أنظر إلى من هو دونى و لا أنظر إلى من هو فوقى، و أن أحبّ الفقراء و أدنو منهم، و أن أقول الحقّ و إن كان مرّاً، و أن أصل رجمى و إن كانت مُدْبِرَةً، و لا أسال الناس شيئاً، و أوصانى أن أُكثِر من قول «لا حول و لا قوة إلا بالله العلى العظيم»، فإنّها كنز من كنوز الجنة. (٢)

و منها: قال الإربلى: قال مالك بن أنس: قال جعفر عليه السلام يوماً لسفيان الثورى: يا سفيان، إذا أنعم الله عليك بنعمه فأحببت بقاءها، فأكثر من الحمد و الشكر عليها؛ فإنّ الله عزوجل قال فى كتابه العزيز: «لئن شكرتم لأزيدنكم» (٣). و إذا استبطأت

ص: ٨٨

-
- ١-١. المحاسن ١/٧١، ح ٢٧.
 - ٢-٢. المحاسن ١/٧٤، ح ٣٤.
 - ٣-٣. سورة ابراهيم /٧.

و از جمله: روایتی است که برقی با سند خود از حسن بصری نقل نموده است که وی گوید: با امام باقر علیه السلام در سرزمین مینی بودم که مردی از قریش فوت کرد. حضرت فرمود: ای ابوسعید [کنیه حسن بصری است]، برخیز با هم به تشییع جنازه او برویم. وقتی داخل قبرستان شدیم حضرت فرمود: آیا به شما خبر ندهم از پنج فضیلت که در زمره نیکی هاست و نیکی انسان را به بهشت می رساند؟ گفتم: بفرمائید. حضرت فرمود: پنهان کردن مصیبت و کتمان آن، صدقه در حالی که آن را وقتی با دست راست خود عطا کردی دست چپ تو نفهمد، نیکی به پدر و مادر که نیکی به آنها باعث رضایت خداست، زیاد گفتن ذکر «لا- حَوْلَ وَ لا- قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» که این ذکر از گنجهای بهشت است و دوستی پیامبر و خاندان آن حضرت که خداوند به آن حضرت و همه خاندان وی درود و رحمت فرستد.

و از جمله: روایتی است که برقی از عمرو بن جمیع مرفوعاً نقل کرده است که وی گوید: سلمان فارسی (رضوان الله علیه) می گفت: دوست من (یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) هفت خصلت را به من سفارش نمود که آن ها را در هیچ حالی ترک نمی کنم: پیامبر مرا توصیه کرد به شخصی که از نظر مالی از من پایین تر است نگاه کنم و به کسی که از نظر مالی از من بالاتر است نگاه نکنم، فقرا را دوست داشته باشم و به آنها نزدیک شوم، حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، با خویشانم صله رحم کنم اگر چه آنها به من پشت کنند، از مردم چیزی نخواهم، و توصیه نمودند که بسیار بگویم ذکر «لا- حَوْلَ وَ لا- قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را که گنجی از گنجهای بهشت است.

و از جمله: حدیثی است که اربلی از مالک بن انس نقل کرده می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام روزی به سفیان ثوری فرمود: ای سفیان، زمانی که خداوند به تو نعمتی داد و دوست داری که آن نعمت برایت باقی بماند، خدا را به خاطر آن نعمت، سپاس و شکر فراوان کن که خداوند عزوجل در کتاب عزیزش می فرماید: «اگر سپاسگزاری کردید برای شما نعمت خود را زیاد می کنم»؛ و اگر

الرزق فأكثر من الاستغفار؛ فإنَّ الله عزوجل قال في كتابه: «استغفروا ربكم إنَّه كان غفَّاراً يُرسل السَّمَاءَ عليكم مدراراً و يُمددكم بأموال و بنين...» -يعنى فى الدنيا- «و يجعل لكم جناتٍ» (١) فى الآخرة. يا سفيان، إذا حزنك أمرٌ من سلطان أو غيره فأكثر من قول «لا حول و لا قوه إلا بالله العلى العظيم»، فإنَّها مفتاح الفرج و كنز من كنوز الجنة». (٢)

العجب لمن فزع من أربع كيف لا يفزع إلى أربع

و منها: ما رواها الصدوق بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: عَجِبْتُ لمن فزع من أربع كيف لا يفزع إلى أربع: عَجِبْتُ لمن خاف العدوَّ كيف لا يفزع إلى قوله تعالى: «حَسْبُنَا اللهُ و نعم الوكيل» (٣)؟! فَإِنِّي سمعت الله عزوجل يقول بعقبها: «فانقلبوا بنعمه من الله عزوجل و فضل لم يمسسهم سوء» (٤)، و عَجِبْتُ لمن اغتمَّ كيف لا يفزع إلى قوله تعالى: «لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين» (٥)؟! فَإِنِّي سمعت الله عزوجل بعقبها: «فاستجبنا له و نجيناها من الغمِّ و كذلك نُنجي المؤمنين» (٦)، و عَجِبْتُ لمن مُكَّر به كيف لا يفزع إلى قوله تعالى: «و أفوض أمرى إلى الله إنَّ الله بصيرٌ بالعباد» (٧)؟! فَإِنِّي سمعت الله عزوجل يقول بعقبها: «فوقاه الله سيئات ما مكروا» (٨)، و

ص: ٩٠

-
- ١- ١. سورة نوح / ١٢-١٠.
 - ٢- ٢. كشف الغمَّة ٣/١٥٤، مطالب السؤل ٢/٥٦، أورده ابن حمدون فى التذكرة الحمدونية ١/١١٣، الراغب فى المحاضرات ٢/٤٦٧، الذهبى فى السير ٦/٢٦١.
 - ٣- ٣. سورة آل عمران / ١٧٣.
 - ٤- ٤. سورة آل عمران / ١٧٤.
 - ٥- ٥. سورة الأنبياء / ٨٧.
 - ٦- ٦. سورة الأنبياء / ٨٨.
 - ٧- ٧. سورة غافر / ٤٤.
 - ٨- ٨. سورة غافر / ٤٥.

روزی برای تو تنگ شد، بسیار آمرزش بخواه؛ چراکه خداوند عزوجل در کتابش می فرماید: «از پروردگارتان طلب آمرزش کنید. که او بسیار آمرزنده است: برای شما از آسمان باران فراوان سرازیر می کند و به وسیله اموال و پسران شما را یاری می کند.» که منظور یاری در دنیا است «و برای شما باغ هایی را قرار می دهد» در آخرت. بعد امام صادق علیه السلام فرمود: ای سفیان، اگر امری از سلطان یا غیر آن تو را غمناک کرد، بسیار بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ چرا که این ذکر کلید گشایش مشکلات و گنجی از گنجهای بهشت است.

و از جمله: روایتی است که شیخ صدوق رحمه الله با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده است که آن حضرت فرمود: در شگفتم از کسی که از چهار چیز در هراس است، چرا به چهار چیز (برای نجات خود از آن چهار چیز که می ترسد) پناه نمی برد؟ در شگفتم از کسی که از دشمن می ترسد چرا پناه نمی برد به گفتار خداوند متعال: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (و خدا ما را کافی است و او کارگزار خوبی است)، که من از خداوند شنیدم که در ادامه آن در کتابش فرمود: «فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (پس بازگشتند به نعمتی از خدا و فضلی که به آنها بدی و آسیبی نرسید). و در شگفتم از کسی که غمگین است چرا پناه نمی برد به گفتار خداوند متعال: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (معبودی جز تو نیست تو پاک و منزه. همانا من از ستمگران بودم)، که من شنیدم از خداوند که در ادامه آن فرمود: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (پس ما او را اجابت نمودیم و از اندوه و غم نجاتش دادیم و همین طور مؤمنان را نیز نجات می دهیم)؛ و در شگفتم از کسی که درباره او مکر و حيله ای شده است، چرا پناه نمی برد به گفتار خداوند متعال «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (و من واگذار کردم کارم را به خدا همانا خداوند نسبت به بندگان خود بیناست)، که شنیدم خداوند عزوجل در ادامه این آیه فرمود: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا» (پس خداوند حفظ کرد او را از نقشه های بدی که درباره او ریخته بودند)؛ و

عجبتُ لمن أراد الدنيا وزينتها كيف لا- يفرع إلى قوله تعالى: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله»(١)؛ فَإِنِّي سمعت الله عزوجل يقول بعقبها: «إِن تَرَن أَنَا أَقْلُ مِنْكَ مَالًا وَّ وَلَدًا فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ»(٢) و عسى موجِبُهُ(٣).

أربعة من كنوز البر

و منها: مما رواها المفيد في أماليه بسنده عن الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام عن جده عليه السلام قال: رسول الله صلى الله عليه و آله : أربعة من كنوز البر: كتمان الحاجه و كتمان الصدقه و كتمان المرض و كتمان المصيبة(٤).

أربعة من كنوز الجنة

و منها: مارواها الراوندى رفعه عن النبي صلى الله عليه و آله أنه قال: أربع من كنوز الجنة: كتمان الفاقه و كتمان الصدقه و كتمان المصيبة و كتمان الوجع(٥).

و قال صلى الله عليه و آله : من كنوز البر: كتمان المصائب و الأمراض و الصدقه(٦).

الكوفه كنز الإيمان

و منها: ورد في خبر أبي سعيد الخدرى قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: الكوفه جمجمه العرب و رمح الله تبارك و تعالى و كنز الإيمان فُحِذَ عنهم، الحديث(٧).

و الكوفه اليوم تنطبق على العَرِيّ الشريف و هو بلدى و بلدك و بلد آباؤنا و إليه انتسابنا.

كنوز الله فى الطالقان

و منها: مارواها الحسن بن سليمان الحلّى بإسناده عن المفضّل بن عمر عن الصادق عليه السلام فى حديث طويل: ثم يخرج الفتى الحسنى الصبيح من نحو الديلم، فيصيح

ص: ٩٢

١- ١. سورة الكهف / ٣٩.

٢- ٢. سورة الكهف / ٣٩ و ٤٠.

٣- ٣. أمالى الصدوق، المجلس الثانى، ح ٢/٥٤ الرقم ٩، الخصال / ٢١٨ ح ٤٣.

٤- ٤. أمالى المفيد، المجلس الأوّل / ٨.

٥- ٥. الدعوات / ١٦٤ ح ٢٥٢.

٦- ٦. الدعوات / ١٦٧ ح ٤٦٢، و نحوها فى الاثنى عشرية فى المواعظ العددية / ١٨.

٧- ٧. الكافى، ٦/٢٤٣ ح ١.

در شگفتم از کسی که دنیا و زینت آن را می خواهد، چرا پناه نمی برد به گفتار خداوند متعال که می فرماید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (آن چه خدا بخواهد واقع می شود و نیرویی نیست جز این که از جانب خداست)، که شنیدم خداوند عزوجل در ادامه این آیه فرمود: «إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا - وَوَلَمَّا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ» (اگر مرا بینی که من در مال و فرزند کمتر از تو هستم، امیدوارم پروردگار من بهتر از باغ تو به من بدهد)؛ و کلمه «عسی» در اینجا معنی امید می دهد.

از دیگر مواردی که در روایات به آن گنج اطلاق شده است: روایتی است که شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب امالی خود با سندش از امام صادق علیه السلام نقل می کند و آن حضرت هم از پدرش علیه السلام از جدش علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده اند که آن حضرت فرمودند: چهار چیز از گنجهای نیکی است: پنهان کردن نیاز و حاجت، پنهان کردن صدقه، پنهان کردن بیماری و پنهان کردن مصیبت.

و از جمله: حدیث مرفوعه ای است که قُطْبِ رَاوَنْدِي قدس سره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: چهار چیز از گنجهای بهشت است: پنهان کردن فقر، پنهان کردن صدقه، پنهان کردن مصیبت و پنهان کردن رنج و درد.

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: از گنجهای نیکی پنهان کردن بیماری ها و مصیبت ها و صدقه است.

و از جمله: حدیثی است که در خبر ابوسعید خدری وارد شده است که وی می گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: شهر کوفه جمجمه عرب است (مرکز قدرت جهان عرب) و نیزه خداوند تبارک و تعالی است (به دلیل داشتن انسانهای شجاع) و گنجینه ایمان است (به خاطر وجود عالمان راستین در آن شهر) پس دانش خود را از آنان بگیر... .

و کوفه امروز منطبق بر نجف اشرف است. همانجا که سرزمین من و تو و پدران ماست و ما به آن شهر منسوب هستیم.

و از جمله: حدیثی طولانی است که حسن بن سلیمان حلی با اسنادش از مفضل بن عمر و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: ...سپس از طرف دیلم جوان حسنی که چهره زیبایی دارد خارج می شود

بصوت له فصيح: يا آل محمّد، أجيئوا الملهوف! و المنادى من حول الضريح، فتجيبه كنوزُ الله بالطالقان، كنوزٌ و أئى كنوز، لا من ذهب و لا من فضّه، بل هى رجال كزُبر الحديد، لكأئى أنظر إليهم على البراذين الشّهْبِ بأيديهم الحِرابِ، يتعاوون شوقاً إلى الحرب كما تتعاوى الذئبُ. أميرهم رجلٌ من تميم يقال له شعيب بن صالح. فَيَقْبِلُ الحسنى فيهم... الحديث.(1)

و روى ابنُ أعثم الكوفى فى كتاب الفتوح عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: ويحا للطالقان! فإنّ لله عزّوجلّ بها كنوزا ليست من ذهب و لا فضّه، ولكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حقّ معرفته، و هم أيضا أنصار المهدي فى آخر الزمان.(2)

الكنز لا بد أن يودع عند الأمين

و اعلم يا بنى، إنّ الكنز لا بدّ من أن يودع عند الأمين، و إلّا يخاف عليه من النّهْب و السّرِقَه؛ و لذا قال عيسى على نبيّنا و آله و عليه السّلام: لاتخذوا الدنيا ربّا فتتخذكم عبيدا، إكثروا كنزكم عند من لا يضيعه؛ فإنّ صاحب كنز الدنيا يخاف عليه الآفه و صاحب كنز الله لا يخاف عليه الآفه.(3)

إن هدى الله بك أحدا فهو كنزك

فأودع الكنوز التى ذكرتها لك عندالله تعالى و اعمل بها. و اعلم إن هدى الله بك أحدا فهو كنزك؛ كما يظهر من قضيه عيسى عليه السلام مع اليتيم المذكوره فى بحار الأنوار(4). فاسع فى هدايه الخلق و ترويج مذهب الإماميه الحقه.

ص: ٩٤

- ١- ١. مختصر البصائر ٤٥١/ طبعه جماعه المدرسين؛ بحار الأنوار ٥٣/١٥ (٢١/٥٥٠).
- ٢- ٢. الفتوح ٢/٧٨، البيان ١٠١/، عقد الدرر ١٢٢/، كنز العمال ١٤/٥٩١، كشف الغمه ٤/٢٠٦.
- ٣- ٣. بحار الأنوار، ١٤/٣٢٧ ح ٤٨.
- ٤- ٤. بحار الأنوار ١٤/ (٢٨٢-٢٨٠).

و با صدای بلند و فصیحی می گوید: ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله ، اجابت کنید کسی را که فریاد خواهد و به او اندوه رسیده باشد. پس از آن منادی در کنار ضریح است و سپس گنجهای خدا در طالقان دعوت او را اجابت می کنند. آنان گنجهایند و چه گنجهایی!! این گنجها نه از جنس طلا هستند و نه از جنس نقره، بلکه مردانی هستند که در شجاعت و مقاومت مثل پاره های آهن می باشند. گویا من آنها را می بینم که با در دست داشتن ادوات جنگی بر مرکب های سیاه و سفید سوارند و با اشتیاق تمام مثل صدای گرگها صدای جنگ بر لب دارند. فرمانده آنان مردی از قبیله تمیم است که به او شعیب بن صالح گفته می شود. پس سید حسنی فرماندهی کل آنها را به عهده می گیرد....

ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح از حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت فرمود: خوشا بر طالقان که خداوند در آنجا گنجهایی دارد که نه از طلایند و نه از نقره، بلکه آن گنجها مردان مؤمنی هستند که خدای را به حقیقت شناخته اند و آنان یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان می باشند.

و بدان ای فرزندانم، این که گنج را باید نزد شخص امانتداری گذاشت، در غیر این صورت ترس آن می رود که مورد دستبرد قرار می گیرد و یا غارت شود؛ به همین خاطر حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام) فرمود: دنیا را معبود خود قرار ندهید که او شما را بنده خود نماید گنج خود را در نزد کسی بگذارید که آن را ضایع نکند و از بین نبرد همانا کسی که گنج دنیایی دارد بیم آفت برای آن گنج می رود، ولی صاحب گنج خدایی هرگز بیم آفت برای آن نمی رود.

پس گنجهایی را که برای ذکر کردم نزد خداوند متعال به امانت بگذار و به آنها عمل کن؛ و بدان که اگر خداوند به وسیله تو کسی را هدایت کرد، همین برای تو گنجی است؛ چنان که این مطلب از داستان حضرت عیسی علیه السلام و آن یتیم که در بحارالانوار ذکر شده است ظاهر می شود. پس در هدایت مردم و ترویج مذهب بر حق امامیه تلاش کن.***

قد جعلت خاتمه هذه الرساله أمورا:

منها: دعاء الإمام الصادق عليه السلام في مجلس المنصور للنجاه منه

قال الإربلي: «حدّث عبد الله بن الفضل بن الربيع عن أبيه قال: حجّ المنصور سنه سبعم و أربعين و مائه، فقَدِمَ المدينة و قال للربيع بن يونس: ابعث إلى جعفر بن محمّد من يأتينا به مُتَعَبًا. قتلني الله إن لم أقتله. فتغافل الربيع عنه لِينْسَاهُ، ثم أعاد ذكره للربيع و قال: ابعث من يأتي به مُتَعَبًا. فتغافل عنه، ثم أرسل إلى الربيع قبيحه أغلظ عليه فيها، و أمره أن يبعث من يُحضِر جعفرا، ففعل.

فلما أتاه قال له الربيع: يا أبا عبد الله، اذكر الله، فإنّه قد أرسل إليك بما لا دافع له غير الله. فقال جعفر: «لا حول و لا قوه إلّا بالله».

ثم إنّ الربيع أعلم المنصور بحضوره، فلتمّا دخل جعفر عليه أوعدده و أغلظ له و قال: أيّ عدوّ الله، اتّخذك أهل العراق إماما يُجبون إليك زكاه أموالهم، و تلجّد في سلطاني و تبغيه الغوائل. قتلني الله إن لم أقتلك.

این رساله را در اموری چند قرار دادم:

امر اول: دعای امام صادق علیه السلام در مجلس منصور دوانیقی به خاطر نجات از او

علامه اربلی (رحمه الله علیه) می گوید: عبدالله بن فضل بن ربیع از پدرش حدیث کرد که منصور دوانیقی در سال ۱۴۷ هجری قمری به سفر حج خانه خدا رفته بود. وقتی وارد مدینه شد به ربیع فرزند یونس گفت: شخصی را بفرست به سوی جعفر بن محمد تا او را با حال رنج و سختی به نزد من بیاورد. خدا مرا بکشد اگر او را نکشم. ربیع در انجام این کار سهل انگاری کرد شاید منصور این امر را فراموش کند، ولی باز منصور گفته اش را تکرار کرد لکن ربیع خود را به بی خبری زد، ولی در مرحله سوم منصور نامه تندی به ربیع نوشت و در آن نوشته به شدت دستور احضار امام را داد آن هم با حالت زحمت و رنج. در این مرتبه ربیع مجبور به انجام این دستور شد.

وقتی امام را حاضر کردند، ربیع به امام عرض کرد: ای ابا عبدالله، به یاد خدا باش. منصور تو را به این جا آورده به خاطر آنچه جز خدا نمی تواند آن را از تو برطرف نماید. امام فرمود: قدرت و نیرویی نیست جز این که از آن خداوند است.

سپس ربیع به منصور خبر داد که امام صادق علیه السلام را حاضر نموده است. وقتی که امام وارد بر منصور شد، او با امام برخورد تندی نمود و تهدیدهای شدید کرد و به امام می گفت: ای دشمن خدا، مردم عراق تو را به عنوان پیشوای خود قرار داده اند و زکات مالشان را به سوی تو می فرستند. تو سلطنت مرا از بین برده ای و باعث آشوب شده ای. خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم.

فقال له: يا أمير المؤمنين عليه السلام، إنَّ سليمان أعطى فشكر، و إنَّ أيوب أُبتلى فصبر، و إنَّ يوسف ظُلم فَعَفَرَ، و أنت من ذلك السنخ.

فلما سمع المنصور ذلك منه قال له: إلى و عندي يا أبا عبد الله، أنت البرىء الساحة، السليم الناحية، القليل الغائله، جزاك الله من ذى رَحِمٍ أفضل ما جزى ذوى الأرحام عن أرحامهم.

ثم تناول يده و أجلسه على فُرشه. ثم قال: عَلَيَّ بالطيب. فأتى بالغاليه، فجعل يُغَلِّب لحيه جعفر بيده حتى تركها تَقَطَّرُ، ثم قال: قُمْ فى حفظ الله و كلاءته. ثم قال: يا ربيع، أَلْحِقْ أبا عبد الله جائزته و كسوته. انصرف أبا عبد الله فى حفظ الله و كنفه فانصرف.

قال الربيع: ولحقته فقلت له: إني قد رأيتُ قبلك ما لم تره، ورأيتُ بعدك ما لا رأيتهُ، فما قلتُ يا أبا عبد الله حين دخلت؟

قال: قلت: «اللهم احرسنى بعينك التى لا تنام و اكفنى بركنك الذى لا يُرام و اغفرلى بقدرتك على. و لا أهلك و أنت رجائى. اللهم أنت أكبرُّ و أجلُّ ممَّا أخافُ و أهدرُ. اللهم بك أدفع فى نحره و أستعيد بك من شرِّه». ففعل الله بى ما رأيتُ. (١)

قد روى لقاء الإمام الصادق عليه السلام بالمنصور بكلمات مختلفه، لعله متعدد. فراجع إن شئت الكافي ٢/٥٦٢ ح ٢٢ و أمالى الصدوق، المجلس التاسع و الثمانين ح ١٠/٧٠٩ الرقم ٩٧٨.

ص: ٩٨

امام صادق علیه السلام فرمود: ای امیرالمؤمنین، همانا حضرت سلیمان علیه السلام مشمول عطای ویژه خداوند قرار گرفت پس شکرگزاری کرد؛ و حضرت ایوب گرفتار بلا شد پس صبر نمود؛ و حضرت یوسف علیه السلام مورد ظلم قرار گرفت پس (برادرانش را) بخشید. تو هم از این گروه هستی.

چون منصور سخنان امام را شنید به او گفت: بیا به سوی من ای ابا عبدالله، این اتهامات از تو مبری است. خداوند به تو از طرف خویشان بهترین جزایی که شخص از جانب خویشان خود می گیرد عنایت فرماید.

سپس دستش را دراز کرد و امام را روی فرش و جایگاه خاص خود نشانید. پس دستور داد عطر بیاورند. عطر گرانمایی را آماده کرده و آوردند و با آن عطر محاسن امام را با دستش معطر نمود به حدی که قطرات عطر از محاسن امام به زمین می چکید. سپس گفت: برخیز که در حفظ و حراست خداوند قرار داری. بعد به ربیع دستور داد که لباس و جایزه ابا عبدالله را به او بده و او را رها کن در حفظ و حمایت ویژه خدا. امام هم به این صورت از منصور جدا شد.

ربیع می گوید: من به نزد امام صادق علیه السلام رفتم و به آن حضرت گفتم: من قبل از شما دیدم چیزی را که شما ندیدی، و بعد از آمدن شما دیدم چیزی را که تاکنون ندیده ام. وقتی وارد به مجلس منصور شدم چه ذکر می گفتی؟

امام فرمود: گفتم: «خدایا با آن دیده و چشم خود که هرگز نمی خوابد مرا نگهدار، و مرا در سایه رکن استوار و خلل ناپذیرت قرار بده، و مرا ببخش با آن قدرتی که داری، و من از بین نمی روم تا تو امید من هستی. خداوند، تو بزرگ تر و با اهمیت تر از آن هستی که من از آن می ترسم و وحشت دارم. خدایا، من به واسطه تو دفع می کنم قتلی که او در حق من می خواهد انجام دهد؛ و از شر او به تو پناه می برم». پس خدا هم انجام داد در حق من آن چه را دیدی.

جریان ملاقات امام صادق علیه السلام با منصور با کلمات گوناگون و تعابیر متعدّد روایت شده است. اگر خواستی می توانی به کتاب کافی، ج ۲، ص ۵۶۲، حدیث ۲۲ و به کتاب امالی شیخ صدوق، مجلس هشتم و نهم، ح ۱۰، ص ۷۰۹، رقم ۹۷۸ مراجعه کنی.

و منها: وصيه الإمام الصادق عليه السلام لولده الإمام الكاظم عليه السلام

قال الإربلي: «و عن بعض أصحاب جعفر عليه السلام قال: دخلت عليه و موسى عليه السلام بين يديه و هو يُوصيه بهذه الوصيه. فكان ممّا حفظتُ منها أن قال:

يا بنى، أقبل وصيتي و احفظ مقالتى؛ فإنّك إن حفظتها تعيش سعيدا و تَمُتَ حميدا.

يا بنى، من قنع بما قُسم له استغنى، و من مَدَّ عينه إلى ما فى يد غيره مات فقيرا، و من لم يرضَ بما قسم الله له اتهم الله فى قضائه، و من استصغر زلّه غيره استعظم زلّه نفسه، و من استصغر زلّه نفسه استعظم زلّه غيره.

يا بنى، من كشف حجاب غيره انكشفت عورات بيته، و من سلّ سيفَ البغى قُتل به، و من احتفر لأخيه بئرا سقط فيها، و من داخل السفهاء حُقّر، و من خالط العلماء وُقّر، و من دخل مداخل السوء اتهم.

يا بنى، إياك أن تُزرى بالرجال فيزرى بك، و إياك و الدخول فيما لا يعينك فتدلّ لذلك.

يا بنى، قل الحقّ لك و عليك تُستشار من بين أقرانك.

يا بنى، كن لكتاب الله تاليا و للإسلام فاشيا و بالمعروف آمرا و عن المنكر ناهيا و لمن قطعك واصلًا و لمن سكت عنك مبتدئا و لمن سألك معطيا.

و إياك و النميمه، فإنّها تزرع الشُّخناء فى قلوب الرجال، و إياك و التّعرضَ لعيوب الناس. فمنزله المتعرّض لعيوب الناس كمنزله الهدف.

امر دوم: وصیتِ امام صادق علیه السلام به فرزندش امام کاظم علیه السلام

عالم جلیل القدر علی بن عیسیٰ اربلی (رحمه الله علیه) از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند که وی می گوید: بر امام صادق علیه السلام در حالی وارد شدم که فرزندش امام موسی بن جعفر علیه السلام در نزد آن حضرت بود و امام به وی وصیت می نمود آن چه من از وصیت های امام صادق در نظرم مانده این است که فرمود:

ای فرزندم، وصیت مرا بپذیر و گفتارم را در نظرت بسپار که اگر آن چه را می گویم حفظ کنی و عمل نمایی، سعادتمند زندگی خواهی کرد و مورد ستایش خواهی مُرد.

ای فرزندم، کسی که قانع باشد به آن چه برای او تقسیم شده است بی نیاز خواهد شد؛ و کسی با چشمانش به آن چه در دست دیگران است نگاه طمعکارانه داشته باشد، نیازمند خواهد مُرد، و کسی که راضی به آن چه خدا برای او تقسیم نموده است نباشد، به خداوند در قضایش تهمت زده است؛ و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد، در واقع لغزش های خودش را بزرگ شمرده است؛ و کسی که لغزش دیگران را بزرگ بشمارد، لغزش خودش را کوچک شمرده است.

ای فرزندم، کسی که رازِ دیگران را فاش کند خداوند اسرار و عیب های خانوادگیش را فاش می سازد؛ و کسی که شمشیر ستم علیه کسی بکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد؛ و کسی که چاهی را برای برادرش بکند خودش در آن چاه می افتد؛ و کسی که با نادانان همنشینی داشته باشد حقیر و کوچک شمرده می شود؛ و کسی که با دانشمندان رفت و آمد داشته باشد مورد احترام قرار می گیرد؛ و کسی که به جایگاه و مجالس بد وارد شود مورد اّتهام قرار می گیرد.

ای فرزندم، پرهیز از اینکه بزرگان را سرزنش کنی که در این صورت خودت مورد سرزنش و ملامت خواهی شد؛ و پرهیز از دخالت در اموری که فایده ای به حال تو ندارد که به خاطر آن خوار و ذلیل خواهی شد.

ای فرزندم، حق را بگو چه به سود تو باشد و چه به زیان تو؛ و بر تو باد که با آنان که همانند تو هستند مشورت کنی.

ای فرزندم، کتاب خدا را تلاوت کن و دین اسلام را آشکارنما و مردم را به کارهای نیک

يا بنى، إذا طلبت الجود فعليك بمعدنه، فإن للجود معادن و للمعادن أصولاً و للأصول فروعاً و للفروع ثمرات و لا يطيب ثمر إلا بفرع و لا فرع إلا بأصل و لا أصل ثابت إلا بمعدن طيب.

يا بنى، إذا زرت فزر الأخيار و لا تزُر الفجار، فإنهم صخره لا يتفجر ماؤها و شجره لا يخضر ورقها، و أرض لا يظهر عُشبها.

قال على بن موسى عليه السلام: فما ترك أبى هذه الوصيه إلى أن تُوفى. (١)

وصيه رسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام

و منها: أوصيك بما وصى به رسول الله صلى الله عليه و آله أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام المروى فى الفقيه. (٢)

وصيه أمير المؤمنين لولده الإمام الحسن عليه السلام

و منها: أوصيك بما وصى بها أمير المؤمنين عليه السلام ولده الإمام الحسن عليه السلام المنقول فى الكتاب الواحد و الثلاثين من نهج البلاغه، فراجعها.

وصيه أمير المؤمنين عليه السلام لولده محمد بن الحنفية

و منها: أوصيك بما وصى به أمير المؤمنين عليه السلام ولده محمد ابن الحنفية المروى فى الفقيه أيضا. (٣)

وصيه اخرى لرسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام

و منها: وصيه رسول الله صلى الله عليه و آله لأخيه أمير المؤمنين عليه السلام المروى فى صحيحه معاوية بن عمار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كان فى وصيه النبى صلى الله عليه و آله لعلنى أن قال: يا على، أوصيك فى نفسك بخصال فاحفظها عنى. ثم قال: اللهم أعنه.

ص: ١٠٢

١- ١. كشف الغمه ٣/٢٠٤، حليه الأولياء ٣/١٩٥، و روى أيضا فى كشف الغمه ٣/١٥٧، مطالب السؤل ٢/٥٧ مختصرا.

٢- ٢. الفقيه ٤/(٣٧٥-٣٥٢) الرقم ٥٧٤٢.

٣- ٣. الفقيه ٤/(٣٩٢-٣٨٤) الرقم ٥٨٣٤.

دستور ده و از کارهای بد نهی کن. با آن کس که از تو بُریده است پیوند داشته باش و با آن کس که با تو حرف نمی زند تو شروع کن به حرف زدن، و به آن کسی که از تو کمک می خواهد عطا کن. و مبادا سخن چینی کنی که این کار در دل های مردم کینه ایجاد می کند و پرهیز از این که به عیب جویی مردم بپرداز؛ چرا که شخصی که عیب جویی مردم را می کند همانند هدفی است که همه تیرها به طرف آن پرتاب می شود.

ای فرزندم، اگر طالب جود و بخشش هستی بر تو باد به معدن های آن. همانا برای جود معادنی وجود دارد و برای معدن ها ریشه هایی وجود دارد و برای ریشه ها شاخه هایی وجود دارد و برای شاخه ها میوه هایی هست، هیچ میوه ای گوارا نمی شود مگر به وسیله شاخه اش و هیچ شاخه ای وجود ندارد بدون ریشه و هیچ ریشه ثابتی هم وجود ندارد مگر در جایگاه و معدن پاکیزه ای.

ای فرزندم، اگر خواستی کسی را زیارت کنی انسان های نیکوکار را زیارت کن و از زیارت بدکاران پرهیز، چرا که بدکاران مثل صخره هایی هستند که آبی از آنها نمی جوشد و مثل درختی هستند که برگی از آن درخت سبز نمی شود و مانند زمینی می باشند که از آن سبزه ای نمی روید.

امام رضا علیه السلام می فرماید: پدرم عمل به این وصیت را ترک نکرد تا وقتی از دنیا رفت [همواره در حیاتش به این وصیت عمل نمود].

امر سوم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آن چه پیامبر خدا به امیرالمؤمنین علی به ابیطالب علیه السلام سفارش نمود که وصایای آن حضرت در کتاب من لایحضره الفقیه نقل شده است.

امر چهارم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آنچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت نمود و در نامه سی و یکم نهج البلاغه نقل شده است. پس به آن مراجعه کن.

امر پنجم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آن چه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمّد حنفیه سفارش فرمود که در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت شده است.

أما الأولى: فالصدق ولا تخرجنَّ من فيك كذبه أبدا.

و الثانية: الورع ولا تجترئ على خيانه أبدا.

و الثالثة: الخوف من الله -عزَّ ذكره- كأنك تراه.

و الرابعة: كثره البكاء من خشية الله يُبنى لك بكلِّ دمه ألف بيت في الجنه.

و الخامسة: بذلك مالك و دمك دون دينك.

و السادسة: الأخذ بسنتي في صلاتي و صومي و صدقتي. أما الصلاة فالخمسون ركعة، و أميا الصيام فثلاثة أيام في الشهر: الخميس في أوله و الأربعاء في وسطه و الخميس في آخره، و أميا الصدقة فجهدك حتى تقول: قد أسرفت و لم تُسرف، و عليك بصلاة الليل و عليك بصلاة الزوال و عليك بصلاة الزوال (١)، و عليك بتلاوه القرآن على كلِّ حال، و عليك برفع يديك في صلاتك و تقلبيهما، و عليك بالسواك عند كلِّ وضوء، و عليك بمحاسن الأخلاق فاركبتها و مساوىئ الأخلاق فاجتنبها. فإن لم تفعل فلا تلومنَّ إلا نفسك. (٢)

وصايا لقمان لابنه

و منها: أوصيك بما أوصى به لقمان الحكيم ابنه، و وصاياها المذكورة في كتب الأخبار و منها بحار الأنوار (٣) لشيخنا العلامة المجلسي قدس سره .

وصايا العلامة الحلي لولده قدس سرهما

و منها: أوصيك في الختام بما وصى به العلامة ولده فخر المحققين في خاتمه

ص: ١٠٤

١- ١. و في نقل الفقيه ثلاث مرّات «عليك بصلاة الليل» و مرّه «عليك بصلاة الزوال».

٢- ٢. الكافي ٨/٧٩، ح ٣٣، الفقيه ٤/١٨٨، ح ٥٤٣٢ و رواها فيه بسند معتبر عندنا.

٣- ٣. بحار الأنوار ١٣/ (٤٣٤-٤٠٨) / ٦ (١٢٧-١٤٥).

امر ششم از خاتمه رساله: وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در صحیحہ معاویہ بن عمّار روایت شده وی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: از وصایای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام این است که فرمود: ای علی! تو را درباره خودت به خصلت هایی توصیه می کنم. پس به آنها توجه کن و از من به یادگار نگهدار. سپس آن حضرت دعا کرد که خدایا علی را کمک کن (در انجام این سفارش ها). و اما آن وصایا این است که:

اول: راستگویی، و هرگز دروغی از دهان تو صادر نشود.

دوم: ورع و پرهیزکاری، و مبادا جرأت بر خیانتی پیدا بکنی.

سوم: ترس از خداوند به طوری که گویا خدا را می بینی.

چهارم: گریه زیاد از خشیت خداوند و در این صورت برای تو به ازای هر قطره ای هزار خانه در بهشت ساخته می شود.

پنجم: این که مال و خونت را در راه دینت ببخشی.

ششم: در نماز و روزه و صدقه به سنت و روش من عمل کنی. اما روش من در نماز پنجاه رکعت است. روش من در روزه سه روز در هر ماه، پنج شنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنج شنبه آخر هر ماه. روش من در صدقه این است که در این کار طوری تلاش کنی به انفاق کردن که خودت بگویی من در صدقه دادن زیاده روی کردم در حالی که زیاده روی نکرده ای. و بر تو باد به نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر. بر تو باد به نماز ظهر و بر تو باد به نماز ظهر، و بر تو باد به تلاوت قرآن در هر حال، و بر تو باد به بلند کردن دو دست هنگام نماز و برگرداندن آنها (در تکبیره الاحرام)، و بر تو باد به مسواک زدن هنگام هر وضو، و بر تو باد به اخلاق نیکو که خود را واجد آنها کنی و از اخلاق بد پرهیزی. پس اگر چنین نکردی، غیر از خودت را ملامت و سرزنش نکن.

امر هفتم از خاتمه رساله: تو را توصیه می کنم به آن چه لقمان حکیم به پسرش سفارش کرد که وصایای او در کتاب های روایت ذکر شده است، از جمله عالم بزرگ ما علامه مجلسی قدس سره در کتاب بحار الأنوار آن را یاد کرده است.

امر هشتم از خاتمه رساله: تو را وصیت می کنم. به آن چه علامه حلی (رضوان الله

قواعده(١)، وهذه هي وصيه أبي رحمه الله إلي كما كتبه في إجازته(٢) لي.

لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفره

و منها: لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفره لي في الحياه و بعد الممات و عند قبري:

مرا زنده پندار چون خویشتن بیایم بجان گر بیائی به تن(٣)

[اعتبرني حيًا كما أنت حيٌّ / فآتي بروحي لو تآتي بالجسد].

سر تفوق الوحيد البهبهاني قدس سره

و منها: ما ذكره الوحيد البهبهاني قدس سره - وهو أستاذ الكل - في جواب سؤال عن سبب ترقّيه و تفوّقه على المحققين الأعلام قائلاً: قدس سره: «إنّ العبد لا- يشاهد في نفسه شيئاً يوجب ذلك إلّا أنّي راعيتُ مدّه عمرى ثلاثه أشياء و لم أتركها بقدر الاستطاعه:

أحدها: إنّني لم أتكل في شيء من أمورى على أحدٍ سوى الله تعالى؛

و ثانيها: إنّني لم أقصّر في أمر أحد من العلماء الماضين و الأساتيد اللاحقين، بل عظمتهم و جلتهم و أعليت أمرهم بقدر الوسع و الطّاقه؛

و ثالثها: إنّني قهرت نفسي و اشتغلت بتحصيل العلوم و التصنيف و التّأليف و التّدرّيس أكثر عمرى، و لم أرافق البطّالين و المعطلين و المهملين من طلبه العلوم. فإن أعطاني الله شيئاً فإنّما هو من بركه هذه الأمور». (٤)

ص: ١٠٦

١-١. قواعد الأحكام ٣/٧١٧-٧١٤.

٢-٢. فيض الباري إلى قره عيني الهادي / ٤ المطبوعه ضمن «قبيله عالمان دين» / ٢١٩.

٣-٣. البيت للنظامي الكنجوي.

٤-٤. نقل الفقيه الميرزا محمّد هاشم الجهارسوقي عن الوحيد في إجازته للعلامه الميرزا محمّد بن عبدالوهاب الهمداني، المطبوعه ضمن المجلد الرابع من «ميراث حوزة اصفهان» / ٥٠٤.

تعالی علیه) به فرزندش فخرالمحققین در آخر کتاب قواعدش توصیه نموده است که این توصیه در واقع سفارش پدرم که رحمت خدا بر او باد به من نیز می باشد؛ چنان که در اجازه اش به من نوشت.

امر نهم از خاتمه رساله: اینکه مرا از دعاهاى خیر خود فراموش نکن و برای من آمرزش بخواه؛ چه در زمان حیاتم و چه بعد از مرگ و در قبرم.

مرا زنده پندار چون خویشتن بیایم به جان گر بیایی به تن

امر دهم از خاتمه رساله: آن چیزی است که وحید بهبهانی قدس سره (استاد همه علمای عصر خود) در جواب سؤالی که از رمز موفقیت و برتری خود نسبت به محققین بزرگ از او نموده بودند فرمود: من چیزی را که موجب این موفقیت باشد در خود نمی بینم، مگر اینکه در طول عمرم همواره سه امر مهم را رعایت می کردم و در حدّ توانم آنها را ترک نمی نمودم.

اول: من در تمام کارهایم به جز خداوند به هیچ کس تکیه و اعتماد نکردم؛

دوم: درباره ادای حقّ هیچ یک از علمای گذشته و اساتید کوتاهی نکردم، بلکه به اندازه تواناییم به تجلیل و تعظیم آنها پرداختم؛

سوم: من بر نفس خود چیره شدم و بیشتر عمرم را صرف یادگیری علوم و نوشتن و گردآوری آنها و تدریس نمودم و با افرادی که عمر خود را به بطالت و بیهودگی صرف می نمودند همراه نشدم. پس اگر خداوند به من چیزی بخشید فقط به برکت این سه امر بوده است.

ص: ۱۰۷

و منها: إن ترد عملاً- لأجل معاشك فكن زارعا و لأنه؛ ورد في خبر يزيد بن هارون المروى في الكافي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: الزارعون كنوز الأنعام. يزرعون طيباً أخرجه الله عز وجل و هم يوم القيامة أحسن الناس مقاما و أقربهم منزلةً، يدعون المباركين.(١)

و هكذا روى الشيخ الطوسي في التهذيب بإسناده عن يزيد بن هارون الواسطي قال: سألت جعفر بن محمد عليهما السلام عن الفلاحين فقال: هم الزارعون. كنوز الله في أرضه و ما في الأعمال شيء أحب إلى الله من الزراعة، و ما بعث الله نبياً إلّا زارعا إلّا ادريس عليه السلام، فإنه كان خياطاً.(٢)

الزراعة

و روى أنّ أبا عبد الله عليه السلام قال: الكيمياء الأكبر الزراعة.(٣)

الروايات كلها كنوز

و منها: و اعلم أنّ الروايات الواردة عن أئمتنا المعصومين عليهم السلام كلّها كنوز. فعليك بمطالعتها و مراجعتها و العمل بها و قراءتها للناس(٤). فأجزت لك هنا - كما أجزت سابقاً و شفهيّاً عند ضريح باب مدينة علم النبي صلى الله عليه و آله و وصيّيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في صبيحه يوم الخميس السابع و العشرين من شهر شعبان المعظم عام ١٤٢٧ في مدينة النجف الأشرف - نقل رواياتهم عليهم السلام من الكتب الأربعة و غيرها من الكتب المعروفة عند الأصحاب رضوان الله تعالى عليهم أجمعين، و الطريق

الإجازة للولد

ص: ١٠٨

١- ١. الكافي ٥/٢٦١، ح ٧ و نقلت عنه في موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام ٤/٣٣٧ ح ٦.

٢- ٢. التهذيب ٦/٣٨٤، ح ٢٥٩.

٣- ٣. الكافي ٥/٢٦١.

٤- ٤. في هذا المجال يمكنك الرجوع إلى كتابي المطبوع: «موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام».

امر یازدهم از خاتمه رساله: این است که اگر خواستی برای هزینه زندگی خود دست به کاری بزنی، کشاورزی را اختیار کن؛ به خاطر اینکه در خبر یزید بن هارون که در اصول کافی روایت شده است چنین آمده است که وی می گوید، از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کشاورزان گنجهای مردم می باشند. دانه های خوراکی پاکی را می کارند که خداوند عزوجل آنها را از زمین بیرون می آورد؛ و آنها در روز قیامت از نظر مقام بهترین مردم و نزدیک ترین آنها از جهت منزلت می باشند که در آن روز به عنوان انسانهای بابرکت خوانده می شوند.

و نیز شیخ طوسی در کتاب التّهذیب به اسناد خود از یزید بن هارون واسطی چنین روایت می کند که او می گوید: از امام جعفر بن محمد صادق علیهما السلام درباره کشاورزان سؤال نمودم. حضرت فرمود: آنها گنجهای خداوند در زمینش هستند در بین کارها دوست داشتنی ترین آنها زراعت است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر اینکه کشاورز بود به جز حضرت ادريس عليه السلام که او خیاط بود.

و روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرموده: بزرگ ترین کیمیا زراعت است.

امر دوازدهم از خاتمه رساله: اینکه بدان ای فرزندانم، روایاتی که از جانب امامان معصوم علیهم السلام ما وارد شده است، همه آنها گنج است. پس بر تو باد به مطالعه آنها و مراجعه و عمل نمودن به آنها و خواندن آن روایات برای مردم که من اجازه نقل آنها را اینجا به تو می دهم؛ همان طور که قبلاً نیز به طور شفاهی در کنار ضریح درب شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در صبح روز پنج شنبه بیست و هفتم ماه شعبان سال ۱۴۲۷ در شهر نجف اشرف به تو دادم. که از کتاب های چهارگانه و دیگر کتاب های معروف علمای مذهب امامیه (رضوان الله تعالی علیهم) روایت نقل کنی. من سلسله سند خود را تا برسد به صاحبان کتابها و از آنها تا ائمه معصومین علیهم

السلام را

ص: ۱۰۹

مأخوذ من رسالتي «طريق الوصول إلى أخبار آل الرسول عليهم السلام».

إن تريد المال و الثروه

و منها: و إن ترد المال و الثروه في الدنيا التي تعدّ في أعين الناس كنزا - و ليس بكنز حقيقه - فاقراً في كلّ يوم من شهر رجب المرجب اثنتي عشره مرّه هذه الآيه الشريفه و هي قوله تعالى: «اللّه لطيفٌ بعباده يرزق من يشاء و هو القوي العزيز»(١)(٢).

إلى هنا تمت هذه الرساله الشريفه المسماه بـ «الكنز الجلى لولدى على» على يد مؤلفها العبد الفانى هادى النجفى، كان اللّه له و جعل مستقبل أمره خيراً من ماضيه و حشره اللّه مع مواليه أمير المؤمنين و أولاده المعصومين عليهم السلام في يوم الثلاثاء الثالث و العشرين من صفر المظفر عام ١٤٢٨ ببلده إصبهان -صانها اللّه تعالى عن الحدثان- و الحمد لله أولاً و آخراً و صلى اللّه على سيدنا محمّد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

ص: ١١٠

١-١. سورة الشورى /١٩.

٢-٢. مفتاح السعاده لعننا الأكرم آيه اللّه الشيخ محمّد تقى آقا النجفى الإصفهاني المتوفى عام ١٣٣٢ ق.

در کتاب دیگر بنام «طریق الوصول إلى اخبار آل الرسول عليهم السلام» یاد کرده ام و می توانی تمام سند را از آنجا بگیری.

امر سیزدهم از خاتمه رساله: این است که اگر مال و ثروت دنیا که در نظر مردم گنج است می خواهی (در حالی که گنج واقعی مال دنیا نیست)، برای این هدف در هر روز از ماه رجب المرجب دوازده مرتبه این آیه شریفه را قرائت کن: «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»

تمام شد این رساله شریفه به نام (گنج آشکار برای فرزندم علی) به دست نویسنده اش بنده فانی هادی نجفی که خدا با او باشد و آینده اش را بهتر از گذشته گرداند و او را با پیشوایانش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام محشور گرداند.

تاریخ اتمام این رساله در روز سه شنبه ۲۳ ماه صفرالمظفر سال ۱۴۲۸ در شهر اصفهان بود که خداوند متعال این شهر را از حوادث تلخ نگهدارد. سپاس مخصوص خداست در اول و آخر و خداوند بر پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و معصومش درود و رحمت فرستد.

ترجمه رساله «گنجنامه» توسط بنده حقیر علی اصغر حبیبی در تاریخ هشتم ذی القعدة ۱۴۲۸ هجری قمری مطابق با ۲۸ آبان سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به پایان رسید.

ص: ۱۱۱

* به طور خلاصه داستان ایاز از این قرار است: سلطان محمود غزنوی غلامی داشت به نام ایاز که او را بسیار دوست می داشت به طوری که وی مورد حسادت وزیران و دیگر غلامان پادشاه قرار گرفت و گاهی از او پیش سلطان سعایت و بدگویی می کردند و پادشاه از این موضوع باخبر بود که آنها درباره وی حسادت می ورزند، لذا برنامه ای را تدارک دید که علت علاقه اش به ایاز برای همه روشن شود، به این صورت که در مراسمی که وزرای وی حضور داشتند سلطان یک دانه قیمتی از جواهرات الماس و یا از جنس دیگر به یکی از وزرا داد و دستور داد که آن را بشکند ولی او قبول نکرد و گفت این جواهر گرانبهایی است و با شکستن آن به خزانه حکومتی ضرر و زیان مهمی می رسد و دیگر وزرا هم وقتی سلطان چنین دستوری را به آنها داد همان جواب را دادند و یا این که ترسیدند بعدها سلطان آنها را تنبیه کند آن را نشکستند، ولی ایاز که در آن جلسه حضور داشت وقتی که سلطان آن جواهر را به او داد و دستور داد که بشکند بلافاصله آن را به زمین زد و شکست و وزرا همه زبان به انتقاد گشودند که با این کار او زیان به خزانه مملکتی رسید. سلطان محمود گفت: درست است که از نظر مالی به خزانه سلطنتی من ضرر رسید ولی ایاز با این کارش حرف من را زمین نزد و به دستور من عمل کرد و این کارش مهم تر از آن ضرری است که شما می پندارید.

ص: ۱۱۳

***. يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا. يَا رَبَّنَا وَ يَا سَيِّدَنَا وَ يَا مَوْلَانَا وَ يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸.

***. آن جریان از این قرار است: علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) می گوید: در بعضی از کتاب ها داستانی را یافتیم به این شرح که: حضرت عیسی علیه السلام با بعضی از حواریین در سفر سیاحتی که به شهری داشتند در نزدیکی آن شهر در مسیر راه گنجی را یافتند. همراهان حضرت به او گفتند: ای روح الله به ما اجازه بده در همین جا اقامت داشته باشیم و از این گنج بهره مند شویم تا ضایع نشود. حضرت فرمود: شما همین جا اقامت کنید ولی من داخل این شهر می روم چرا که گنجی در آن جا دارم که جویای آن هستم. لذا چون آن حضرت داخل شهر شد و مقداری گشت خانه خرابی را دید پس داخل آن خانه شد که پیره زنی در آن جا بود حضرت به او فرمود: من امشب مهمان تو هستم آیا غیر از تو در این خانه کسی هست؟ گفت: بله پسری دارم که پدرش فوت کرده است و او در کنار من یتیم مانده است. کارش این است که هر روز به صحرا می رود و خار می کند و جمع می کند و به شهر می آورد و می فروشد و با پول آن ما گذران زندگی می کنیم. پس اتاقی را برای پذیرایی از حضرت عیسی آماده ساخت تا این که پسرش آمد. پیره زن به او گفت: خدا امشب مهمان شایسته ای را برای ما فرستاده است که از پیشانی او نور زهد و صلاح می بارد. پس فرصت را غنیمت بشمار و در خدمت او باش و با او همراهی کن. پس آن پسر وارد بر حضرت عیسی شد و در خدمت آن حضرت قرار گرفت و او را گرامی داشت. چون پاسی از شب گذشت حضرت عیسی علیه السلام از حال و زندگی او جويا شد. پس حضرت در آن جوان آثار خردمندی و هوشیاری و زمینه ترقی و رشد برای رسیدن به درجات کمال را احساس نمود. ولی حضرت عیسی متوجه شد که این جوان در درون خود اندوه بزرگی دارد. لذا به او فرمود: ای غلام من می بینم که قلب تو مشغول به غمی است که برطرف نمی شود. پس به من راجع به آن خبر ده شاید در نزد من برای این درد دوايي وجود داشته باشد. پس چون حضرت در این باره اصرار و مبالغه کرد آن جوان گفت: بله من در قلبم

ناراحتی دارم که کسی غیر از خداوند نمی تواند آن را مداوا کند. پس غلام عرض کرد: من روزی خارها را که حمل می کردم به طرف شهر، عبورم به کاخ دختر پادشاه افتاد و نگاه به کاخ می کردم در این بین چشمم به دختر پادشاه افتاد. پس محبت او به شدت در دلم قرار گرفت و هر روز این علاقه زیاد شد و برای این درد دارویی غیر از مرگ نمی بینم.

حضرت عیسی فرمود: من راهی جلو تو می گذارم که تو بتوانی با او ازدواج کنی. پس جوان رفت و مادرش را در جریان فرمایش حضرت عیسی علیه السلام گذاشت. مادرش به او گفت: پسر من گمان نمی کنم که این مرد وعده ای بدهد که امکان نداشته باشد به آن وفا کند. پس به او گوش کن و در هرچه می گوید او را اطاعت کن.

چون شب را به صبح رساندند حضرت عیسی به غلام فرمود: برو به در خانه پادشاه، زمانی که افراد مخصوص دربار او و وزیران وی خواستند بر او وارد شوند به آنها بگو که به پادشاه از زبان تو بگویند که من آمده ام به خواستگاری دخترش. پس هر اتفاقی که بعد از این افتاد بین تو و پادشاه بیا و به من بگو. جوان خود را به در خانه پادشاه رساند و وقتی که خواسته خود را به افراد مخصوص پادشاه گفت: آنها به او خندیدند و از گفتارش شگفت زده شدند و رفتند به نزد پادشاه در حالی که وی را به مسخره گرفته بودند مطلب او را به پادشاه گفتند. پادشاه دستور داد او را در نزدش حاضر کنند. پس چون داخل شد و به حضور پادشاه رسید و از دختر پادشاه خواستگاری نمود پادشاه با حال تمسخر به او گفت: من دختر خود را به تو نمی دهم مگر این که تو به من مرواریدها و یاقوت ها و گوهرهای آن چنانی بدهی و خلاصه جواهراتی را از وی درخواست نمود که جز در خزانه پادشاه در جای دیگر پیدا نمی شد. پس جوان به پادشاه گفت: من می روم و جواب تو را می آورم. لذا به نزد حضرت عیسی آمد و جریان را گفت: پس حضرت عیسی به خرابه ای که در آن سنگ ها و کلوخ های بزرگی بود رفت و از خدا درخواستی کرد و دعا نمود. پس آن سنگ ها و کلوخ ها تبدیل به جواهراتی شد که پادشاه خواسته بود بلکه بهتر از آنها. بعد از آن فرمود: ای غلام هر چقدر از این ها را که می خواهی بردار و ببر به نزد پادشاه. پس غلام آن جواهرات را پیش پادشاه بُرد ولی او و افرادی که در مجلس او بودند درباره این جوان و کار وی تعجب کردند. در عین حال گفتند که این مقدار ما را کافی نیست. جوان دوباره آمد به نزد حضرت عیسی و آن چه اتفاق

افتاده بود گزارش داد. حضرت عیسی فرمود: برو داخل خرابه شو و هرچه می خواهی از آن جواهرات بردار و ببر به نزد آنان در این مرتبه آن جوان دو برابر آن چه را برده بود برداشت از آن جواهرات و برد به نزد پادشاه که باعث شگفتی بیشتر وی و همراهانش شد. پادشاه گفت: کار این غلام عجیب است. پس با غلام خلوت کرد و از رازِ مطلب وی جو یا شد. پس او هم آن چه که بین خود و حضرت عیسی اتفاق افتاده بود و علاقه شدیدی که به دختر پادشاه پیدا کرده بود را به پادشاه اطلاع داد. پادشاه پی برد که آن مهمان حضرت عیسی علیه السلام می باشد. لذا به جوان گفت: به مهمانت بگو به نزد من بیاید و دختر من را به ازدواج تو در آوردم. پس حضرت عیسی حاضر شد و دختر پادشاه را به ازدواج آن جوان در آورد. پادشاه نیز لباس فاخری را دستور داد برای جوان آوردند و او پوشید و خلاصه شبی را آن جوان و دختر پادشاه با هم به صبح رساندند، وقتی صبح شد. پادشاه غلام را خواست و با او صحبت کرد. دید او شخص عاقل و پاکی است و برای پادشاه هم فرزندی غیر از همان دخترش وجود نداشت. لذا آن غلام را ولیعهد خود نمود و وارث پادشاهی قرار داد و به خواص و اعیان حکومتش دستور داد که با او بیعت کنند و دستوراتش را اطاعت کنند. چون شب دوّم شد پادشاه به طور ناگهانی فوت کرد و آن غلام را بزرگان حکومت به تخت پادشاهی نشاندند و مطیع او شدند و خزانه های مملکت را به او سپردند. در روز سوّم حضرت عیسی آمد که با آن جوان که پادشاه شده بود خداحافظی کند. غلام گفت: ای حکیم تو به گردن من حقوقی داری که من سپاس یکی از آنها را نمی توانم به جای آوردم حتی اگر همیشه زنده باشم و به تو خدمت کنم. ولی دیشب در دل من امری عارض شد که اگر در این باره جواب مرا ندهی از آن چه که من به دست آورده ام نفع و سودی نمی برم. حضرت عیسی فرمود: آن مطلب چیست؟ غلام گفت: تو که توانستی مرا در عرض دو روز از آن جایگاه پست به این درجه بالا- برسانی چرا درباره خودت این کار را انجام نمی دهی و تو را در این لباس های ساده می بینم و در این شرایط خاصّ؟

حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود: کسی که نسبت به خدا و خانه کرامت او [آخرت] و ثوابش علم دارد و به فانی بودن دنیا و پستیش آگاهی دارد رغبت به این پادشاهی و اموری که از بین می رود پیدا نمی کند و ما در مقام نزدیکی به خداوند متعال و دوستیش لذّت های روحانی داریم که این لذّت های از بین رفتنی دنیا در مقابل آنها چیزی نیست. پس چون

حضرت عیسیٰ او را به آفات و عیب های دنیا و نعمت های آخرت و درجات آن خبر داد غلام به آن حضرت گفت: برای من بر تو سؤال دیگری است و آن این که تو چرا برای خود لذت های بهتر و بالاتر را برگزیدی و مرا در این بلائی بزرگ قرار دادی؟ حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: من به این جهت تو را در این امر قرار دادم که هوش و عقل تو را بیازمایم تا به خاطر ترک این امور آسان برای تو پاداش بیشتر و کامل تر به دست آید و این پشت پا زدن تو به دنیا و پادشاهی آن برای دیگران حجتی باشد. پس غلام پادشاهی را رها کرد و لباس های قبلی خود را پوشید و از همراهان حضرت عیسیٰ شد. چون حضرت عیسیٰ سوی حواریین برگشت فرمود: این همان گنجی بود که من گمان می کردم در این شهر است و خدا را سپاس که آن را پیدا کردم.

بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۱.

ص: ۱۱۷

١. الآراء الفقيهيه، للشيخ هادى النجفى، اصفهان، ١٤٢٩.

٢. الإثنا عشرية فى المواعظ العديده، لمحمد بن الحسن العاملى، قم المقدسه، ١٣٨٤ش - ١٤٢٧ق.

٣. إحقاق الحق، للشهيد القاضى نورالله التستري، مكتبه آيه الله المرعشى.

٤. الأربعون حديثاً فى من يملأ الأرض قسطاً و عدلاً، للشيخ هادى النجفى، قم المقدسه، ١٤١١ق.

٥. از چشمه خورشيد (چهل حديث از امير مؤمنان على عليه السلام)، للشيخ هادى النجفى، ترجمه جوياء جهانبخش، اصفهان، ١٤٢٩.

٦. الأدب المفرد، للبخارى، الطبعة القديمه.

٧. أعلام الدين، للديلمى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم المقدسه.

٨. إقبال الأعمال، لابن طاووس الحسينى، الطبعة الحجرى.

٩. ألف حديث فى المؤمن، للشيخ هادى النجفى، مؤسسه النشر الإسلامى، قم المقدسه، ١٤١٦ق.

١٠. أمالى الصدوق، تحقيق مؤسسه البعثه، قم المقدسه.

١١. أمالي الشيخ طوسي، تحقيق مؤسسه البعثه، قم المقدسه.
١٢. اندوخته خداوند، للشيخ هادي النجفي، ترجمه جويها جهانبخش، حروفه، تهران، ١٤٢٤.
١٣. أمالي المفيد، تحقيق علياً كبير الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامي قم المقدسه.
١٤. أنوار التنزيل، المسمّى بتفسير البيضاوي، الطبع الحجري.
١٥. بحار الأنوار، للشيخ محمدباقر المجلسي، بيروت في ١١٠ مجلدات، و بيروت عام ١٤٢١ق في ٤٤ مجلدا.
١٦. البرهان في تفسير القرآن، للسيد هاشم البحراني، مؤسسه البعثه، قم المقدسه.
١٧. البلد الأمين، للكفعمي، صوره عن الطبع الحجري، قم المقدسه.
١٨. بوستان فضيلت، لحميد خليليان، إصفهان، ١٣٨٥ش.
١٩. البيان في أخبار صاحب الزمان، لمحمد بن يوسف الكنجي الشافعي، مؤسسه النشر الإسلامي قم المقدسه.
٢٠. التاج الجامع للأصول في أحاديث الرسول، للشيخ منصور علي ناصف، بيروت ١٤٠٦ق.
٢١. تحف العقول، لابن شعبه الحراني، تحقيق علياً كبير الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامي قم المقدسه.
٢٢. التذكرة الحمدونيه، لمحمد بن الحسن بن محمد بن علي ابن حمدون، بيروت ١٩٩٦م.
٢٣. التعريف بوجوب حق الوالدين، لأبي الفتح الكراچكي، قم المقدسه.
٢٤. تفسير القمي، لعلي بن إبراهيم القمي، مجلدان، قم المقدسه.

٢٥. التفسير الكبير، للفخر الرازي، بيروت.

٢٦. تمام نهج البلاغه، للسيد صادق ابن السيد محمدباقر ابن السيد عبدالله الموسوي الشيرازي، مؤسسه الاعلمي، بيروت، لبنان ١٤٢٦ق.

٢٧. التهذيب، للشيخ الطوسي، تحقيق السيد حسن الخراسان، طهران.

٢٨. ثواب الأعمال، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبر الغفاري، طهران.

٢٩. جامع الأصول في أحاديث الرسول، لابن الأثير الجزري، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٣ق.

٣٠. جامع الشتات، لمحمد إسماعيل الخواجوي الأصفهاني، تحقيق السيد مهدي الرجائي، قم المقدسه.

٣١. الجعفریات، لمحمد بن محمد بن الأشعث، طهران، ١٣٧٠.

٣٢. جواهرالكلام، [نبذه من كتاب]، للآمدي، المطبوعه ضمن مجله تراثنا، العددین ٩١ و ٩٢، قم المقدسه.

٣٣. حكايت أخگر الماس ریزه ها، لجويا جهانبخش، دليل ما، ١٣٨٤ش.

٣٤. حليه الأولياء، للحافظ أبي نعيم الأصفهاني، بيروت.

٣٥. الخصائص الحسينيه، للشيخ جعفر التستري، المطبوعه الحيدريه، النجف الأشرف، ١٣٧٥ق.

٣٦. الخصال، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبر الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامی قم المقدسه.

٣٧. خواص الآيات، للشيخ محمد تقی آقا النجفی الإصفهاني، الطبع الحجری.

٣٨. رسائل المحقق الكركي، تحقيق الشيخ محمد الحسون، قم، مكتبه آيه الله

المرعشى، ١٤٠٩ق.

٣٩. رَوْضِ الْجَنَانِ، لأبِي الْفَتْوحِ الرَّازِي، الآسْتَانَةُ الرَّضْوِيَّةُ الْمُقَدَّسَةُ.

٤٠. رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ، لِمُحَمَّدِ بْنِ قَتَّالِ النَّيْسَابُورِيِّ، النَّجْفُ الْأَشْرَفُ.

٤١. الدَّرَةُ الْبَاهِرَةُ، لِلشَّهِيدِ الْأَوَّلِ، الآسْتَانَةُ الرَّضْوِيَّةُ الْمُقَدَّسَةُ، ١٣٦٥ش - ١٤٠٨ق.

٤٢. دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، لِلْقَاضِي نِعْمَانَ الْمِصْرِيِّ، طَبَعْتُهُ مِصْرًا، مُؤَسَّسُهُ آلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

٤٣. الدَّعَوَاتُ، لِلْقَطْبِ الرَّائِدِيِّ، قَمُ الْمُقَدَّسَةُ.

٤٤. دِيْوَانُ أَبِي الْمَجْدِ، لِلشَّيْخِ مُحَمَّدِ الرَّضَا النَّجْفِيِّ الْأَصْفَهَانِيِّ، تَحْقِيقُ السَّيِّدِ أَحْمَدَ الْحُسَيْنِيِّ، قَمُ الْمُقَدَّسَةُ، ١٤٠٨ق.

٤٥. ذَخَائِرُ الْعَقَبِيِّ فِي مَنَاقِبِ ذَوِي الْقُرْبَى، لِمُحِبِّ الدِّينِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الطَّبْرِيِّ، بَيْرُوتُ.

٤٦. سَفِينَةُ الْبَحَارِ وَ مَدِينَةُ الْحُكْمِ وَ الْآثَارُ، لِلشَّيْخِ عَبَّاسِ الْقَمِيِّ، الآسْتَانَةُ الرَّضْوِيَّةُ الْمُقَدَّسَةُ.

٤٧. سَنَنِ الْبَيْهَقِيِّ، لِلْبَيْهَقِيِّ، بَيْرُوتُ ١٠ مَجْلَدًا.

٤٨. سَنَنِ التَّرْمِذِيِّ، لِلتَّرْمِذِيِّ.

٤٩. سِيرُ أَعْلَامِ النَّبَلَاءِ، لِلذَّهَبِيِّ، بَيْرُوتُ ١٤٠٦ق.

٥٠. شَرْحُ الْأَخْبَارِ فِي فِضَائِلِ الْأُئِمَّةِ الْأَطْهَارِ، لِلْقَاضِي نِعْمَانَ الْمِصْرِيِّ، مُؤَسَّسُهُ النَّشْرُ الْإِسْلَامِيُّ قَمُ الْمُقَدَّسَةُ.

٥١. شَرْحُ أَصُولِ الْكَافِي، لِلْمَوْلَى صَالِحِ الْمَازَنْدَرَانِيِّ، بَيْرُوتُ.

٥٢. شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، لِابْنِ أَبِي الْحَدِيدِ الْمُعْتَزَلِيِّ، مِصْرُ.

ص: ١٢١

٥٣. صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق الشيخ محمد مهدي نجف، الآستانه الرضويه المقدسه.
٥٤. عُده الداعي، لابن فهد الحلبي، طبعه مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤٢٠ق.
٥٥. عقاب الأعمال، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبر الغفاري، طهران.
٥٦. عقد الدرر في أخبار المنتظر، ليوسف بن يحيى بن علي بن عبدالعزيز المقدسي الشافعي، مصر ١٣٩٩ق.
٥٧. عيون أخبار الرضا عليه السلام ، للشيخ الصدوق، تحقيق السيد مهدي اللاجوردى، قم المقدسه.
٥٨. غررالحكم، للآمدى، طبع المرحوم الشيخ محمد على الانصارى.
٥٩. فاطمه الزهراء آيه عظمه الله، لجماعه من المحققين.
٦٠. الفتوح لابن أعثم الكوفى، بيروت، دارالندوه الجديده.
٦١. الفضائل، لشاذان بن جبرئيل القمى، قم المقدسه.
٦٢. فضائل الخمسه من الصحاح الستة، للسيد مرتضى الفيروز آبادى، قم المقدسه.
٦٣. فضائل الشيعة، للشيخ الصدوق، قم المقدسه.
٦٤. فيض البارى إلى قره عينى الهادى، للشيخ مهدي غياث الدين مجد الإسلام النجفى، المطبوع ضمن قبيله عالمان دين، قم المقدسه ١٣٨١.
٦٥. قبيله عالمان دين، للشيخ هادى النجفى، قم المقدسه ١٣٨١ش.
٦٦. قواعد الأحكام، للعلامه الحلبي، مؤسسه النشر الإسلامى، قم المقدسه.
٦٧. كتاب ابليس اللعين، للشيخ هادى النجفى، دارالنشر دليل ما، قم المقدسه، ١٤٢٩.

٦٨. الكافي، لمحمد بن يعقوب الكليني، تحقيق علياً كبر الغفاري، طهران.
٦٩. كتاب من لا يحضره الفقيه، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبر الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامى، قم المقدسه.
٧٠. كشف الغمّه، لمحمد بن عيسى الإربلى، تحقيق علياً كبر الغفاري، طهران.
٧١. الكشكول، للشيخ محمد بهاء الدين العاملى، منشورات لسان الصدق، قم المقدسه، ٢٠٠٦م.
٧٢. كنز العمال، للمتقى الهندي، بيروت.
٧٣. كنز الفوائد، للكراچكى، تحقيق الشيخ عبدالله النعمه، بيروت.
٧٤. مجمع البحرين، للطريحي، الطبع الحجرى، و الطبع الحروفى بيروت.
٧٥. المحاسن، للبرقى، تحقيق السيد مهدي الرجائى، قم المقدسه.
٧٦. محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، للراغب الأصفهاني، بيروت.
٧٧. مختصر البصائر، للحسن بن سليمان الحلّى، مؤسسه النشر الإسلامى، قم المقدسه.
٧٨. مستدرک سفينه البحار، للشيخ على النمازى الشاهرودى، مؤسسه النشر الإسلامى قم المقدسه، ١٤٢٧ق.
٧٩. المستدرک على الصحيحين، للنيسابورى، الطبعه القديمه.
٨٠. مستدرک وسائل الشيعه، للشيخ حسين النورى، طبع مؤسسه آل البيت عليهم السلام .
٨١. مسکن الفؤاد، للشهيد الثانى، آل البيت عليهم السلام، قم المقدسه.
٨٢. مشارق أنوار اليقين، للحافظ رجب البرسى، قم المقدسه.
٨٣. المصباح، للكفعمى، مصورا عن الطبع الحجرى، قم المقدسه.

٨٤. مصباح الشريعة، للصهر دشتي، الأعلمي، بيروت.
٨٥. مطالب السؤل، لمحمد بن طلحه الشافعي، النجف الأشرف.
٨٦. معاني الأخبار، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبير الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامى، قم المقدسه.
٨٧. مفاتيح الجنان، للشيخ عباس القمى.
٨٨. مفتاح السعاده، للشيخ محمد تقى آقا النجفى الأصفهانى، الطبع الحجرى.
٨٩. المناقب، لابن شهر آشوب، قم المقدسه.
٩٠. منهج الصادقين، للشيخ فتح الله الكاشانى، طهران.
٩١. موسوعه أحاديث أهل البيت عليهم السلام، للشيخ هادى النجفى، دار إحياء التراث العربى، بيروت ١٤٢٣ق.
٩٢. ميراث حوزة اصفهان، لجماعه من المحققين، أصفهان.
٩٣. النبراس، للحاج المولى هادى السبزوارى، مصورا عن الطبع الحجرى.
٩٤. نثر الدر، لمنصور بن الحسين الآبى، تحقيق محمد على قرنه، مصر.
٩٥. نهج البلاغه، للسيد الرضى، طبع صبحى صالح.
٩٦. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، للحسين بن محمد بن حسن بن نصر الحلوانى، قم المقدسه ١٤٠٨ق.
٩٧. نوادر المعجزات، للطبرى الإمامى، الطبعة الحديثه، قم المقدسه.
٩٨. وسائل الشيعه، للشيخ الحر العاملى، مؤسسه آل البيت، قم المقدسه.
٩٩. ولايت و امامت، للشيخ هادى النجفى، قم ١٣٧٠ش - ١٤١٣ق.
١٠٠. يوم الطّف، للشيخ هادى النجفى، قم ١٤١٣ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

